ابراهیمی

آزاد ابراهیم ۲۸/ ۴/ ۸۴

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شمارهٔ ثبت کتاب ۲۰۸۶۹۲

کتاب مجموعه: ترجمه سراج المناسک، هفت بند حاجی و غیره

مؤلف شیخ اسماعیل مجاور

مترجم شیخ محمد بیک بن موسی خان ساوجبلاغی مکری

شمارهٔ قفسه ۱۷۰۵۲۷

یا حضرت ابو ... یاد ...

بسم الله الرحمن الرحيم

جهت وسعت رزق

اللهم لا طاقة لعبد الله ابن بوداق بالجهد ولا صبر له على البلاء ولا قوة له على الفقر والفاقة اللهم فصل على محمد وآل محمد ولا تحظر على عبد الله ابن بوداق رزقك ولا تقتر عليه سعة ما عندك ولا تحرمه فضلك ولا تحسمه من جزيل قسمك ولا تكله الى خلقك ولا الى نفسه فيعجز عنها ويضعف عن القيام فيما يصلحه ويصلح ما قبله بل تفرد بلم شعثه وتولى كفايته وانظر اليه في جميع اموره انك ان وكلته الى خلقك لم ينفعوه وان الجأته الى اقربائه حرموه وان اعطوه اعطوه قليلا نكدا وان منعوه منعوه كثيرا وان بخلوا فقد بخلوا هم للبخل اهل اللهم اغن عبد الله ابن بوداق من فضلك ولا تخله منه فانه مضطر اليك فقير الى ما في يديك وانت غني عنه وانت خبير عليم ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا ان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب برحمتك يا ارحم الراحمين

ارامی ۱

اراصی





کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

[illegible] ۱۷ [illegible] ۱۳۰۴ [illegible]

[illegible] ۲۴ [illegible]

خط مرحوم [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس و شکر و ستایش بی‌قیاس حضرت غفاری را جل جلاله
که جعل البیت مثابة للناس وامنا و رحیمی را که حجر قلوب عاصیان را
باب زمزم رحمت سفید نماید و در ملتزم بارگاه شفقت دعوت
امیدواران را بکرم اجابت فرماید و منعمی را که متنعمان را بخوان رحمت خود
برخوان مغفرت بدعوت نواخته و مسکینان را از وجه رفعت از
تکلف نمودن این راه معذور ساخته کما قال الله تبارک و تعالی
وَلِلّٰهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ
سَبِیلًا و قیومی را که رکن اسلام را از طواف آن قایم و مضبوط
نموده و بنای دین مسلمانی را از آن محکم و مربوط فرموده پس گواهی میدهیم
که نیست هیچ معبودی بحق که سزاوار پرستش باشد مگر خداوند یکه

بی نظ

بی‌نظیر و بی‌وزیر و بی‌ظهیر و بی‌انباز است و از همه چیز و همه کس مستغنی
و بینا و دانا و بی‌نیاز و هم گواهی میدهیم که هر آینه بنده خالق رحمن و
رسول انس و جان و شافع روز جزا محمد المصطفی است صلی الله
تعالی علیه و سلم که خدای تعالی کعبه معظمه و مکه مکرمه بل تمام کاینات را
از نور ذات بابرکات او مشرف و پیراسته و مزین و آراسته است
صلی الله تعالی و سلم علیه و علی اخوانه من النبیین والمرسلین و اصحابه
و آله الناشرین که هدایتش همه دلیل روشن است و مبین
اما بعد چنین گوید اقل الفقهاء اسمعیل المجاور غفر الله ذنوبه
و ستر عیوبه که در زمان ارشاد قطب دایرة الارشاد غوث الثقلین
علی الصداد الراکع الساجد المجاهد مرشد الاکرم و سید الماجد شیخنا
و مولانا ضیاء الدین شیخ خالد ذی الجناحین قدس الله تعالی سره
العزیز و هم در عهد سلطنت اعدل الخواقین و اعظم السلاطین
تابع الشریعة القویمة سالک الطریقة المستقیمة ظل الله علی الانام

حامی بیضة الاسلام ماحی ظلمت الکفر والظلام السلطان عبد المجید خان
اللهم انصر و اید الاسلام جنوده متی کان و یکون بجنود لم تروها بحرمت
سید الانام علیه آلاف التحیة والسلام و آله البررة الکرام چون
دیدم که اکثر مناسکات حج شرح و بیان طولانی دارد و اعم
اهل این زمان بواسطهٔ عدم طاقت و توانائی باختصار میل داشتند
که از خواندن و یاد کردن کلال می افزود لهذا خلاصه و جهات و
سنتهای مناسکات را از کتابهای متعدده که در این باب تالیف کرده بودند
در دار العلم مکه مکرمه استخراج نمودیم که تا طالبان راه حج و عمره
از ادعیه که در بعضی از مواضع مخصوصه بدان احتیاج بوده
باشد فایده یابند و آنرا سراج المناسک نام کردیم بدانکه ای سالک
راه دین که اول این رساله شریفه را بعربی تصنیف نموده بودند
پس این حقیر سراپا تقصیر اغنی شیخ محمد بیک بن مرحوم موسی خان
ساوجبلاغی مکری در سنه هزار و دویست و شصت و چهار

هجری

هجری آنرا بفارسی ترجمه کردانیده که تا فایده‌اش اعم و نوالش اتم
و جاهلان و عامیان را نیز و تکثیر تفهیم باشد امید که منظور نظر دانشمندان
و بقبول خاطر خردمندان گردد و حقیر نیز با کافهٔ اسلام از خواص و
عوام از آن مستفیض و بهره یاب شوند والله اعلم بالصواب

**فصل** بدانکه حج در همهٔ عمر واجب نیست مگر یکبار و
مکرر لابد شده باشد چون نذر و قضا که باز حج کردن واجب شود و حج
تطوع بمجرد شروع کردن در آن واجب گردد و بعد از حج فرض
و اگر حج تطوع بفساد آید قضایش لازم شود و چون حج واجب گشت
عمره نیز واجب گردد و اما شرطهائیکه حج را لازم گرداند
نخست اول آنکه مسلمان باشد پس حج از کافر درست نباشد و از
مسلمان برای کافر نیز درست نباشد دوم آنکه بالغ باشد و
و شرط نیست کسی را که حج از برای او واقع شود حد تکلیف
داشته باشد پس ولی را روا باشد که از برای کودک احرام

به بند و بعد از آن که کودک بالغ شد بروی لازم بود که بار دیگر حج

بگذارد کما فی قوله صلی الله علیه وسلم ایما صبی حج ثم بلغ

فعلیه حجة اخری رواه بیهقی سیم آنکه عاقل بود پس حج

از دیوانه و غیر ممیز درست نباشد چهارم آنکه آزاد بود لقوله صلی الله

علیه وسلم ایما عبد حج ثم عتق فعلیه حجة اخری

رواه البیهقی باسناد یعنی چون بنده حج کرد و بعد از آن آزاد شد

بروی لازم بود که بار دیگر حج بگذارد پنجم استطاعت است یعنی مال

داشته باشد و اگر فقیر بر نفس خود رنج نهد و حج کند بجای حج

فرض واقع شود و اگر بعد از آن استطاعت یافت بروی لازم نباشد

که بار دیگر حج بگذارد زیرا که او خود سر است ما وردی در حاوی

گفته است که بی زاد و نفقه بحج بیرون آمدن و اظهار توکل و اعتماد

مردمان حج روزی بر سوال کردن حرام است و اگر نیمه از حج کرده باشی و یک نماز

که فوت کنی یا از وقتش در گذرانی خاسر و زیانکار خواهی

تم

شد پس در صورت ترک حج کردن ترا بهتر باشد زیرا که آن موجب

خسارت بسیار و ندامت بیشمار است برای روز قیامت

پس ای مسکین در خانه خود بنشین و رحمت بیهوده ممان و واجبست که

نفقه از هر که نفقه اش بروی لازم بود زیادت باشد در مدت

رفتن و آمدن تا بوطن خود و هم واجبست که نفقه اش از شبهه سالم

باشد زیاده تر از آنکه حرام بود و اگر نه حجش قبول نخواهد شد جزماً

اگر نفقه اش حرام بود و اگر نفقه اش از وجه شبهه بود احتمال دارد

که قبول شود لقوله صلی الله علیه وسلم اذا حج رجل بمال من

غیر حله فقال لبیک قال الله تعالی لا لبیک

و لا سعدیک هذا مردود علیک و هم

فرموده است صلی الله تعالی علیه وسلم ان من حج من غیر حله

ثم قال لبیک قال الله عز و جل لا لبیک

و لا سعدیک حتی ترد ما فی یدیک و باید که زاد

ونفقه بسیار داشته باشد و اگر تواند محتاجان را بدان دستگیری
کند و هیچ کس را در ماکول و مرکوب با خود شریک نسازد و اگر
شریک سازد هم روا باشد و باید رفیقی را موافق خود بدست آرد
که نیکی را دوست دارد و بدی را دشمن شمارد و باید که زبان
خود را از دشنام دادن و لعنت کردن و دروغ و گفتارهای نا
صواب نگاهدارد و باید که دستش از تجارت خالی بود که خرید
و فروخت نکند و باید وصیت خود را تماما بنویسد و چند کس معتبر را
بران اشهاد کند و باید کسی را وکیل کند تا هر مهمی که خود از کردن
آن عاجز بود او آن مهم را بانجام رساند و باید کتابی را مصاحب
خود کند که جهت مقاصد مناسک حج جامع بود در خبر از طریق اهل بیت
روایت شده که چون آخر الزمان شود چهار صنف از مردمان
بحج بیرون می آیند حاکمان و بزرگان جهت نزهت یعنی عیش و
عشرت کردن و توانگران جهت خرید و فروخت کردن و تجارت

وفقران

و فقیران جهت سؤال و گدائی کردن و خوشخوانان جهت خوانندگی
و آواز ایشان شنیدن و در قرآن مجید آمده است بر سبیل حکایت
از قول شیطان علیه اللعنة که لَاَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ
الْمُسْتَقِيمَ یعنی البته بنشینم برای گمراه کردن ایشان بر راه راست تو
تا ایشان را از آن راه بگردانم و گویند مراد ازین صراط راه مکه مکرمه است
که شیطان بران نشسته تا مردمان را از آن راه منع کند و اگر
کسی استطاعت داشت در سالی که بحج بیرون رود و او با مردمان
بیرون نرفت پس مالش دران سال تلف آید پیش از حج
کردن مردمان و هر که بمیرد و حج نگذارده باشد با توانگران پس سخت
کاری بود پیش خدای تعالی لقوله صلی الله تعالی علیه و سلم
مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ فَلْيَمُتْ اِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَاِنْ شَاءَ
نَصْرَانِيًّا یعنی هر که بمیرد و حج نگذارده باشد با وجود استطاعت
پس اگر خواهد بمیرد یهودی و اگر خواهد نصرانی پس تعظیم کن عبادت را

که گم کردن آن دین را نیست و نابود گرداند و تارک آن با یهودی
و نصرانی یکسان بود در گمراهی از علی کرم الله وجهه منقولست که حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده مَن مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً
تُبَلِّغُهُ اِلَی بَيْتِ اللهِ الْحَرَامِ وَلَمْ يَحُجَّ فَلَا عَلَيْهِ اَنْ يَمُوتَ
يَهُودِيًّا اَوْ نَصْرَانِيًّا وَذٰلِكَ اِنَّ اللهَ تع يَقُولُ وَلِلّٰهِ عَلَی
النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيلًا
الآیة اخرجه الترمذی یعنی هر که مالک زاد و راحله گشت چنانکه اورا
بکعبه میرسانید اگر میرفتی و او نرفت و حج نکرد دور نیست از وی
که یهودی بمیرد یا نصرانی چنانکه خدای تعالی در روز قیامت با کس
باین آیه مذکور خطاب و عتاب خواهد نمود **دربیان فضیلت حج**
بدانکه حج از جمله فاضلترین طاعاتست و قیل گویند که افضل طاعتها باشد
بدلیل اینکه هیچ پیغمبری نبوده است الا که او حج کرده است مگر هود
و صالح علیهم السلام که ایشان حج نکرده اند و هم از حضرت رسول
صلعم

صلی الله علیه وسلم بصحت رسیده که فرموده است اللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِلْحَاجِّ وَلِمَنِ اسْتَغْفَرَ لَهُ الْحَاجُّ یعنی خداوندا بیامرز
گناه حاجیان را و هم گناه کسی را که حاجیان جهة او امرزش میخواهند
و هم حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است مَنْ حَجَّ هٰذَا
الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ
وَلَدَتْهُ اُمُّهُ یعنی هر که حج کند و بعد از آن سخن زشت نگوید و
فسق نکند از جمله گناهان پاک شود همچون روزیکه از مادرش
بوجود آمده باشد و علما گفته اند تخصیص گناهی که بحقوق خدای تعالی
متعلق باشد چون قضاء نماز و روزه و مانند آن اما حقوق بندگان
بحج ساقط نمیشود بلکه حقوق نفس هم ساقط نمیشود چه حقوق خدای تعالی
باشد و چه حقوق بندگان پس در نصورت چه بود قضاء
کردن نماز و روزه و زکوة و دادن کفارت و غیر آن هرگاه پیش از
حج بروی بوده باشد زیرا که اینها حقوق اند نه گناه چه گناه تاخیر

کمنع و فرح وکرم
والرفث فاحش کلام

کردن عبادتها بود تا وقتیکه قضا کرده شود پس گناه همین مدت
تاخیر کردن حج ساقط شود نه حقوق دیگر چنانکه شیخ کمال الدین در
نجم الوهاج گفته است که علما نقل کرده اند هر که اعتقادش چنان بود
که هر آینه حج ساقطش میکند آنچه بروی واجب گشته است از نماز و روزه و زکوة
پس طلب توبه از وی باید کردن اگر توبه میکند مهلتش بدهند والا
بقتلش برسانند بقول اجماع علما **فصل** و شرط عازم حج
آنکه در ابتدا عزیمت حج باید که از جمیع گناهان توبه کند و رد مظالم
نماید یعنی هر ظلمی که بر کسی کرده باشد رد سازد و همه را از گردن خود
بر اندازد و هر دینی که بر ذمه داشته باشد ادا کند و استخاره نماید
و باید که سفر حج در روز پنجشنبه کند والا در روز دوشنبه والا در
روز شنبه و در خانه خود دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
بعد از فاتحه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و در رکعت دوم
سوره قل هو الله احد بخواند پس چون از نماز فارغ شود دستهای

خود برداشته

خود را برداشته بگوید اللّٰهمّ انتَ الصّاحبُ فی السفر و انتَ
الخلیفةُ فی الاهلِ والمالِ والولدِ والاصحابِ اللّٰهمّ
احفظنا و ایّاهم من کلِّ آفةٍ و عاهةٍ اللّٰهمّ انّا نسئلكَ
فی سفرنا هذا البرَّ والتقوی و من العملِ
ما ترضی روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه
و سلم للحاجّ الراکبِ بکلِّ خطوةٍ یضعها سبعون
حسنةً وللماشی بکلِّ خطوةٍ سبعمائة حسنةٍ
من حسناتِ الحرمِ یعنی برای آنکه سواره حج گذارد بهر گامی
که مینهد هفتاد نیکی وارد و از برای پیاده بهر گامی که مینهد هفتصد نیکی وارد
از نیکیهای حرم گفتند یا رسول الله نیکیهای حرم چگونه باشد فرمودند
الحسنةُ بسبعمائة الفِ حسنةٍ یعنی هر نیکی به هفتصد هزار نیکی
باشد پس گفتند که هر آینه این از جهت اتمام فضیلت حج کفایت
و ابن عمر و علی و ابن مسعود رضی الله تعالی عنهم و بعضی علما هم در معنی

قوله تعالی واتموا الحج والعمرة لله گفته اند که حج بسواره گذاردن فاضلتر
بود که از پیاده و چون خواهد که بر مرکب سوار شود بگوید بسم الله و چون
بر پشت مرکب راست شود سه بار بگوید الحمد لله سبحان الله
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا
لمنقلبون والحمد لله وسه بار بگوید الله اکبر و یکبار
بگوید لا اله الا الله و یکبار بگوید سبحانک انی ظلمت
نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت و چون
مرکب نافرمان باشد و نگذارد که بروی سوار شوند سه بار این آیه را
در گوش او بخواند رام شود آیه اینست افغیر دین الله یبغون
وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
والیه یرجعون و باید که مرکب را آسایش و استراحت دهد و بفرود
آمدن از وی در وقت صبح و شام و در جای سرازیر و بر پشت مرکب
از جهش اجتناب کند و حرام است که زیاده از طاقت بار بر

بچهارپا نهد

چهارپا بنهد و به تنهائی خارج قافله نرود و سنت است دعا کردن
در جمیع اسفار برای نفس خود و از برای هر که خواهد از مسلمانان از
مهمات دنیا و آخره روایت شده است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه
که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است ثلاث
دعوات مستجابة لا شک فیهن دعوة المظلوم ودعوة
المسافر ودعوة الوالد علی ولده یعنی سه دعا مستجاب
خواهد شد که در آنها شک نیست دعای مظلوم و دعای مسافر و دعای
پدر و مادر بر فرزند خود و چون بقبور پیغمبران علی نبینا و علیهم
السلام میرسد دعا کند از برای نفس خود و از برای هر که خواهد از
مسلمانان از مهمات دنیا و دین که البته دعا مستجاب خواهد شد
و در آنجا بها شک نیست و باید که چون نزدیک آبادانی یا منزل
شود بگوید اللهم انی اسئلک خیرها وخیر اهلها
وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها و چون

بمنزل فرود آید بگوید اعوذ بکلمات الله التامات من شر
ما خلق رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر
المنزلین که البته هیچ مضرتی باو نخواهد رسید تا از منزل
کوچ کرده و روانه میشود و چون بیازار آید بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
که خدای تعالی هزار هزار نیکی را از برای وی بنویسد و هزار هزار بدی را از
برای وی محو کند و هزار هزار درجه او را بلند گرداند و سرایی از برای وی
در بهشت بنا سازد و چون از قومی بترسد بگوید اللهم انا
نجعلک فی نحورهم ونعوذ بک من شرورهم و اگر ترسناک باشد از برای
رفع ترسیدن سوره لایلاف قریش بخواند الخ که البته وی از ایشان
بدیها ایمن شود مجربست و حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
چون چیزی او را تعجب آوردی میفرمودی لبیک ان العیش

عیش

عیش الآخرة وهر که در راه خشکی از نفس و مال خود بترسد
بر وی لازمست که از راه دریا رفته حج بگذارد و اگر غالب از آن دریا
بسلامت بود و اگر غالب از آن دریا بسلامت نبود رفتن لازم
نباشد بلکه حرام بود رفتن و صبر کند تا راه امن شود و بر زن حج
واجب نباشد مگر وقتیکه بر نفس و مال و نکاح ایمن بود و بسبب شوهر
و یا محرم و یا زنی بود که در نفس ایشان وثوق باشد که در راه با
وی باشند و چون بر کشتی نشیند از غرق شدن ایمن شود اگر
بگوید بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم
القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون از بلد موصل تا شام شریف سی و پنج منزلست
باین ترتیب اول قریه طلستوفت دوم قریه دلوب سیم قریه
عاصی چهارم قریه مغاره پنجم بلد حزیر ششم قریه غنوا هفتم قریه حاجی لو

هشتم قصبهٔ مصیبین نهم قریهٔ عمود دهم بلد ماردین یازدهم قریهٔ
سلطان شیخ موسی دوازدهم قریهٔ احیائی سیزدهم بلد دیاربکر
چهاردهم قریهٔ مزره پانزدهم قریهٔ قره باغچه شانزدهم قصبهٔ سورک
هفدهم قریهٔ مشمشی هجدهم قریهٔ رأس العین نوزدهم بلد عرفا
بیستم قریهٔ ملچک بیست و یکم قصبهٔ سلچوک بیست و دوم قریهٔ
مذار بیست و سیم قریهٔ مصری بیست و چهارم قریهٔ صبغه بیست و
پنجم بلد حلب بیست و ششم قریهٔ خان تومان بیست و هفتم
قریهٔ سلیمی بیست و هشتم قصبهٔ معرا بیست و نهم قریهٔ خان شیخون
سی ام قصبهٔ حما سی و یکم قصبهٔ حمص سی و دوم قریهٔ ایکی قاپو
سی و سیم قریهٔ بنک سی و چهارم قریهٔ قدیفه سی و پنجم شام
شریف **در بیان فضیلت شام شریف** حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است صَلوةٌ فی الارضِ المقدسةِ
بِخَمسمائةٍ وکذا سائرِ الاعمالِ یعنی یک رکعت نماز که در ارض
مقدس بگذارند

مقدس بگذارند ثوابش برابر پانصد نماز دیگر است و سایر اعمال
دیگر همچنین و از شام شریف تا مکهٔ مکرمه سی و هشت منزل است نه کمتر
بود و نه بیشتر باین ترتیب اول خان زیتون پنج ساعت است در
آنجا آب جاری دارد دویم کدیفه ده ساعت است در آنجا آب دارد
سیم قریهٔ مذیریب ده ساعت است در آنجا نهری کوچک دارد
چهارم رمثا پنج ساعت است در آنجا آب نیست پنجم مفرق ده
ساعت است در آنجا آب نیست ششم زلقا ده ساعت است
در آنجا نهری کوچک و نیستانی بسیار دارد هفتم بلقا پانزده ساعت است
در آنجا آب نیست لیکن در میان قلعه چاهی باشد و در آنجا آب
دارد هشتم قطران دوازده ساعت است در آنجا آب نیست
لیکن در میان قلعه چاهی باشد در آنجا آب دارد نهم حسیه
دوازده ساعت است در آنجا آب دارد دهم عنزه دوازده
ساعت است در آنجا آب نیست لیکن در میان قلعه چاهی باشد

قرنتین برای

در آنجا آب دارد و اما آب این چاهها که مذکور شد همین از برای اهل
قلعه ها میباشد و کفایت حجاج نمیکند یازدهم قریه بعان هشت ساعتست
در آنجا آب جاری دارد دوازدهم دار العقبه دوازده ساعت است
در آنجا آب نیست سیزدهم مدوره بیست ساعتست در آنجا آب
دارد چهاردهم دار الحج هشت ساعت است در دار الحج آب دارد
پانزدهم القای صغیر دوازده ساعتست در آنجا آب نیست شانزدهم
قریه تبوک دوازده ساعتست در آنجا آب دارد و انرا عاصی خرما
نیز گویند هفدهم راس المعزه دوازده ساعت است در آنجا آب
نیست هجدهم دار الاخضر دوازده ساعت است در آنجا
آب دارد نوزدهم برکه معظم پانزده ساعت است در آنجا آب
دارد بیستم دار الحمره دوازده ساعت است در آنجا آب نیست
بیست و یکم مداین صالح پانزده ساعت است در آنجا آب دارد
بیست و دویم سهل مطران پانزده ساعت است در آنجا آب

نیست

نیست بیست و سیم بیر جدید چهارده ساعت است و در مابین
سهل مطران تا بیر جدید نیز آب نیست مگر موضعی مخصوصه که
در این مابین آب دارد و از آنجا تا بیر جدید بمقدار سه ساعت است
بیست و چهارم هدیه شانزده ساعتست در آنجا آب نیست
مگر اندکی که انقصم ازکندن زمین پیدا میشود بیست و پنجم
فحلطین نوزده ساعت است در آنجا آب دارد بیست و ششم
بیر نصیب نه ساعت است در آنجا آب دارد بیست و هفتم
مدینه منوره نوزده ساعت است در آنجا آب جاری دارد
بیست و هشتم بیر علی سه ساعتست در آنجا آب دارد بیست و
نهم شهدا چهارده ساعتست در آنجا آب نیست لیکن در اثنای
راه چاهی باشد در آنجا اندکی آب دارد و مابین چاه مزبور
تا شهدا چهار ساعتست سی ام قریه جدیده دوازده ساعت است
در آنجا آب جاری دارد سی و یکم قریه بدر ده ساعت است

در آنجا آب دارد ولیکن اکثر حجاج بسبب خوبی و خوشی آب را از بالای
قریه صفرا بر داشته با خود ببدر میبرند سی و دوم القای کبیر شش
ساعت است در آنجا آب نیست سی و سیم بیر مستوره دوازده
ساعت است در آنجا آب دارد سی و چهارم قریه رابغ هشت
ساعت است در آنجا آب دارد سی و پنجم بیار کاظمه پانزده ساعت است
در آنجا آب نیست سی و ششم قریه خلیص نه ساعت است
در آنجا آب جاری دارد سی و هفتم وادی فاطمه شانزده ساعت است
در آنجا آب جاری دارد سی و هشتم مکه مکرمه زادها الله شرفاً
و تعظیما شش ساعت است در آنجا آب دارد از آبی که
زبیده خاتون زن هارون الرشید آورده است و غیر آن
آب دیگر هم دارد بدانکه چون حجاج از شام شریف راهی و
روانه مکه معظمه شوند در اثنای راه در پنج موضع اوتراق و استراحت
میکنند اول در قلعه مزیرب که بیست و هفتم ماه شوال المکرم

حجاج

حجاج از آنجا کوچ نموده بر مطامیر روند و دویم در قریه معان یکروز و
نیم و سیم در قریه تبوک یکروز و نیم و چهارم در مداین صالح یکروز و
نیم و پنجم در مدینه منوره سه روز و در دو جای دیگر نیز نیم
استراحتی می‌کنند اول در قریه بدر نیم روز دویم در قریه رابغ نیم روز
از مکه مکرمه تا منا سه ساعت است در آنجا آب دارد و از منا تا
مزدلفه یکساعت است در آنجا آب بسیار دارد از آب زبیده
خاتون و از مزدلفه تا عرفات دو ساعت است در آنجا آب
جاری دارد از آب زبیده خاتون و وقت بازگشتن از حج بیست و
هفتم ماه ذی الحجه الحرام محمل شریف شام و حجاج از مکه مکرمه کوچ
نموده بوادی فاطمه میآیند **در بیان صفت نماز قصر و جمع در سفر** بدانکه حق
سبحانه و تعالی هر آینه بر مسافران فضل نموده است بر خصت
دادن ایشان در تخفیف بعضی واجبات از انجمله نماز قصر و
جمع است اگر سفرش دراز و مباح باشد چنانکه دو روز معتدل

در کوتاهی و درازی چون روزهای تابستان براه برود قصر نماز چهار
رکعتی بدو رکعت روا باشد بلکه فاضلتر است و شرط است که مقصد
مسافر معلوم بود و اگر کسی بر ذمه او دین حال باشد و بسفر برود قصرش
روا نباشد و نماز صبح و شام را قصر نشاید کردن و سواره و پیاده را در سفر
دراز و کوتاه نماز نافله در حالت رفتن بهر طرف که روی دارد
روا باشد و راه بدل قبله بود و جمع کردن میان نماز ظهر و عصر و میان
نماز شام و خفتن در سفر دراز بتقدیم و تاخیر روا باشد در وقت
یکی از آنها و اگر در وقت نماز اول فرود آمده باشد فاضلتر آن بود
که جمع تقدیم کند و اگر فرو نیامده باشد بلکه در حالت رفتن بود
فاضلتر آن باشد که جمع تاخیر کند و چون جمع تقدیم کند
سه چیز شرط بود اول ترتیب و آنست ترتیب که اول نماز ظهر کند
و بعد از آن عصر و اول نماز شام گذارد و بعد از آن خفتن دویم
نیت است بجمع پیش از سلام و یا با سلام لیکن بمقارنه تکبیر

احرام فاضلتر

احرام فاضلتر بود سیم موالاتست میان هر دو نماز یعنی پیاپی کند
تا اگر نماز اول بگذارد و چندان تاخیر کرد که زمانی دراز گشت جمع
باطل شود و اگر بسنتی میان آنها جدا کند و نماز دویم را در وقت
خویش بگذارد و اما به تیمم کردن و چیزی سبک خواستن چون
آب و مانند آن جمع باطل نشود و اگر جمع بتاخیر کند ترتیب و موالات
شرط نباشد ولیکن نیت جمع پیش از بدر رفتن وقت نماز
اول شرط بود و اگر بی نیت جمع تاخیر کند نمازش باطل شود
و وی عاصی گردد و اگر نیت جمع بیاورد و بعد از آن نیت را
ترک کند پیش از فراغ و بعد از آن دوباره نیت جمع بیاورد
روا باشد و نماز صبح را با غیر آن و نماز عصر را با مغرب نیز
جمع نشاید کردن **در بیان تیمم** و اگر در سفر آب نیابد
و یقین داند که در آن حوالی آب نیست تیمم کند و نماز بگذارد خواه
جنب باشد و خواه حائضه که خونش منقطع گشته باشد

واگر به یقین نداند که آب نیست واجب بود که طلب آب نماید والا
تیمم کند بخاک پاک وخالص یا بغبار چیزی پاک اگرچه غبار
پشت خر باشد واگر تیمم کند به ریگ محض ویا بخاک پلید
ویا بخاکی که گچ دارد وامثال آن باوی آمیخته باشند روا نبود
وسنت است از برای مسافر که قدری خاک در توبره و مانند
آن کرده با خود دارد تا بدان تیمم کند که هرگاه بسبب برف
ویا باران در زمین خاک نیابد وچون وقت نماز درآید واو
آب ویا خاک ویا غبار چیزی پاک نیابد برحسب عادت خویش
نماز فریضه را باید بجهة حرمت وقت بگذارد وچون آب یافت لازم بود
که نماز را باز اعاده کند وپیش از وقت فریضه تیمم از برای فریضه
درست نباشد ونافله نیز همچنین است اگر صاحب وقت باشد
وبیک تیمم زیاده از یک فریضه نشاید گذاردن وچون از جهة
نبودن آب به تیمم نماز کند قضای نمازش لازم نباشد خواه

سفرش

سفرش کوتاه باشد وخواه دراز یکسان بود واگر بعد از نماز آب
یابد در وقت یا در اثنای نماز نمازش درست بود قضا بروی لازم
نباشد واگر آب یافت ووی بدان احتیاج دارد از برای تشنگی
نفس خود ویا رفیق خود ویا یکی از حجاج ویا حیوان محترم تیمم روا
باشد ووضو کردن در وقت یاب آب حر است وایضاً وضو کردن
باب حرام است در وقت شدت سرما چنانچه اگر از نفس خود
بترسد که از سرما مضرت یابد واما تیمم مسح کردن ظاهر
روی وهر دو دست تا مرفق بنقل کردن خاک دوبار و کمتر
نباشد وارکان تیمم نخست اول نقل کردن خاکست پس اگر
برابر باد بایستاد تا خاک بر روی ودست وی فشاند ویا
خاک بر روی وی بود ونیت کرد ودست در مالید تیمم روا
نباشد واگر دیگری تیمم وی را کند روا باشد رکن دویم نیت است
واجب بود که نیت مقارن نقل کردن اول باشد همچنین

در دل میدارد تا بوقت مسح کردن روی اگر محدث نیت رفع حدث
کند و یا جنب نیت رفع جنابت کند درست نباشد ولیکن باید
نیت کند نماز بر خود مباح میکنم پس اگر نیت که نماز فریضه و
یا نافله بر خود مباح میکنم مباح گردد و اگر نیت کند که تیمم میکنم و یا
فرض تیمم میکنم درست نباشد رکن سیم مسح تمام روست و
رسانیدن خاک بزیر موها واجب نیست ولیکن بظاهر آنچه
از حد بدر رفته است واجب باشد رسانیدن رکن چهارم مسح
هر دو دستست تا هر دو مرفق بنقل کردن خاک بدو ضرب
و کمتر نباشد و به ضرب روا باشد رکن پنجم ترتیبست
میان مسح روی و هر دو دست اما چگونگی تیمم سنتست که
در اول بسم الله بگوید و در مسح روی ابتدا با علا کند و در مسح
دست اندرون انگشتهای دست چپ را غیر از انگشت ابهام
بر پشت انگشتهای دست راست بنهد غیر از ابهام و بر پشت
کف براند

کف براند تا کوع یعنی بند دست و چون بکوع رسد انگشتها را
بهم گیرد بر کنار ذراع و براند تا بمرفق و چون بمرفق رسد
ابهام دست چپ را بر ابهام دست راست براند و دست چپ را
نیز همچنین بدست راست مسح کند پس هر دو کف را بر یکدیگر بمالد
و موالات نگهدارد و انگشتری را در ضربت اول از انگشت
بیرون کند و انگشتها را بگشاید و در ضربت دوم بیرون کردن انگشتری
و گشودن انگشتها واجب نباشد و جنبانیدن انگشتری در
انگشت کفایت بود و اگر انگشتها را نگشاید خلال انگشتها واجب بود
و سنت است که تیمم را برابر قبله کند و بعد از تیمم بگوید
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ
وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ
اَتُوبُ اِلَيْكَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ همچنانکه در وضو و غسل میگوید که هرکس بعد از وضو
ویا تیمم این دعا را بخواند و دستها را برداشته روی خود را
در آسمان کند هشت در بهشت برای وی کشاده شود و رحمت
خدای تعالی بروی نازل گردد **در بیان جنایز** چون یکی از حجاج
بمیرد غسل و تکفین و نماز کردن بروی و دفن کردن وی بر همه
حجاج واجب گردد پس اگر ویرا همچنان بگذارند و دفنش نکنند
همه شان عاصی شوند و غسل و نماز و دفن کردن مرده فرض
کفایت است و اگر آب نباشد مرده را تیمم کنند چنانکه
مذکور شد و کمترین کفن یک جامه است که جمیع بدن را بپوشاند
در مذهب صحیح و قیل گویند ستر عورت کفایت است
در حق مرد و پنج جامه برای زن و چون مرد یا زن را در سه
جامه کفن

جامه کفن سازند فاضلتر آنست که سه لفافه بود و اگر زن را
در پنج لفافه کفن سازند فاضلتر آنست که ازاری و مقنعه و پیراهنی
و دو لفافه بود و کفن در جمیع انواع جامه روا باشد مگر جامه
ابریشم که روا نباشد مردان را از آن کفن سازند و زنان را
روا باشد و سنت است که کفن سفید باشد لقوله صلی الله علیه
وسلم خَيْرُ ثِيَابِكُمُ الْاَبْيَضُ فَاكْسُوهَا اَحْيَاءَكُمْ وَاكْفِنُوا
فِيهَا مَوْتَاكُمْ یعنی بهترین لباس شما آنست
که سفید باشد پس بپوشید آنرا زندگان خود را و کفن سازید
در آن مردگان خود را **در بیان صفت نماز جنازه** اول وضو بکرد
و بعد از آن نیت کند بگوید اُصَلِّي صَلٰوةَ هٰذِهِ الْجَنَازَةِ
الْحَاضِرَةِ فَرْضَ كِفَايَةٍ لِلّٰهِ تَعَالَى اللّٰهُ اَكْبَرُ و اگر خواهد بفارسی
بگوید که نماز این مرده حاضر میکنم فرض کفایت است از برای
خدای تعالی الله اکبر بعد از آن فاتحه بخواند و بعد از آن

بگوید الله اکبر وبعد ازان بگوید اللّهمّ صلّ علی سیّدنا محمّدٍ
وعلی آل سیّدنا محمّدٍ و بعد ازان بگوید الله اکبر وبعد
ازان اگر مرده مذکر بود بگوید اللّهمّ اغفر له وارحمه وتجاوز عنه
وبعد ازان بگوید الله اکبر واگر مرده مؤنث بود بگوید اللّهمّ
اغفر لها وارحمها وتجاوز عنها بعد ازان بگوید
الله اکبر وبعد ازان بر راست وچپ سلام دهد وبگوید
السلام علیکم ورحمة الله **تلقین میت** وسنت است که بعد از
دفن تلقین مرده کنند وبگویند یا عبد الله ابن امة
الله اذکر ما خرجت علیه من الدنیا شهادة
ان لا اله الا الله وانّ محمّداً رسول الله
وانّ الجنّة حقّ وانّ النّار حقّ وانّ البعث
حقّ وانّ السّاعة اٰتیة لا ریب فیها وانّ
الله یبعث من فی القبور وانّك رضیت

بالله

بالله ربّاً وبالاسلام دیناً وبمحمّدٍ صلّی
الله تعالی علیه وعلی آله وصحبه وسلّم نبیّاً
وبالقرآن اماماً وبالکعبة قبلةً و
بالمؤمنین اخواناً ربّی الله لا اله الا
هو وهو ربّ العرش العظیم
سنت است که قصد رفتن مدینه منوره نمایند ازبرای مجرد
زیارت کردن مرقد آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم
که رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است من زادنی
بعد وفاتی فکانّما زادنی فی الحیاتی
یعنی هرکه بعد از وفات من مرا زیارت کند همچنانست که مرا
در زندگی زیارت کرده باشد روایت میکند دار القطنی من
زار قبری وجبت له شفاعتی یعنی حضرت رسول صلی الله
تعالی علیه وسلم فرموده است هرکه مرقد مرا زیارت کند

شفاعت من از برای وی واجب گردد و هم حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است مَنْ جَاءَنِی زَائِراً لا
یُهِمُّهُ اِلّا زِیَارَتِی کَانَ حَقّاً عَلَی اللهِ
اَنْ اَکُونَ لَهُ شَفِیعاً یعنی هر که نزد من باید
بمجرد زیارت کردن که او را هیچ مهمی دیگر نبود الا زیارت
کردن من نباشد حق بود بر خدای تعالی که من از برای او شفیع
باشم در روز قیامت و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه
وسلم فرموده است مَنْ وَجَدَ سَعَةً وَلَمْ یَفِدْ اِلَیَّ
فَقَدْ جَفَانِی یعنی هر که توانائی داشته باشد که نزد من رسد
و او نرسید نزد من هر آینه مرا جفا و ستم کرده باشد و هم حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است مَنِ اسْتَطَاعَ
اَنْ یَمُوتَ بِالْمَدِینَةِ فَلْیَمُتْ بِهَا فَاِنَّهُ لا یَمُوتُ
اَحَدٌ اِلّا کُنْتُ لَهُ شَفِیعاً وَشَهِیداً
یعنی هر که

یعنی هر که استطاعت داشته باشد که آمده در مدینه منوره
بمیرد پس گو بمیرد در آنجا زیرا که هیچ احدی نمیرد در آنجا
الا که من از برای وی شفیع و حاضر باشم در روز قیامت
و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
اِنَّ اللهَ تَعَالَی اَیَّدَنِی بِاَرْبَعَةِ وُزَرَاءَ اِثْنَیْنِ مِنْ اَهْلِ السَّمَاءِ
جِبْرَئِیلَ وَمِیکَائِیلَ وَاِثْنَیْنِ مِنْ اَهْلِ الْاَرْضِ اَبِی بَکْرٍ وَعُمَرَ
رَضِیَ اللهُ تَعَالَی عَنْهُمَا یعنی که خدای تعالی مرا موید
ساخته است بچهار وزیر دو از اهل آسمان یعنی جبرئیل و
میکائیل و دو از اهل زمین یعنی ابی بکر و عمر رضی الله تعالی
عنهما هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
اَنَا اَوَّلُ مَنْ یَنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ ثُمَّ آتِی اَهْلَ الْبَقِیعِ
فَیُحْشَرُونَ مَعِی ثُمَّ آتِی اَهْلَ مَکَّةَ فَاُحْشَرُ بَیْنَ
الْحَرَمَیْنِ یعنی که در روز قیامت اول کسی که زمین

ازوی شکافته وبر انگیخته شود من باشم وبعد از آن اهل بقیع
که آمده وبا من حشر میکنند وبعد از آن اهل مکه که آمده در
میان حرم مکه ومدینه حشر خواهند کرد عبد الله بن عباس
روایت میکند از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلّم
صَلٰوةٌ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ بِعَشَرَةِ الآفِ صَلٰوةٍ وَصَلٰوةٌ
فِي الْمَسْجِدِ الأَقْصىٰ بِأَلْفِ صَلٰوةٍ وَصَلٰوةٌ فِي الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ بِمِائَةِ أَلْفِ صَلٰوةٍ وَكَذَا سَائِرِ الأَعْمَالِ
یعنی یک نماز که در مسجد مدینه منوره بگذارند ثوابش برابر ده هزار
نماز است ویک نماز که در مسجد الاقصی بگذارند ثوابش برابر
هزار نماز است ویک نماز که در مسجد الحرام بگذارند
ثوابش برابر صد هزار نماز است وسایر اعمال دیگر همچنین
سنّتست وبلکه غنیمت در مدینه منوره روزه کرفتن وختم قران
مجید کردن وختم دلایل الخیرات بسیار نمودن وهر چه ممکن بود.
بصدقه

بصدقه دادن وهر که سیر وپیاز وگندنا بخورد بروی حرام است
که داخل مسجد حضرت رسول الله صلّی الله تعالی علیه وسلّم شود
اگر چه سیر پخته باشد چنانکه فرموده اند صلّی الله تعالی علیه و
سلّم مَنْ أَكَلَ الثُّومَ أَوِ الْبَصَلَ أَوِ الْكُرَّاثَ فَلَا يَقْرَبَنَّ
مَسْجِدَنَا لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذّىٰ مِمَّا يَتَأَذّىٰ مِنْهُ بَنُو
آدَمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ یعنی هر که سیر یا پیاز یا گندنا
بخورد پس باید نزدیک مسجد ما نشود زیرا که ملایکه متاذّی میشوند
از هر چه بنی آدم از آن اذیّت می یابند وهمچنین صید حرم مدینه
منوره ونیز بر گرفتن چوب وسنگ وخاک وگیاه آن از
برای تبرّک حرام است هم بمحرم وهم بغیر محرم چنانکه در حرم مکّه
مکرّمه حرامست وهر که چیزی از حرم مدینه منوّره بر گیرد لازم بود
که آن را باز بآنجا رد کند غیر خرما فقط واگر اراده بر گرفتن
تبرّک داشته باشد باید که چیزی از آن خویش آورده و

آن از شباک شریف بمالد بعد از آن برای تبرک برگیرد و سنت
در مدینه منوره مجاورت نمودن یعنی که در آنجا مقیم شدن بشرطی که
مذکور است در مجاورة نمودن بمکه مکرمه ثابت شده در حدیث مسلم
از ابن عمر و ابی هریره رضی الله تعالی عنهما که حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است مَنْ صَبَرَ عَلَى لَأْوَاءِ
الْمَدِينَةِ وَشِدَّتِهَا كُنْتُ لَهُ شَهِيدًا أَوْ شَفِيعًا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ یعنی هر که صبر کند بر مصیبت و سختی مدینه منوره
چون گرسنگی و تشنگی و شدت گرمی هوا و بیماری و مانند اینها
روز قیامت از برای او شفیع و حاضر خواهم شد و هم حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ
إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي هَذَا
وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى یعنی که بار خود را مبندید و مروید بعزم
زیارت مساجد الا به سه مسجد که مسجد الحرام و این مسجد من و
مجد

و مسجد الاقصی و قبله جمیع پیغمبران مسجد الاقصی بوده است
و آن خاکی که حضرت اشرف المرسلین در آن خفته اند از کعبه و
بهشت فاضلتر است بلکه از عرش هم فاضلتر بود اما
کعبه از بهشت فاضلتر باشد چنانکه احادیث صحیحه بدان وارد
گشته فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي وَنَفْسِي يَا حَبِيبَ رَبِّ
الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَوَاتِ وَأَكْمَلُ
التَّحِيَّاتِ و سنت است که در راه مدینه منوره از صلوات
و سلام بر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم بسیار گوید
و چون درختها و سنگهای مدینه منوره را ببیند در صلوات
و سلام بیفزاید **در بیان آداب و ارکان زیارت**
مرقد مطهر حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم و باید پیش از
داخل شدن بمدینه منوره غسل کند و جامه پاکیزه بپوشد
و چون خواهد که مرقد حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و

وسلم را زیارت کند از باب السلام باید داخل شدن بتواضع
وتعظیم تمام وچون پای بر آستانه بنهد بگوید بسم الله وعلی
ملة رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم رب ادخلنی
مدخل صدق واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من
لدنک سلطانا نصیرا پس قصد مسجد کند از دست چپ خود
وبآن در آمده نیت اعتکاف بیاورد ونماز تحیة المسجد بگذارد
وآن بپهلوی منبر حضرت رسول الله صلی تعالی علیه وسلم فاضلتر
بود واز دعا چندانکه تواند بسیار کند چنانکه حضرت رسول الله
صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است ما بین قبری ومنبری
روضة من ریاض الجنة ومنبری علی
حوضی یعنی که ما بین مرقد ومنبر من روضه ایست از ریاض
بهشت ومنبر من بر حوض کوثر باشد ونزدیک منبر دعا کند و
سنت است که دست خود را بر آن کنار منبر بنهد که حضرت

رسول صلی الله

رسول صلی الله تعالی علیه وسلم در وقت خطبه دست
مبارک خود را بر آن نهاده است وبعد از آن بسوی مرقد مطهر
آمده تا بشباک شریف برود وچون نزدیک شود نظر کند
که ما بین شباک شریف ودیوار مسجد خالیست همه را بسنگهای
مرمر فرش کرده اند وسنت است از برای شافعی مذهب که
مقدار چهار گز شرعی بشباک شریف نزدیک شود واز ین
پیشتر نزد ودور روا نباشد که مرقد آنحضرت را صلی الله تعالی
علیه وسلم طوف نماید یعنی که بگرد مرقدش بگردد وچسپانیدن
شکم بشباک وبوسیدن ومالیدن دست بر آن
کراهتست بلکه از روی ادب از آن دور باید ایستاد ونگاه
کند پس درین وقت روی در شباک شریف وپشت در قبله
کند وآواز بلند نکند وتمامترین صلوات وسلام مر آنحضرت
صلی الله تعالی علیه وسلم آنست که بگوید الصلوة و

السلام عليك يا رسول الله • الصلوة والسلام
عليك يا نبي الله • الصلوة والسلام عليك يا امين الله •
الصلوة والسلام عليك يا حبيب الله • الصلوة والسلام
عليك يا خليل الله • الصلوة والسلام عليك يا
نجي الله • الصلوة والسلام يا صفي الله • الصلوة و
السلام عليك يا خير خلق الله • الصلوة والسلام
عليك يا من اختاره الله • الصلوة والسلام
عليك يا من زينه الله • الصلوة والسلام عليك
يا من شرفه الله • الصلوة والسلام عليك يا من
عظمه الله • الصلوة والسلام عليك يا من كرمه
الله • الصلوة والسلام عليك يا نبي الرحمة
الصلوة والسلام عليك يا شفيع الامة •
الصلوة والسلام عليك يا رفيع الهمة •

الصلوة

الصلوة والسلام عليك يا نبي التوبة •
الصلوة والسلام عليك يا صاحب المقام
المحمود • الصلوة والسلام عليك يا ساقي
الحوض المورود • الصلوة والسلام عليك
يا اكثر الناس تبعا يوم القيمة • الصلوة والسلام
عليك يا سيد المرسلين • الصلوة والسلام
عليك يا امام المتقين • الصلوة والسلام
عليك يا خاتم النبيين • الصلوة والسلام
عليك يا شفيع المذنبين • الصلوة والسلام
عليك يا رسول رب العالمين • الصلوة
والسلام عليك يا سيد الاولين • الصلوة
والسلام عليك يا سيد الاخرين • الصلوة
والسلام عليك يا قائد الغر المحجلين • الصلوة

والسلام عليك يا امام الحرمين • الصلوة والسلام
عليك يا امام الخافقين • الصلوة والسلام
عليك يا رسول الثقلين • الصلوة والسلام
عليك يا سيد من في الكونين • الصلوة والسلام
عليك يا صاحب القبلتين • الصلوة والسلام
ويا شفيع من في الدارين •
عليك يا نور المشرقين وضياء المغربين •
الصلوة والسلام عليك يا جد السبطين
الحسن والحسين • الصلوة والسلام عليك
وعلى اهل بيتك • واصحابك وذريتك •
الطيبين الذين اذهب الله عنهم الرجس و
طهرهم تطهيرا • اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له وانك عبده ورسوله
وامينه وصفيه وخيرته من خلقه واشهد
انك

انك قد بلغت الرسالة واديت الامانة و
نصحت الامة وجاهدت في سبيل الله
بنفسك ومالك وهديت امتك وعبدت
ربك حتى اتاك اليقين يا شفيع المذنبين
ما لي سواك خلاص لاني عبدك عاص لكثرة المعاصي
ارجوا من جنابك شريف الكبير ان تشفع لي
ولاباي ولاخواني عند الملك القدير
فانك قد قلت بفضل خطابك من زار
قبري وجبت له شفاعتي فقد جئناك
بحمل الاوزار فاشفع لنا عند الملك الغفار
وقد جاء اذنب الناس وانجحهم صفاتا وفعالا
الى اكمل الخلق فضلا واحسانا فلا ينبغي لاعلى
الخلق ان يطرد ادنى الجرم ولو كان شقيا

عاص

ولو طردتني فلا ادعك واعض ذيلك الشريف
بانيابي فان رجائي انقطع عن كل مخلوق سواك
فاشفع لي يا رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم بعد ازان
بقدر نيم گز بطرف دست راست خود رفته پس آنجا بايستد وسلام
كند بر ابي بكر صديق رضي الله تعالى عنه زيرا كه سر او نزديك
دوش حضرت رسول الله است صلى الله تعالى عليه وسلم
وبگويد السلام عليك يا امين الامة على التحقيق
خليفة هذا النبي وفي الغار معه رفيق امامنا
وسندنا ابي بكر الصديق السلام عليك
يا خليفة رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم
وعلى الامة ومعينها وعلى حفظ الملة السلام
عليك يا وزير رسول الله صلى الله تعالى
عليه وسلم وامينه على الاسرار السلام
عليك

عليك يا صاحب رسول الله صلى الله تع عليه وسلم
في الغار ورفيقه في الاسفار اشهد انك ما
زلت على سنته وطريقته قائما بالعدل في
ملته كفلت الايتام ووصلت الارحام
فجزاك الله عن الاسلام وعن نبيه ورسوله
صلى الله تعالى عليه وسلم افضل الجزاء ورضي
عنك افضل الرضى بعدد الرمل والحصى
واسئل الله تع ان يتوفانا على محبته ومحبتك
ويحشرنا في زمرته وزمرتك كما انعم علينا بز
يارتك وزيارته ورضي الله تع عنك بعدد
عفوه عن خلقه وعدد ما احاط به علمه
سبحانه وتعالى بعد از آن بقدر يك گز شرعي بطرف
دست راست خود رفته پس آنجا بايستد وسلام كند

بر عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنه زیرا که سر او نزدیک زانوی
ابی بکر است رضی الله تعالی عنهما و بگوید السلام علیک یا
یا حبیب رسول الله صلی الله تع علیه و سلم
کما اخرج الطبرانی وغیره ان رسول الله
صلی الله تع علیه وسلم قال عمر معی و انا مع عمر
والحق بعدی مع عمر حیث کان • السلام علیک یا
امیر المؤمنین • السلام علیک یا مظهر الاسلام
السلام علیک یا مکسر الاصنام • السلام
سراج اهل الجنة • السلام علیک یا وزیر
رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
وامینه علی الاسرار • السلام علیک یا
من نطق بالصواب • ووافق قوله بحکم
الکتاب • السلام علیک ایها الفاروق

الامین

الامین الذی اظهر الله عز وجل به الدین • و
کمل به الاربعین واستجاب فیه دعوة سید
المرسلین جزاک الله عن الاسلام والمسلمین
افضل جزاء • ورضی عنک افضل الرضی بعدد
عفوه عن خلقه وعدد ما احاط به علمه سبحانه
وتعالی بعد از آن باز گردد بآنجای که اول ایستاده بود از
برابر روی آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم وباو توسل
جوید در حق نفس خود وطلب شفاعت باو از خدا تعالی
کند بعد از آن تا کنار شباک شریف رفته از آنجا با یستد
پس پشت در مسجد و روی بقبله کند از برای نفس خود
و از برای هر که خواهد از مسلمانان دعا کند و بعد از آن باز
گردد بسوی مقام ملائکه مقربه و آن در شباک شریف میباشد
از برابر پای مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم

وروی در شباک شریف وپشت دربقیع کند وبقیع گورستان
مدینه است وبگویند السلام علیک یا سیدنا ویا
مولانا وروحنا فداء جبرئیل وزیر رسول الله
صلی الله تعالی علیه وسلم فی الارض والسماء •
السلام علیک یا سیدنا ویا مولانا روحنا
فداء میکائیل وزیر رسول الله صلی الله تعالی
علیه وسلم • السلام علیک یا سیدنا ویا مو
لانا وروحنا فداء اسرافیل علیه السلام السلام
علیک یا سیدنا ویا مولانا وروحنا فداء
عزرائیل علیه السلام بعد ازان اندکی دیگر رفته بایستد
وپشت در شباک شریف ورو دربقیع کرده بگوید
السلام علیکم یا اهل جنة البقیع السلام
علیک یا سیدنا ویا مولانا وروحنا فداء

ابراهیم

ابراهیم بن خیر الوری السلام علیک یا من
انخسف الشمس بموته السلام علیک یا من
تحدث الملائکة والمقربون بموته اشفع لنا
عند ابیک خیر البریة السلام علیک یا
سیدنا ویا مولانا وروحنا فداء یا جامع
القرآن عثمان بن عفان السلام علیک
یا سیدنا ویا مولانا وروحنا فداء عباس
عم رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
وبعد ازان اندکی دیگر رفته نزدیک حضرت فاطمه رضی الله
تعالی عنها بایستد روی در شباک وپشت دربقیع کرده بگوید
السلام علیک یا فاطمة الزهراء السلام علیک
یا بنت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
السلام علیک یا سیدة النساء اهل الجنة

السلام عليك يا صاحبة علي المرتضى • السلام
عليك يا ام الحسن والحسين • اشفعي لأمتنا
واختنا باذن ربنا يا نعم النساء بعد ازان اندکی دیگر
رفته بایستد پشت در قبله و رو در احد کرده بگوید السلام
عليكم يا من قاتلوا وقتلوا في سبيل الله •
وسلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار
السلام عليكم يا شهداء اهل احد • السلام
عليك يا عم رسول الله صلى الله تعالى عليه
وسلم • السلام عليك يا امام حمزة وارم
رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم في غزوة
احد • السلام عليك يا سيد الشهداء
السلام عليك يا من استشهد في غزوة احد
بحضرة رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم

بعد ازان

بعد ازان باز گردد بسوی انموضع که قرآن مجید را در آنجا جمع کرده اند
و دعا کند از برای نفس خود و از برای هر که خواهد از مسلمانان
پس باز گشته و بایستد از برابر سر مبارک آن حضرت
صلی الله تعالی علیه وسلم میان مرقد مطهر و ستونی که امروز
موجود است پشت در حصار و رو بقبله کرده بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم و بسیار صلوات
بدهد بر اشرف المرسلین صلی الله تعالی علیه وسلم
وبعد ازان بگوید اللهم انك قلت ولو انهم
اذ ظلموا انفسهم جاءوك فاستغفروا الله
واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما اللهم انا قد سمعنا قولك واطعنا
امرك وقصدنا نبيك مستشفعين به

إِلَيْكَ فِي ذُنُوبِنَا وَمَا أَثْقَلَ ظُهُورَنَا مِنْ أَوْزَارِنَا
تَائِبِينَ مِنْ زَلَلِنَا مُعْتَرِفِينَ بِخَطَايَانَا • وَ
تَقْصِيرِنَا فَتُبْ اللَّهُمَّ عَلَيْنَا وَشَفِّعْ نَبِيَّكَ
هَذَا فِينَا وَارْفَعْنَا بِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ وَحَقِّهِ
عَلَيْكَ • اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ
اغْفِرْ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ اللَّهُمَّ
لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرَمِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وباز دعا کند نزدیک منبر همچنانکه در اول
کرده است و زیارت کردن مرقد آنحضرت صلی الله تعالی علیه
وسلم سنت مطلق است ولیکن بعد از انجا آوردن آداب و ارکان
حج و عمره مؤکدتر بود و زیارتگاه در مدینه منوره بسی باشد لا
اقل و سنت است که هر روز بزیارت جنت البقیع بیرون
رود خصوصا روز جمعه و راهش راه باب جبرئیل یا باب النساء بود

وازانجا

وازانجا بگوید السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ
كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاحْشُرْنَا
فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
يَا أَهْلَ دِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى
بِكُمْ لَاحِقُونَ و فاتحه و سوره قل هو الله احد و سوره الهیکم را
بخواند و بگوید اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِأَهْلِ الْبَقِيعِ و دعا کند
بهرچه خواهد از مهمات دنیا و دین از خدای تعالی بخواهد و گور عثمان
بن عفان نیز زیارت کند و آن در گنبدی بود و گور امام عباس
و حسن بن علی در گنبدی باشند و گور ابراهیم بن
رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در گنبدی بود و هم
زیارت کند مکان آنمایده را یعنی خوان نعمت که از آسمان

نازل شد برای حضرت عیسی علیه السلام وآن بربالای گنبد
ابراهیم است وگور ابا سعید خدری در گنبدی بود واو اصحاب حضرت
رسول الله است صلی الله تعالی علیه وسلم وگور نافع در گنبدی بود
نزدیک گنبد امام مالکی واو هم اصحاب حضرت رسول الله است
صلی الله تعالی علیه وسلم وگورهای زنان حضرت رسول صلی الله
تعالی علیه وسلم در گنبدی باشند وگور ام کلثوم ورقیه دختران
حضرت رسول الله در گنبدی باشند وایشان هر دو زوجه
امام عثمان بوده اند وگور حلیمه خاتون دایه حضرت رسول الله در
گنبدی بود وگور علی بن حسین وگور محمد بن علی وگور جعفر
بن محمد وگور محمد بن باقر وگور صفیه عمه حضرت رسول الله صلی الله
تعالی علیه وسلم وگور ستنا فاطمه دختر اسد رضی الله تعالی
عنها مادر علی ابن ابیطالب وگور اسمعیل بن جعفر صادق
وگور عقیل واو اصحاب حضرت رسول الله است صلی الله تعالی

بلاد دیگر

علیه وسلم ودر مسجد فاطمه زهرا نماز بگذارد وجمع ایشان در
جنت البقیع میباشند وگور عبد الله پدر حضرت رسول الله را
زیارت کند ودر راهش راه باب السلام است وهم گور مالک
بن سنن که او اصحاب حضرت رسول الله است صلی الله تعالی
علیه وسلم وآن از بالای گور عبد الله میباشد ومسجد غمامه ومسجد
ابی بکر ومسجد عمر ومسجد علی اینجا همه در شهر مدینه میباشند
وسنت است که روز پنجشنبه باحد رفته آن سنگ را
زیارت کند که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم در روز
احد بر سر وی نشسته است ونزدیک قبور شهدا در احد
بگوید السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَارْضَاکُمْ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکُمْ
یَا مَنْ قَالَ اللهُ تَعَالَی فِی حَقِّهِمْ وَلَا تَحْسَبَنَّ
الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْیَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ بعد ازآن فاتحه وقل هو الله

احد و سورهٔ الهیکم را بخواند و زیارت کند دندان مبارک اشرف

المرسلین را صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم اجمعین و بر

بالای آن ایوانی ساخته‌اند و گور امام حمزه در گنبدی اعلا بود

که زینت بسیار و تجملات بیشمار دارد و هم زیارت کند گور

عبد الله بن جحش و گور مصعب بن عمر و گور شماس بن عثمان را

و از بالای کوه اُحُد گنبدی است که در آنجا شیخ هارون مدفون است

و گویند که او هارون برادر حضرت موسی علیه السلام است

و نماز صبح را باید در مسجد حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم

بگذارد و بعد از آن بزیارت اُحُد بیرون رود و باز دعوت کند

از برای گذاردن نماز ظهر خلاصه در مسجد حضرت رسول صلی الله

تعالی علیه و سلم نمازهای فریضه را بجماعت فوت نباید کردن

و سنت است که در هر روز شنبه بمسجد قُبا آمده در آنجا نماز

بگذارد و روایت کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و

سلم که

سلم که فرموده است مَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ حَتّٰی یَأْتِیَ

مَسْجِدَ قُبَاءٍ وَیُصَلِّیَ فِیهِ كَانَ عِدْلَ عُمْرَةٍ یعنی هر که

از خانه خود بیرون آید تا بمسجد قبا آمده و در آنجا نماز بگذارد برابر

یک عمره بود و آن اول مسجدیست که حضرت رسول صلی الله تعالی

علیه و سلم در اسلام بنا کرده است و بچاه اریس بیاید که حضرت

رسول صلی الله تعالی علیه و سلم آب دهان مبارک خود را

در آن انداخته است و آن چاه نزدیک مسجد قبا است و از آن

آب وضو کند و بپاشامد و زیارت کند آن چشمه را

که آب شیرین و تلخ بهم آمیخته است و آن یک آبست و در

وقت بیرون آمدن از یکدیگر جدا میشوند بقدرت خدا تعالی

و آن چشمه هم نزدیک مسجد قبا است و بمسجد فتح بیاید

و آن بر سر خندق است و در آنجا نماز بگذارد و دعا کند

و بمسجد قبلتین یعنی صاحب دو قبله بیاید و در آنجا نماز

بگذارد و دعا کند بدانکه اول قبله مسجد الاقصی بوده پس در این مسجد
در اثناء نماز بر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم
وحی نازل گشت که تا روی در کعبه معظمه کند لهذا مسجد مذکور
بقبلتین موسوم گردید و مسجد واره بیاید و در آنجا نماز بگذارد و
دعا کند و همچنین بچاهها آید که حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه و سلم از آنها وضو و غسل کرده و آب خورده است
و آن هفت چاه است و از برای شفا و تبرک از آن آب طلب نماید
بواسطه برکت آنحضرت صلی الله تعالی علیه و سلم و اگر ممکن
شود که جمله زیارتهائیکه در مدینه منوره است دریابد فضیلت عظیم
دارد و آنرا غنیمت شمارد و چون اراده سفر و بازگشتن بسوی
وطن خود یا بجای دیگر داشته باشد سنت است که مسجد را
بدو رکعت نماز وداع نماید و دعا کند از برای هرچه خواهد بعد از آن
بسوی مرقد شریف آنحضرت صلی الله تعالی علیه و سلم بیاید
وصلوات

وصلوات و سلام و دعائیکه در ابتداء زیارت مذکور شد
اعاده نماید و چون فارغ شود از باب الرحمه بیرون رود
**در بیان فضیلت مکه مکرمه و کعبه معظمه** زادها الله شرفا و تعظیما و
تکریما روایت میکند ا عباس از حضرت رسول صلی الله تعالی [عبدالله بن ع]
علیه و سلم که فرموده است صلوة فی المسجد الحرام بمائة
الف صلوة و کذا کل حسنة بمائة الف یعنی یک نماز
که در مسجد الحرام بگذارند برابر صد هزار نماز بود و همچنین هر نیکی
که در آنجا کنند بصد هزار نیکی بود روایت میکند حسن بصری
رضی الله تعالی عنه که یکروز که در مکه بروزه باشند برابر صد هزار
روزه بود و یک درهم که صدقه کنند بصد هزار درهم باشد و
همچنین هر نیکی که در آنجا کنند بصد هزار نیکی باشد روایت
میکند عبد الله بن عباس از حضرت رسول الله صلی الله
تعالی علیه و سلم که فرموده است ینزل علی هذا البیت

فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةً وَعِشْرِينَ رَحْمَةً سِتُّونَ لِلطَّائِفِينَ
وَأَرْبَعُونَ لِلْمُصَلِّينَ وَعِشْرُونَ لِلنَّاظِرِينَ یعنی که نازل
میشود بر انخانهٔ کعبه در هر روز یکصد و بیست رحمت شصت بر
طواف کنندگان و چهل بر نماز کنندگان و بیست بر نظر
کنندگان و هم فرموده است صلی الله تعالی علیه و سلم اِنَّ اللهَ
تَعَالَى وَعَدَ هٰذَا الْبَيْتَ اَنْ يَحُجَّهُ كُلَّ سَنَةٍ سِتُّمِائَةِ
اَلْفٍ فَاِنْ نَقَصُوا اَكْمَلَهُمُ اللهُ تَعَالَى بِالْمَلَائِكَةِ
یعنی که خدا تعالی با نخانهٔ کعبه وعده فرموده است که هر سال
ششصد هزار کس باید انرا زیارت کنند و اگر ازین حساب
کمتر باشد خدا تعالی انرا بملائکه تمام گرداند در خبر صحیح مسلم بخاری
آمده است اَنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَضَى مَنَاسِكَهُ
لَقِيَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا بَرَّ حَجُّكَ يَا آدَمُ لَقَدْ
حَجَجْنَا هٰذَا الْبَيْتَ قَبْلَكَ بِاَلْفَيْ عَامٍ
یعنی که

یعنی که چون آدم علیه السلام مناسک حج را بجای آورد ملائکه باو
رسیدند گفتند ای آدم نیکو پذیرفته باد حج تو که ما هر آینه پیش
از تو بدو هزار سال انخانه را زیارت کرده ایم و حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ
حَاجًّا اَوْ مُعْتَمِرًا فَمَاتَ اَجْرَهُ اللهُ تَعَالَى لَهُ
اَجْرَ الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ یعنی هر که بیرون آید
از خانه به نیت حج یا عمره پس بمیرد خدا تعالی اجر حج کننده
و عمره کننده باو کرامت خواهد فرمود تا روز قیامت و هم
حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است مَنْ
مَاتَ فِي اَحَدِ الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ
وَقِيلَ اُدْخُلِ الْجَنَّةَ یعنی هر که در یکی از حرم مکه یا از حرم
بمیرد او را حساب و کتاب نبود و داخل بهشت خواهد شد
و نیز فرموده است صلی الله تعالی علیه و سلم حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ

لَيْسَ لَهَا جَزَاءٌ اِلَّا الْجَنَّةُ یعنی حجی که نیکو پذیرفته شود نزد خدای
تعالی جزاء آن هیچ نیست الا که بهشت باشد و هم فرموده است
صلی الله تعالی علیه وسلم حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ لَيْسَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا
وَمَا فِيهَا یعنی حجی که نیکو پذیرفته شود نزد خدای تعالی از دنیا و
هرچه در دنیا است و هم فرموده است صلی الله تعالی علیه وسلم
طَوَافُ سَبْعَةِ أَسَابِيعَ يَعْدِلُ عُمْرَةً وَثَلَاثُ
عُمَرٍ تَعْدِلُ حَجَّةً یعنی هفت بار که کعبه را طواف کنند
برابر یک عمره است و سه عمره برابر یک حج بود در خبر صحیح مسلم
و بخاری آمده است که آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم
فرموده است مَنْ طَافَ اُسْبُوعًا حَافِيًا حَاسِرًا
كَانَ لَهُ كَعِتْقِ رَقَبَةٍ یعنی هرکه با سر و پای برهنه هفت بار
کعبه را طواف کند او را چنان بود که بنده آزاد کرده باشد
و هم فرموده است صلی الله تعالی علیه وسلم مَنْ طَافَ

اسبوعا

اُسْبُوعًا فِي الْمَطَرِ غُفِرَ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ یعنی
هرکه در وقت باریدن باران هفت بار کعبه را طواف کند
گناه گذشته او هرچه باشد آمرزیده شود روایتست از عبد الله
بن عباس رضی الله تعالی عنهما که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه
وسلم فرموده است مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ خَمْسِينَ مَرَّةً
خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ اخرجه الترمذی یعنی هرکه
پنجاه بار کعبه را طواف کند از گناه پاک شود همچون روزیکه
از مادرش بولد آمده است و مراد ازین طواف پنجاه
طواف تمام است نه آنکه چند بار طواف کرده پس نا
تمامش بگذارد و روایت شده از صحیح مسلم و بخاری از ابی ذر رضی الله
تعالی عنه که گفت از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
پرسیدم که اول مسجدیکه در زمین بنا نهاده اند کدام است فرمودند
مسجد الحرام و گفتم یا رسول الله دیگر کدام مسجد بوده فرمودند

مسجد الاقصی وکفتم مدت میان آنها چند بوده است فرمود چهل
سال بدانکه خانهٔ کعبه را زادها الله شرفاً وتعظیماً وتکریماً پنج بار
بنا کرده اند بار اول ملائکه بنا کرده اند وبعضی کویند آدم علیه السلام
واختلاف در ما تقدم است بار دویم ابراهیم علیه السلام بنا
کرده است بار سیم اهل قریش در جاهلیت یعنی پیش از
زمان اسلام بنا کرده اند که هرآینه حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم خود نیز حاضر وقت بوده اند چنانکه در حدیث صحیح
ثابت کشته بار چهارم عبد الله بن زبیر رضی الله تعالی عنهما
بنا کرده است بار پنجم حجاج بن یوسف بنا کرده است
وآن این بنا بود که امروز موجود است بدانکه قول حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم وقول جمهور صحابه وعلما
باتفاق بر آنست که مقدار سه کز از حجر اسمعیل علیه السلام
از بیت مکه محسوبست وچون عبد الله بن زبیر خود این سخن را

از حضرت

از حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم شنیده بود
وقتی که او بمکه رفت رکن عراقی ورکن شامی را خراب کرد
مقدار سه کز دیوار بیت را واپس آورده حجر اسمعیل علیه السلام را
نیز داخل بیت نموده باز آنرا تعمیر ساخت بعد از آن که حجاج بن
یوسف بمکه آمد وعبد الله بن زبیر را بکشت آن بنا را برهم زد
وباز بر بنای قدیم تعمیرش نمود وچون رکن عراقی ورکن
شامی بنای جدید بود لهذا آنهارا در طواف استلام
نخواهند کرد **در بیان کناه کردن در مکه مکرمه** ابن مسعود رضی الله
تعالی عنه کوید هیچ شهری نیست که بنده را در آنجا بمجرد اراده کردن
بدی قبل از شروع در عمل مواخذه نمایند مکر در مکه مکرمه که در آنجا
بمجرد اراده نمودن بدی مورد مواخذه وعقوبت خواهد شد
کقوله تعالی وَمَن یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ
عَذَابٍ أَلِیمٍ وکویند همچنانکه حسنات در مکه مضاعفست

سیئات نیز در آنجا مضاعف بود عبد الله بن عباس گوید
که احتکار یعنی نگاه داشتن گندم و غلات و ماکولات برای
روز گرانی تا بهای گرانتر بفروشند در مکه از جمله بدی و بیدینی
باشد که در حرم کعبه کنند یعنی مستوجب عقوبت و عذاب
الیم گردد بنا بر دلالت کردن آیت سابق نعوذ بالله و گویند دروغ
گفتن نیز از آنجمله است و از جهة خوف اینکه احتکار و کذب در
مکه مکرمه از بدی و بیدینی بود بعضی از اهل تقوی در آنجا توقف
اختیار نمینمایند و قضاء حاجت یعنی بول و غائط را
هرگز در حرم شریف نمیکنند بلکه از برای قضاء حاجت از حرم شریف
بدر بیرون میروند تا حق کعبه معظمه بجا آورده باشند **در بیان**
**صفت حرم شریف** بدانکه حوش بیت الله در زمان
حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم و پیش از آن کوچک
بوده و الآن بزرگست و علامت حوش اول اینکه سی و سه ستون

احاطه

احاطه آنجا یکجا کرده است و میان هر ستونی سه گز و نیم است بگز
شاهی و از بالای مجموع ستونها تیری از آهن چنان نصب
کرده اند که یک سر آن مثلا درین ستون است و سر دیگرش در
در ستون دیگر میباشد و از هر یک از آن تیرها هفت قندیل آویخته
باشند و ستونها جمله از مفرق اند مگر دو ستون که آنها از
مرمر سفید باشند یکی نزدیک منبر است و دیگری نزدیک زمزم
بود و مقام ابراهیم علیه السلام داخل حوش اولست و آن
اکنون مقام شافعی باشد از برابر صحن شریف و منبر بر جانب
راست مقام ابراهیم است و زمزم بر جانب چپ و باب
بنی شیبه از پس آن بود و مقام ابراهیم سنگی است که در
وقت ساختن کعبه اسمعیل علیه السلام بر بالای آن رفته است
دار خود از زمین چندان بلند شده که اسمعیل سنگ و گل را
بدست ابراهیم علیه السلام داده پس بر زمین فرود آمده است

وهمچنین تا آخر وآن سنگ از بهشت آمده است ومقام مؤذن
شافعی بر بالای گنبد زمزم وبرابر ملتزم بود ومقام حنفی خارج
ستونها وبرابر میزاب الرحمه باشد درمابین رکن عراقی و
رکن شامی ومقام حنفی هم از بالای مقام حنفی است ومقام
مالکی خارج ستونها است درمابین رکن شامی ورکن یمانی
ومقام حنبلی خارج ستونها است دربرابر کنار حجر الاسود
ومیلش بطرف رکن یمانی بود عرض خانه کعبه از رکن حجر الاسود
تا رکن یمانی ده گز ونیم است بگز شاهی ومغرب دربرابر رکن
یمانی باشد اما بیشتر میل بر رکن شامی دارد وطول خانه کعبه از
رکن یمانی تا رکن عراقی ده گز ونیم است بگز شاهی واز رکن عراقی
تا رکن حجر الاسود دوازده گز ونیم است بگز شاهی نه کمتر بود ونه بیشتر
ومشرق دربرابر حجر الاسود بود اما بیشتر میلش بملتزم باشد
وحجر الاسود دران رکن است که نزدیک باب کعبه بود از

جانب مشرق

جانب مشرق وآنرا رکن الاسود نیز گویند وبلندی حجر الاسود
از زمین یک گز وربع گز باشد بگز شاهی طول ملتزم دو گز و
ربع گزی باشد بگز شاهی وملتزم مابین باب کعبه وحجر الاسود
است عرض شاذروان شریف ربع گز وثمن ربع گزی باشد
بگز شاهی وشاذروان زایده دیواریست درزیر هر چهار طرف
دیوار کعبه طول عجین شریف دو گز است مگر نصف ثمن گزی
که کمتر بود بگز شاهی وعرض عجین شریف یک گز وثمن گزی باشد
بگز شاهی و عجین شریف جائی است که حضرت ابراهیم
علیه السلام کل دیوار کعبه را در آنجا بعمل آورده است مابین
باب کعبه وعجین شریف نیم گز است بگز شاهی ودر عجین شریف
سنگی مهر سرخ کوچک است از طرف کعبه هر که زبان
خود را بران سنگ بمالد زبانش از گفتار بد حفظ خواهد شد
طول حجر اسمعیل علیه السلام هفت گز ونیم است بگز شاهی

عرض دیوار حجر اسمعیل علیه السلام یک گز و نیم است مکرر ثمن گزی
که کمتر بود بگز شاهی و حجر محوطی است میان رکن عراقی و شامی
و بلندی باب کعبه از زمین یک گز و نیم است بگز شاهی عرض
باب کعبه یک گز و نیم است بگز شاهی و باب کعبه از طلاست
بدانکه خانه کعبه دو طبقه میباشد اما چگونگی طبقه سفلی آنکه
اندرونش همه سنگ مرمر سفید است و سه ستون دارد
از چوب و دیوارش و ستونهایش و سقفش تم کلا بجامه ابریشم سرخ
پوشیده شده و همگی آن جامه نیز با ابریشم سفید لا اله الا الله
محمد رسول الله و مجموع قرآن مجید و تمام اسماء الله نوشته شده
و نزدیک رکن عراقی دری باشد و آن در دو نام دارد باب الرحمه
و باب التوبه و متصل است برکن عراقی و راه طبقه علیا آن
ازین در میرود و اما چگونگی طبقه علیا آنکه بقدر قامت مردی
معتدل القامت که در آنجا است تواند ایستاد و سعت

دالحجش

گنجایش ندارد بلکه پشت خود را خم باید کردن تا در آنجا توان
گنجیدن و ستونهایش از چهل بیشتر بود و بام کعبه سنگ مرمر
سفید شفاف براق گسترده شده و گرداگرد بام از همه اطراف
دیوار است و بلندی آن از بام بقدر یک گز شرعی باشد
و در آن دیوار حلقه های بسیار بود که پرده کعبه معظمه را از همه
جانب بدان آویخته اند و در برابر هر حلقه از آنها حلقه نیز
در شاذروان دارد که از طرف زیر دامن پرده را با آن محکم می
کنند و میزاب یعنی ناودان در بام کعبه یکی بود که از طلای
خالص ساخته اند و آن دو پاره است یکپاره اش ساق
ناودان بود و پاره دیگر بدهان ساق آویخته باشد چنانکه
بوزیدن باد یا چیزی دیگر که بدان برسد تحرک میشود و آن
در مابین رکن عراقی و رکن شامی باشد چنانکه دوری آن
از هر یک ازین رکنها یکسان است و آبی که از باران از آن

رکنهام

جاری کرده و در حجر اسمعیل علیه السلام فرو ریزد و در حوش بزرگ
شش ستون است از مغرق که در خوبی و رنگ مانند طلا باشند
و آنها را شجرة النور گویند زیرا که سر ستونها مانند شاخ درخت است
و بر هر ستون سی قندیل آویخته باشند و آن ستونها یکی از طرف
باب العمره است و یکی از برابر باب الزیاره است و یکی از طرف
باب السلام است و اینها از طرف حجر اسمعیل علیه السلام باشند
و یکی از طرف باب الوداع است و یکی از برابر باب الجهاد است
و یکی از طرف باب علی است رضی الله تعالی عنه صفت
منبر باب منبر از زر معدنی مشبک است و همه منبر
از مرمر سفید بود و از بالای آن گنبدیست از مرمر سفید و از
بالای چهار ستونست از مرمر سیاه و از بالای ستونها
گنبدیست از مرمر سفید و از بالای آن قبه ایست از
طلای خالص مانند سر مناره و بلندی آن بقدر سه گز و نیم است

بگز شاهی

بگز شاهی و از بالای آن نوشته شده الله محمد و پایهای منبر
پانزده است و چاه زمزم در میان گنبد است و صفهٔ
کنار چاه از مرمر سفید است و بلندی صفه از زمین یک گز
و نیم گزی باشد بگز شاهی و کنارهای صفه شباک آهن است
بقدر نیم گز بگز شاهی و یک تیر از آهن بر هر دو طرف دیوار گنبد
محکم نموده اند که رسنهای چاه زمزم را از آن آویخته اند انبار آب
سبیل در گنبد زمزم دو بود و رسن چاه زمزم در ایام حج
هشت باشد و دلوش شانزده و بعد از حج رسنش چهار و دلوش
هشت باشد و کوزهای آب سبیل کرده در حوش بزرگ بعد از
حج بسیار بود که حساب آنها را کس نمیداند مگر خدای تعالی و طول
حوش بیت الله الکعبه چهارصد و شش گز است بگز شاهی و عرضش
نود و شش گز بگز شاهی و پیش از حج هم کوزهای آب بسیار باشد
و لیکن بسیار نیست و نزدیک مقام حنبلی حجره ایست متصل

یک گنبد زمزم که جای آقایان کعبه است و آقا در اصطلاح عبد سیاه
پادشاهی را گویند که او را خصی کرده باشند که خادمی کعبه و در
حوش بزرگ دو گنبد دیگر است گنبدی که نزدیک زمزم بود
جای ساعتهای بزرگ و کوچک است و گنبد دیگر جای چراغ
کعبه است و در گنبد چراغ حجره دیگر هم باشد و ایوانهای مسجد
الحرام جمله سیصد و شصت است غیر از ایوانهای حوش باب
الزیاده و حوش باب ابراهیم علیه السلام پایین بعضی که از
طرف باب السلام تا باب عمره سی و شش ایوانست و از طرف
باب عمره تا باب الوداع بیست و چهار ایوانست و از طرف
باب الوداع تا باب علی سی و شش ایوان است و از طرف
باب علی تا باب السلام بیست و چهار ایوان است و نیز
هر ایوانی سه ایوان است در میان یکدیگر ولیکن از جانب باب
تکیه و باب الجهاد چهار ایوان در میان یکدیگر میباشند طول

هر ایوانی

هر ایوانی سه گز و نیم و ربع گز بود بگز شاهی و عرضش همچنین و
ایوانها جمله گنبد باشند و مسجد الحرام عبارتست از این ایوانها
و حوش چهار استونهای مرمر سفید در مسجد الحرام سیصد و
ده است و پایهای ایوانهای مسجد الحرام یکصد و شصت و یکیست و
ستونهای مقام شافعی شش است و ستونهای مقام
حنفی شش است و پایهای مقام حنفی چهار است و ستونهای
مقام مالکی چهار است و ستونهای مقام حنبلی چهار است
و جمیع قندیلها در مسجد الحرام هشتصد و سی و هشت است از آنجمله
قندیلهای گرد کعبه زادها الله شرفاً دویست و بیست و چهار است
و قندیلهای ایوانهای مسجد الحرام سیصد و هشتاد است و
قندیلهای مقام ابراهیم علیه السلام که آن مقام شافعی بود نه است
و قندیلهای مؤذن شافعی که بر بالای گنبد زمزم باشد چهار است
و قندیل مقام حنفی یکی است و قندیل مؤذن حنفی سه است و قندیل

مقام مالکی دو است و قندیل مقام حنبلی دو است و قندیلهای
دیوار زمزم چهار است و قندیلهای باب بنی شیبه شش است و
قندیل گنبد عجوزه که جای ساعتهای بزرگ و کوچک است
دو است و قندیلهای آن شش ستون مذکور که در حوش بزرگ
کعبه میباشد یکصد و هشتاد است و سه شمع که بلور بر سر آنها
نگون کرده اند در میان باب کعبه میباشد و بند در شمعدان
نقره یکی است و آن سه شاخ دارد و هر یک بدازی انگشتی و بندرا
بفارسی گشته گویند و آن بخوریست که از دواهای بسیار
خوشبوی میسازند و چون بسوزانند مانند پاره آتش میدرخشند
و عطرش دماغرا قوت تازه و دل را مسرت بی اندازه
می بخشد و اعظم در میان باب کعبه میباشد و دیگر سه شمع
در مابین باب کعبه و حجر شریف میباشد و فانوس معرق
که در خوبی و رنگ مانند طلا بود و گویند که از طلای خالص بود

پانزده

پانزده است و در هر فانوسی چهار تخته بلور نصب کرده اند
و از آنها دو نزدیک باب کعبه بود و از پایین و دو در حجر
اسمعیل علیه السلام بود و دو در مقام شافعی بود و دو در مقام حنفی
و دو در مقام مالکی و دو در مقام حنبلی بود و یکی نزدیک حجر الاسود
و یکی نزدیک رکن یمانی و یکی در مابین رکن عراقی و منبر بود
لیکن دوام روشنائی این فانوسها اندک باشد و جای نردبان
کعبه از مابین زمزم و باب بنی شیبه بود و پایه هایش پانزده است

## در بیان صفت ترتیب نماز جماعت در مسجد الحرام زادها

الله شرفا بدینموجب است که نماز ظهر اول امام حنفی نماز میکند و بعد از
آن امام شافعی و بعد از آن امام مالکی و نماز عصر همچنین و نماز مغرب
اول امام حنفی نماز میکند و بعد از آن امام شافعی و نماز عشا
اول امام حنفی نماز میکند و بعد از آن امام شافعی و بعد از آن
امام مالکی و نماز صبح اول امام شافعی نماز میکند و بعد از آن

امام مالکی و بعد از آن امام حنبلی و بعد از آن امام حنفی امّا
**نماز جمعه** بدانکه در هر ماه چهار جمعه میباشد جمعه اوّل ماه امام
حنفی نماز میکند و جمعه دوم امام شافعی و جمعه سیم امام مالکی و جمعه
چهارم امام حنبلی لیکن وکیل هر چهار مذهب امام شافعی
بود و بزرگترین مؤذنان مؤذن شافعی بود و در مسجد الحرام
چهار مفتی و چهار قاضی باشند بحسب چهار مذهب **در بیان**
**بابهای مسجد الحرام بتفصیل** بدانکه جمیع بابهای مسجد الحرام
یکصد و دو است که نه کمتر باشد و نه بیشتر امّا بابها که از آنها
آمد و شد به بیرون میکنند چهل است و دیگر بابهای حجره چهل و
هفت است و بابهای مدرسه هشت است و بابهای
مناره هفت است امّا بابها که از طرف مشرق باشد این است
باب علی رضی الله تعالی عنه سه است باب عباس رضی الله
تعالی عنه سه است باب النبی صلی الله تعالی علیه و سلم دو است
باب حجره

باب حجره و مناره یکی است باب السلام سه است بابهای
حجره چهارده است امّا بابهائیکه از طرف شمال باشد این است
باب دریبه یکیست باب مدرسه سلیمانیه یکی است باب
مدرسه قاضی و مناره یکی است باب الزیاده سه است و در آنجا
حوشی است باب القطب یکی است باب بسطیه یکی است
باب زمامیه یکیست باب العتیق یکیست بابهای مناره
سه است بابهای حجره سه است امّا بابهائیکه از طرف مغرب باشد
اینست باب عمره یکی است باب مدرسه داودیه یکی است
باب مدرسه اسحق یکیست باب مدرسه یمانی یکی است باب
مدرسه سید عقیل یکیست باب مدرسه هندی یکی است
باب ابراهیم علیه السلام یکی است در آنجا حوشی است
باب مدرسه عبد الرحمن قنق یکیست باب الوداع از مسجد
دو است و از حوش یکیست باب حجره و مناره یکی است

بابهای حجره بهشت است واما بابهائیکه از طرف جنوب باشد
این است باب الشریف دو است باب بکیه دو است باب مجاهدین
دو است باب الجهاد دو است باب الصفا پنجست باب بغله دو است
باب نحوش دو است باب بنارة یکی است بابهای حجره
پست و یکست و سنت است که در حرم شریف در دعا کردن
اجتهاد کنند از روی اقتدا بآنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم
که هر آینه دعا مستجاب خواهد شد در آنجا در پانزده جای که درینجاها
شک نباشد در طواف و نزدیک ملتزم و نزدیک حجر الاسود
و در رکن یمانی و در حجر اسمعیل علیه السلام و در زیر میزاب الرحمة
و در صحن شریف و نزدیک باب کعبه و در اندرون خانهٔ
کعبه و در زیر هر سه ستون اندرون کعبه و نزدیک باب التوبة
و در مقام ابراهیم علیه السلام و نزدیک زمزم و سنت است
که داخل خانهٔ کعبه شوند از روی اقتدا بآنحضرت صلی الله تعالی

بلادم

علیه وسلم زیرا که آنحضرت داخل خانهٔ کعبه شده اند چنانکه اگر بآن
داخل شوند باید که چشم بجانب سقفش برندارند و بزمینش نگاه
نکنند از روی ادب و تعظیم جهة خدا تعالی و شرم وی
و هم سنت است که در دار العلم مکهٔ مکرمه سعی و پنج جایگاه را زیارت
کنند که هر آینه دعا مستجاب خواهد شد در آنجایها از آنجمله
جمرة العقبه است و آن در زمین مکه باشد و مسجد عشر که ده مرد
در آنجا ایمان آوردند بحضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
و آن نزدیک منا باشد و مسجد الجن که جنیان در آنجا بحضرت
حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم آمدند و ایمان
بوی آوردند و هم در آنجا سورهٔ قل اوحی نازل گشت و آن
نزدیک معلا است و مسجد المحصب و آن از بالای معلا باشد
و جنة المعلا و آن دو گورستان است و ما بین آنها دشت گز
بود بگز شاهی و هر یک حوشی دارد از سنگ و گچ در گورستان

اول کور عبد الله بن زبیر میباشد و او اصحاب حضرت رسول صلی الله
علیه وسلم است وکور اسما دختر ابی بکر رضی الله تعالی عنه و
کور شیخ احمد مشهور با بن حجر و کور شیخ طبری نزدیک ابن حجر
وکور شیخ هبت الله وکور شیخ محمد صالح قریشی وکور شیخ ابراهیم
جزری و سایر صحابه و علما و اولیا و شهدا درانجا بیشمار است و در کور
ستان دوم کور آمنه خاتون مادر حضرت رسول الله صلی الله تعالی
علیه وسلم در کنبدی بود و کور خدیجه خاتون زوجه حضرت
رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در کنبدی بود و کور سید محمد ولی
در کنبدی بود و کورهای سلاطین مصر در کنبد باشند و کور
عبد الرحمن بن ابی بکر رضی الله تعالی عنهما و کور محمد بن ابی بکر رضی الله
تعالی عنهما و کور ماریه دختر شمعون قبطیه جاریه حضرت رسول صلی
الله تعالی علیه وسلم که مادر ابراهیم بوده و کور مادر عبد الرحمن
زوجه ابی بکر رضی الله تعالی عنه و سایر صحابه و علما و اولیا و شهدا

درانجا

درانجا بسیار است و کور ابو طالب زیارتش روا نیست و
مسجد اجابه و مسجد رایه و مدعا و آن در بازار باشد از راه عرفات
علامتش دو میل اند از برابر یکدیگر نزدیک تکیه غوث الثقلین
و نجد الحسنین سلطان عبد القادر کیلانی قدس الله تعالی سره
العزیز و مدعا مکان دعا کردن حضرت رسول الله است صلی الله تعالی
علیه وسلم و صفا و مروه و سعی و مسجد دار الخیزران که عمر بن الخطاب
رضی الله تعالی درانجا مسلمان شد چون حضرت عمر رضی الله
تعالی عنه بجهة بیعت از ناکاه باین مسجد در آمد حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم پشت مبارک خود را بدیوار مسجد
که از کوه صفا بود نهاد آن دیوار بمقدار پشت مبارکش و اپس رفت
اکنون هر که درد پشت داشته باشد چون پشت خود را در
آن موضع مبارک کذارد البته دردش بکلی رفع شود و آن مسجد نزدیک
صفا باشد و خانه امام عباس که از برابر باب عباس باشد

وخانهٔ مذکور الآن مدرسه است وآن سنگ که سلام کرد بر
اشرف المرسلین صلی الله تعالی وسلم علیه وعلی آله واصحابه اجمعین
وراهش راه باب النبی است وسنگ مزبور را در دیوار
نصب کرده اند ودکان ابی بکر رضی الله تعالی عنه نزدیک آن سنگ
بود ودکان مزبور الآن مسجد است ومکان توجه طریقت علیهٔ
نقشبندیهٔ خالدیه میباشد قدس الله تعالی ارواح اماليها و
اسرار موالیها وخانه خدیجه خاتون نزدیک دکان بود صفت
خانهٔ خدیجه خاتون بابش از طرف جنوب است وحوشی کوچک
دارد ودرمیان حوشش سه باب است یکی از طرف شرق ویکی
درمیان شرق وشمال ویکی از طرف مغرب واین باب خانهٔ شخصی باشد
وآن باب که از طرف شرق است خانه است ودر آنجا
سه باب است باب اول از طرف چپ آنحجره حضرت رسول
الله است صلی الله تعالی علیه وسلم وآن حجره گنبدی کوچک است

ودر آنجا محراب

ودر آنجا محرابی باشد ودر آنجا نماز بگذارد ودعا کند وباب دویم
خانه خدیجه خاتون است وآن گنبدی بود ودر آنجا دو محراب
باشد ودر آنجا نماز بگذارد ودعا کند وباب سیم خانه حضرت
فاطمه ومولد اوست نماز در آنجا بکند وآن باب که از طرف مغرب
بود باب مسجد النبی است صلی الله تعالی علیه وسلم واین مسجد ومسجد
دار الخیزران هر دو مکان نماز ومصلی آنحضرت بوده با صحابه های خود
ومسجد دار الخیزران را دار الارقم نیز گویند ومکان مصلحت ابو جهل
با کفار دار الندوه بوده وآن اکنون مقام حنفی است وخانهٔ
عبد الله پدر حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم راهش راه
باب علی است رضی الله تعالی عنه ودر آنخانه گنبدیست ودر وی
چهار جای باشد جای مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی علیه السلام
وجای حوا ام البشر وجای آسیه دختر مزاحم زن فرعون
وجای ساره خاتون زن ابراهیم خلیل الله واین زنان همه نزد

آمنه خاتون آمده اند در وقت ولادت آنحضرت صلی الله تعالی
علیه وسلم واین چهار جای که مذکور شد اکنون بپرده سبز پوشیده اند
ودر وسط آنخانه سنگی مرمر سفید باشد که در حین ولادت
سر مبارک آنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم بآن سنگ آمده
وبمقدار سر مبارکش گود شده است وبر بالای آن سنگ شباکی
مانند سر مناره ساخته اند وآنرا هم بپرده حریر سبز پوشانیده با آب
طلا مزین کرده اند وخانه مولد علی رضی الله تعالی عنه از بالای مولد
حضرت رسول الله است صلی الله تعالی علیه وسلم ودر کوه ابی قبیس
نزدیک جای حجر الاسود نماز بگذارد ودعا کند بدانکه چون خدا تعالی
حجر الاسود را از بهشت بر زمین فرو فرستاد اول آنرا بر بالای کوه
ابا قبیس نهادند وبر بالای کوه کله بچه گوسفند بخورد ازروی اقتدا
بآنحضرت صلی الله تعالی علیه وسلم زیرا که هر که کله گوسفند بر بالای
کوه ابا قبیس بخورد دیگر آنکس هرگز سرش درد نمیکند وکوه شهدا

نزدیک کوه

نزدیک کوه ابی قبیس است وخانه امام عثمان بن عفان رضی الله
تعالی عنه الآن مدرسه است نزدیک باب ابراهیم واز بالای
آن خانه ابی قحافه است مولد امام ابی بکر رضی الله تعالی عنه واز
بالای آن مولد امام حمزه است رضی الله تعالی عنه وگورستان
شبیکه راهش راه باب ابراهیم است ومیان بازار میرود
از طرف مغرب بقدر ربع ساعتی اقلا ودر آنجا از صحابه وعلما
واولیا، وشهدا بیشمارند واز بالای آن از طرف چپ
کوهی است که نامش جبل عمر بود وخانه عمر بن الخطاب بر سر آن
کوه است وآنخانه اکنون خراب است واما آن غار که در کوه
ثور باشد وآن در قرآن مجید مذکور است قوله تعالی ثانی
اثنین اذ هما فی الغار مسافتش از مکه دو ساعت است
وربع ساعتی است وراهش راه باب الشریف بود از جانب
راست قلّه عتیق وآنراه همه کوهسار وسنگلاخ است مگر

اندکی در ما بین دو کوه که آن کوهسار بنیست وآن غار دو
باب دارد از باب اول داخل شود وآن باب بسیار کوچک است
در آنجا نماز بگذارد و دعا کند واز باب جبرئیل برون رود وآن
باب بسیار بزرگ است باب اول از طرف مغرب است وباب
جبرئیل از طرف مشرق واز بالای آنغار هم غار دیگر است که
عبد الله بن عباس رضی الله تعالی عنهما کتاب جلالین را در
آنجا تصنیف کرده است واز بالای کوه ثور جائی است که حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم بعد از بیرون آمدن از غار با
جبرئیل وابی بکر رضی الله تعالی عنه آنجا نشسته اند واما کوه ثور
مسافتش از مکه یکساعت وربع ساعتی باشد راهش راه
مسجد المحصب است از بالای جنة المعلا وجائی که شکم مبارک
آنحضرت را صلی الله تعالی علیه وسلم در آنجا شکافتند از
بالای کوه ثور است از طرف راست آنجا مسجدی کوچک است

واز طرف

واز طرف چپ نیز مسجدی کوچک میباشد که هیچ سقف
ندارد ودرین مسجدها نماز بگذارد و دعا کند بعد از آن بقدر ربع
ساعتی بطرف قبله رفته غار حرا را زیارت کند وآن غاریست
که در آنجا سورهٔ اقرء نازل گشت وحضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم هم پیش از بعث در آنجا عبادت حق سبحانه وتعالی را
میکردند در آن غار نماز بگذارد و دعا کند وجای اندرخت
که در زیر آن شش تن از عشره مبشره بیعت کردند بحضرت
رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم جای آندرخت الان گنبدی
سفید است وآن در قهوه خانهٔ شمیث میباشد وراهش راه
جده است از مکه مکرمه تا شمیث شش ساعت ونیم است
دور دار العلم مکه مکرمه قبور اولیا را زیارت کند شاه سید عبد الرحمن
خندقی نزدیک گورستان شبیکه وشیخ مارون نزدیک
خانه شریف مکه وسید علی بدری نزدیک تکیهٔ شیخ عبد القادر

کیلانی قدس الله تعالی سره العزیز و شیخ محمود در راه عمره نزدیک
اول خانه های مکه مکرمه زادها الله شرفاً **در بیان حدود حرم مکه مکرمه**
بدانکه حد حرم مکه مکرمه از چهار اطراف بدین موجبست که از
طرف مشرق تا آن دو میل عرفات مسافتش شش ساعتست
و از طرف مغرب تا قریه حدّا است مسافتش هشت ساعت و نیم است
و از طرف جنوب تا کوهی است که از پس جبل ثور میباشد مسافتش
چهار ساعت است و از طرف شمال تا آن دو میل است که نزدیک
مسجد میقات عمره میباشد مسافتش یکساعتست **در بیان بستن**
**احرام** بدانکه وقت بستن احرام حج در مذهب شافعی بیست و
ششم ماه ذالقعدة الحرام است و نام میقات شافعی بیر علی
است و دوری آن از مدینه منوره سه ساعت است و وقت بستن
احرام حج در مذهب حنفی دوم ماه ذالحجة الحرام است و نام
میقات حنفی قریه رابغ است و دوری آن از مدینه منوره
هشت منزل

هشت منزلست بمنزلهای حجاج و میقات اهل مکه نفس مکه است
**در بیان ارکان حج و عمره** بدانکه ارکان حج شش است و
ارکان عمره پنجست اول بستن احرام است و آن از برای
حج و عمره رکن است و حاجی را در ده جای غسل کردن سنت است
از برای احرام و از برای درآمدن در مکه و از برای ایستادن بمزدلفه
بعد از صبح روز عید و از برای طواف افاضه و از برای سر تراشیدن
و سه غسل در سه روز ایام التشریق و از برای سنگ انداختن
بجمرات و از برای طواف وداع با آب زمزم و در سنت غسل مرد
و زن در آن یکسانست و زن که در حیض و یا در نفاس بود یعنی
زائیده باشد و خون از وی آید و هر که آب نیابد تیمم کند
لیکن زن که در حیض و یا در نفاس بود غسل کردن بآب زمزم
روا نباشد و جامه احرام بعد از غسل از میقات بپوشد و جامه
احرام از همه انواع درست بود مگر از جامه ابریشم که درست نباشد.

وافضلترین جامه احرام سفید است اگرچه دوخته باشد واما زن روش
در حق وی همچون سر و مرد باشد در پوشیدن زیرا باید که سر مرد
برهنه باشد پس زن باید که سر و سایر بدن خود را سوای روی
بجامه دوخته بپوشاند وسنت است که در وقت بستن احرام موی
زهار ستره شده و موی بغل برکند و موی سبلت و ناخن بگیرد و سر
بسدر و خطمی بشوید و تن خود را خوشبوی گرداند و ازار و ردا و
نعلین بپوشد وسنت است که ازار و ردا هردو سفید و نو
باشند و رنگین کراهت است وسنت است که پیش از
احرام دو رکعت نماز بگذارد در آن مسجد که از بیر علی دیوارش اندکی
مانده است در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قل یا ایها الکا
فرون بخواند و در رکعت دویم بعد از فاتحه قل هو الله احد
وبعد از نماز نیت احرام کند وبگوید اللهم انی ارید
الحج فیسره لی وتقبله منی نویت الحج و

انی نویت الاحرام بالعمرة بها متمتعا الی الحج اللهم
یسرهما لی فان حبستنی حابس فمحلی حیث
حبستنی لبیک عمرة متمتعا بها الی الحج اللهم
انی ارید الحج فیسره لی وتقبله منی نویت الحج
واحرمت به لله تعالی وچون احرام بست بگوید لبیک
اللهم لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد
والنعمة لک والملک لا شریک لک وسنت است
هر بار که لبیک میگوید سه بار تکرار کند وچون از لبیک فارغ
شود بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد از ابی بکر رضی الله
تعالی عنه منقولست که گفت از حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم پرسیدم که کدام حج فاضلتر است فرمودند
العج والثج که عج برداشتن آواز باشد به لبیک وثج
ریختن خون شتر وگوسفند باشد بکشتن از برای قربان کردن

وسنت است که در دوام احرام لبیک را بسیار بگوید از ایستاده
ونشسته وسواره وپیاده وبر پهلو خفته ودر وقت سر ابالا
وسر از یر وسوار شدن وفرود آمدن وگرد آمدن رفیقان و
فارغ شدن از نماز واول روز وآخر روز ودر مکه مکرمه ودر مسجد الحرام
ودر مسجد خیف ودر مسجد الکوثر از منا ودر مسجد ابراهیم علیه السلام
از عرفات ومرد را مستحب است که آواز خود را به لبیک بردارد
بحیثیتی که ضرر بنفس وی نرسد ودر صلوات بر حضرت رسول
صلی الله تعالی علیه وسلم بعد از لبیک باید او آواز را چنان
برندارد که در لبیک برمیدارد چنانکه باید ممیز شوند وآما زن
آواز برندارد بلکه کراهت است بدانکه نه چیز بر مُحرِم یعنی آنکه
احرام بسته باشد حرام است وفدیه بدان واجب گردد اول
لبس است یعنی پوشیدن لباس واگر نعلین در پا کند
باید که پاشنه وپنجه اش ظاهر وبرهنه باشد وزن را روا باشد

که روی را بپوشاند

که روی را بپوشاند بجامه که از سر فرود آمده باشد وبرابر روی
ایستاده چنانکه بر روی نه نشیند واگر مُحرِم را عذر بود چون گرما
وسرما روا بود که جامه دوخته بپوشد لیکن فدیه واجب شود
دویم طیب است یعنی بوی خوش بکار داشتن واگر بفراموشی
یا بنادانی بوی خوش استعمال کند فدیه واجب نشود سیم
دهن است یعنی موی سر وریش وبدن را غیر از پنجه دست
ولبها بروغن اندودن چهارم حلق است یعنی موی سر وتن
تراشیدن یا سوختن وبرکندن پنجم قلم است یعنی ناخن
بریدن ششم جماع است هفتم مقدمات جماعست چون
بوسیدن ومعانقه نمودن ومانند آن هشتم صید است
یعنی که شکار کردن در احرام وحرم صید کردن حرام است
غیر از ماهی وصید آبی که آنها حرام نیستند ومراد از صید آبی
حیوانیست که در خشکی نزید الا در آب نباشد واما هرچه در

محرمات احرام

آب وخشکی هر دو سیر بد حرا است وتعرض اجزاو تخم او شدن نیز
روا نبود وهر صید یکه محرم کشته باشد حرام بود هم بمحرم وهم
بغیر محرم نهم عقد نکاح است که نکاح در احرام منعقد نمیکردد
وهمه محرمات احرام فدیه را واجب کند مگر عقد نکاح که فدیه را واجب
نمیکند امّا فدیهٔ جماع امری بسیار بزرکست که بجماع حج وعمره
بفساد آید قضا وفدیهٔ هردو واجب کردد وچون حج بفساد آید
اعمال حج بجای آوردن باز واجب شود واکر امکان نباشد
سالی دیکر بی تأخیر باید آمدن وقضا کردن وفدیهٔ جماع شتری
باشد ویا کاوی ویا هفت کوسفند وامّا فدیهٔ غیر جماع کوسفندی
بود ویا سه روز بروزه باشد در مکّهٔ مکرمه وهفت روز دیکر هم بروزه
باشد چون بوطن خود رسد وسنّت است که کورهای شهیدان را
از قریهٔ بدر زیارت کند وکورهای شهیدان از نزدیک قریهٔ
بدر است بقدر ربع ساعتی اقلاً واز آنجا بکوید السّلام
علیکم

عَلَیْکُمْ یَا مَنْ قَاتَلُوا وَقُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَ
سَلَامٌ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکُمْ وَاَرْضَاکُمْ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکُمْ یَا مَنْ
قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی فِی حَقِّهِمْ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ
قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْیَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ بعد از آن فاتحه وقل هو الله احد وسورهٔ
الهاکم را بخواند ودعا کند از برای نفس خود واز برای هر که
خواهد از مسلمانان که البتّه از آنجا دعا مستجاب شود وچون
خواهد که آب زمزم را بیاشامد روی در قبله کند وبسه نفس بیاشامد
وبکوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا
وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وچون خواهد بشهر مکّه اقد
وخواهد که داخل مکّه شود فاضلتر آنست که مرد پیاده وبروز داخل
شود وزن وخنثی سواره وبشب داخل شوند وچون خواهد که

مسجد الحرام داخل شود از باب السلام باید داخل شد و بگوید
اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک وچون
چشمش بخانه کعبه افتد دستها را برداشته ایستاده بگوید اللهم
زد هذا البیت تشریفا وتعظیما وتکریما ومهابة
وزد من شرفه وکرمه وعظمه ممن حجه او اعتمره
تشریفا وتکریما وتعظیما وبرا اللهم انت السلام
ومنک السلام فحینا ربنا بالسلام ودعا کند بهر چه
خواهد از مهمات دنیا ودین که هر آینه دعا مستجاب خواهد شد
ودر وقت دیدن خانه کعبه چنانکه احادیث صحیحه بدان وارد گشته
وچون از دعا فارغ شود از باب بنی شیبه داخل حرمش اول
گردد زیرا که بصحت رسیده که حضرت رسول صلی الله تعالی
علیه وسلم اول از این باب داخل شده اند از برای طواف
قدوم وافاضه وعمره کردن وچون پای بر آستانه در نهد بگوید
بسم الله

بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله
وعلی ملة رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم
ونماز تحیت المسجد نگذارد بلکه قصد حجر الاسود کند وابتدا طواف
قدوم کند که آن بجای تحیت مسجد الحرام بود واگر زنی جمیله باشد
طواف را تاخیر کند تا بشب طواف کند وطواف سه قسمست اول
طواف قدوم که طواف وارد وطواف لقا وتحیتش نیز گویند
وطواف رکن که طواف افاضه وزیارتش نیز گویند وطواف
وداع که طواف صدورش نیز گویند رکن دویم از برای حج
وعمره طواف است وطواف را انواع واجبات وسنتهاست
اما واجباتش بخست اول طهارت از حدث وخبث بر تن
وجامه وستر عورت چنانکه در نماز واجب است واگر در میانه
طواف حدث واقع شود وضو بسازد وبنا کند واجب دویم ترتیبست
وترتیب آنست که ابتدا طواف نزدیک حجر الاسود کند

بقدر یک گز شرعی از طرف رکن یمانی چنانکه باید بهمه تن برابر
حجر الاسود بود و چنان گرد کعبه برآید که کعبه بدست چپ وی ماند
و فاضلتر آنست که طواف کننده از کعبه نزدیک شود و اگر ابتدا
بغیر حجر الاسود کند محسوب نباشد تا وقتیکه بحجر الاسود رسد
پس ابتداء طواف آنجا بود واجب سیم آنست که طواف از
بیرون کعبه بود چنانکه باید بهمه تن خارج کعبه و حجر اسمعیل علیه السلام
افتد تا اگر بر شاذروان بگذرد چنانکه تن وی بر بالای شاذروان
بود یا دست بر دیوار کعبه نهاده و پای بر زبر شاذروان بود طوافش
درست نباشد و باید که طواف گرد بر گرد حجر کند واجب چهارم باید
که طواف در اندرون مسجد الحرام بود یعنی میان کعبه و ستونهای
مسقف و اگر از بیرون مسجد طواف کند درست نباشد واجب پنجم باید
که هفت بار طواف کند و کمتر از آن روا نبود اما سنتهای طواف
هشت است سنت اول نیت است در طواف و اگر

طواف

طواف در غیر حج و عمره بود بی نیت درست نباشد بخلاف و اگر
طواف در حج و عمره بود اولیتر آنست که نیت کند و اگر
نیت هم نکند طوافش درست است بقول اصح سنت دویم
موالات است میان طواف هفتگانه و جدائی کردن میان طوافها
بی عذر بسیار کراهت است سنت سیم رفتار است در طواف
یعنی بپای خود رفتن اگرچه زن بود مگر که بیمار باشد و یا عذری داشته
باشد که در ینصورت باید او را برداشته بگردانند سنت چهارم
آنست که باید دست راست را بحجر الاسود زند و آنرا بوسه دهد و
پیشانی را بروی نهد و اگر کثرت مردم مانع بوسه دادن بود
بر دست زدن اقتصار کند و اگر دست زدن ممکن نباشد بدست
سوی حجر الاسود اشاره کند بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَر پس
دست خود را بوسه دهد سنت پنجم خواندن دعاء ماثور است در
طواف یعنی دعائیکه از حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم

مروی باشد و خواندن قرآن بانواع قرآت در طواف از دعای غیر
ماثور فاضلتر است واما خواندن دعاء ماثور از قراءت قرآن
فاضلتر باشد سنت ششم رمل است بفتح را و میم و رمل آنست
که در سه طواف اول بشتاب رود و در چهار طواف آخر باهستگی
و سکون سنت هفتم اضطباع است و اضطباع آنست که میان ردا
را در زیر دوش راست در آرد و هر دو سرش را بر دوش چپ
اندازد و دوش راست را برهنه بگذارد و در هر طوافی که رمل سنت است
اضطباع نیز سنت بود ولیکن اضطباع در مجموع هفت طواف و در
سعی نیز سنت است و رمل در چهار طواف آخر و در سعی سنت است
و اضطباع در دو رکعت نماز بعد از طواف سنت نباشد و زن
رمل و اضطباع نکند سنت هشتم دو رکعت نماز است از عقب
طواف و فاضلتر آنست که از پس مقام ابراهیم بگذارد و الا
در حجر اسمعیل علیه السلام بر سر آن سنگ بازده هر سبز که در زیر

میزاب الرحمه

یزاب الرحمه میباشد در رکعت اول بعد از فاتحه سوره قل یا ایها
الکافرون بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه قل هو الله احد
اگر روز بود قرآن بسر خواند و اگر شب بود باواز خواند و چون بکعبه
نزدیک شود بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ
اصْطَفٰی و ابتدا بطواف قدوم کند و طواف قدوم سنت است
که بعد از داخل شدن بمکه و پیش از ایستادن بعرفات طواف
کعبه نماید چنانکه حضرت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم چنین
کرده است و در ابتدا طواف بگوید نَوَیْتُ اَنْ اَطُوْفَ
سَبْعًا کَامِلًا لِلّٰهِ تَعَالٰی یعنی نیت میدارم که طواف میکنم
هفت بار تمام از برای خدای تعالی یا چنین بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ
اَطُوْفُ بِبَیْتِکَ الْحَرَامِ سَبْعَ مَرَّةٍ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَتَقَبَّلْ
مِنِّیْ لِلّٰهِ تَعَالٰی عَزَّ وَجَلَّ و بعد از آن نزدیک حجر الاسود بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اِیْمَانًا بِکَ وَتَصْدِیْقًا

بکتابک ووفاء بعهدک واتباعا لسنة نبیک
محمد صلی الله تعالی علیه وسلم وچون بباب کعبه رسد
بگوید اللهم ان هذه البیت بیتک والحرم حرمک
والامن امنک وهذا المقام العائذ بک من
النار وبسوی مقام ابراهیم علیه السلام بچشم اشارت کند
ونزدیک رکن عراقی بگوید اللهم انی اعوذ بک
من الشک والشرک والنفاق والشقاق و
سوء الاخلاق وسوء المنظر فی الاهل والمال
والولد اللهم بیتک عظیم ووجهک کریم
وانت ارحم الراحمین فاعذنی من النار و
من الشیطان الرجیم وحرم لحمی ودمی علی النار
وآمنی من اهوال یوم القیمة واکفنی مؤنة الدنیا
والاخرة وچون بمیزاب الرحمة وحجر اسمعیل علیه السلام رسد
بگوید.

بگوید اللهم اظلنی فی ظلک یوم لا ظل الا
ظلک واسقنی من کاس نبیک محمد صلی الله
تعالی علیه وسلم شرابا هنیئا مریئا لا اظماء بعده
ابدا یا ذا الجلال والاکرام اللهم انی اسئلک
الراحة عند الموت والعفو عند الحساب
وچون برکن شامی رسد بگوید اللهم اجعله حجا
مبرورا وسعیا مشکورا وذنبا مغفورا وعملا
مقبولا وتجارة لن تبور یا عزیز یا غفور رب
اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت
الاعز الاکرم وچون برکن یمانی رسد دست راست را بروی
زند بگوید بسم الله والله اکبر وبعد از آن دست خود را
بوسه دهد چرا که آن بنای قدیم است واز برای زنان دست زدن
وبوسه دادن آن سنت نیست مگر وقتیکه طواف گاه خالی

طواف

بود ودست زدن وبوسه دادن رکن عراقی ورکن شامی در
طواف سنت نباشد چراکه آنها بنای جدیدند ودر رکن یمانی
بگوید اللهم انی اعوذ بک من الکفر واعوذ بک من
الفقر ومن عذاب القبر ومن فتنة المحیا و
الممات واعوذ بک من خزی الدنیا والاخرة
ودر رکن یمانی وحجر الاسود بگوید اللهم انی اسئلک
العفو والعافیة فی الدین والدنیا والاخرة
اللهم ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة
وقنا عذاب النار وعذاب القبر وچون بحجر
الاسود رسد دست راست را بروی زند پس دست خود را
بوسه دهد وهمچنین هفت بار گرد کعبه برآید وهر بار بآن دعاها که
مذکور شد دعا کند وبار هفتم باید که دست بحجر الاسود زند و
ازان سه بار پیاپی بوسه دهد وپیشانی را سه بار بروی نهد بعد ازان

همچنین

همچنین سه بار بوسه بروی دهد وسه بار پیشانی را بروی نهد روایت
میکند ترمذی که حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
در حق حجر الاسود والله لیبعثنه الله یوم القیمة له
عینان یبصر بهما ولسان ینطق به یشهد علی
من استلمه بحق یعنی که قسم بذات خداوند عالم که هر اینه
خدای تعالی روز قیامت از برای حجر الاسود دو چشم بینا وزبانی
گویا ظاهر گرداند وگواهی میدهد برکسی که بتعظیم واحترام بروی دست
زده باشد وهم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است
نزل حجر الاسود من الجنة فهو اشد بیاضا
من اللبن فسودته خطایا بنی ادم رواه الترمذی
یعنی که حجر الاسود از بهشت فرود آمده واو از شیر بسیار
سفیدتر بوده پس خطاهای بنی آدم در آن اثر کرده همچنین او را
سیاه گردانید وبعد از طواف بملتزم بیاید چنانکه شکم و

سینه را بدیوار کعبه چسپانیده روی راست خود را بر آن
نهد پس دست راست را بطرف باب کعبه و دست چپ را بطرف
حجر الاسود دراز کرده بگوید یا رب البیت العتیق اعتق
رقبتی من النار واعذنی من الشیطان الرجیم
واعذنی من کل سوء وقنعنی بما رزقتنی و
بارک لی فیما آتیتنی بعد از آن درین جایگاه الحمد لله بسیار
بگوید و صلوات بر حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم و بر جمیع
پیغمبران بسیار بدهد و از برای حاجتهای نفس خود بخاصه دعا
کند و از گناهان استغفار نماید و چون ازین فارغ شود دو
رکعت نماز از پس مقام ابراهیم بگذارد چنانکه گذشت
وبعد از نماز دعا بگوید اللهم هذا بلدک الحرام و
مسجدک الحرام وانا عبدک وابن عبدک وقد
جئت الی بیتک بذنوب کثیرة وخطایا جمة
واعمال

واعمال سیئة فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا
انت یا رب العالمین وبسوی مقام ابراهیم علیه السلام
بچشم اشارت کند و بگوید اللهم اغفر لی انک انت
الغفور الرحیم اللهم انک دعوة عبادک
الی بیتک الحرام وقد جئت الیک طالبا
لرحمتک مبتغیا مرضاتک وانت مننت
علی بذلک فاغفر لی وارحمنی بحرمة مقام
خلیلک والامن امنک وهذا مقام
العائذ بک من النار پس بعد از طواف و نماز و دعا
سنت است که دست بحجر الاسود زند و آنرا بوسه دهد و پیشانی را
بروی نهد بعد از آن از باب الصفا بیرون رود از برای
سعی و سعی آمد و شد کردنست در میان صفا و مروه رکن
سیم از برای حج و عمره سعی است و شرط سعی آنست

که ابتدا بصفا کند ونزدیک صفا بگوید إنّ الصّفا والمروة من
شعائر الله فمن حجّ البيت أو اعتمر فلا جناح
عليه أن يطّوّف بهما ومن تطوّع خيراً فإنّ الله
شاكرٌ عليمٌ ونزدیک مروه همچنین بگوید وبقدر مرد بالائی بایوان
صفا برآید وبایوان مروه همچنین بقدر مرد بالائی برآید وصفا
سه ایوانست ومروه یک ایوانست ودر ایوان صفا بسوی
خانه کعبه نگاه کند چنانکه خانه کعبه را ببیند پس روی در کعبه کرده
این دعاء مأثور را سه بار بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله والله اکبر الله ولله الحمد الله ٢ اکبر صح
اکبر على ما هدانا والحمد لله على ما أولانا لا
اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله
يحيي ويميت بيده الخير وهو على كل شيء قدير ٢ الحمد صح
لا اله الا الله وحده أنجز وعده ونصر عبده و
وهزم

وهزم الاحزاب وحده لا اله الا الله ولا نعبد
الا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون
وبعد از هر بار دعا کند وهرچه خواهد از مهمات دنیا ودین از خدا تعالی
بخواهد وعمر رضی الله تعالی عنه از صفا ومروه دعا را دراز
گردانیده است وپسندیده اند واز جمله دعاهای اوانست که
بگوید اللهم انك قلت ادعوني أستجب لكم
وانت لا تخلف الميعاد واني أسألك كما
هديتني الاسلام لا تنزعه مني حتى تتوفاني و
انا مسلم وهم از جمله دعاهای اوست آنچه بیهقی از ابن عمر
رضی الله تعالی عنهما روایت کرده است که اللهم اعصمني
بدينك وطواعيتك وطواعية رسولك و
جنبنا حدودك اللهم اجعلنا نحبك ونحب
ملائكتك وانبيائك ورسلك ونحب

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ يَسِّرْ لَنَا الْيُسْرَى وَجَنِّبْنَا
الْعُسْرَى وَاغْفِرْ لَنَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَاجْعَلْنَا
مِنَ الْأَئِمَّةِ الْمُتَّقِينَ بعد از آن از صفا فرود آید همچنانکه حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم کرده است و در حدیث صحیح مسلم
روایت شده از فعل حضرت رسول صلی الله تعالی علیه وسلم
که چون از صفا فرود آید بعد از آن روبسوی مروه کرده همچنان
برود تا که میان وی و میان آن دو میل برابر یکدیگر سه گز و نیم بماند
بگز شاهی که یکی از آن دو میل متصل بدیوار مسجد الحرام است از دست
چپ و دیگری متصل است بدیوار مدرسه سلطان که الآن خاصکیه
گویند و علامت آنجایگاه آنست که سنگی را بدیوار مسجد الحرام
نزدیک باب منقوش نصب کرده اند و بخط کوفی نوشته شده
و ابتداء هروله آن سنگ است نه میلها و هروله گرگ دو
کردن است در سعی و اگر مرد باشد بشتاب برود تا که

برسد

برسد میان آن دو میان برابر یکدیگر که یکی از آن متصل
بدیوار مسجد الحرام است از برابر باب عباس رضی الله تعالی
عنه و دیگری متصل است بدیوار خانهٔ عباس که انتهای
هروله میان این دو میل است بعد از آن باز بعادت برود
تا بایوان مروه برآید و همچنانکه برایوان صفا از دعا و ذکر کرده
برایوان مروه نیز همچنان کند و واجبات سعی چهار است یکی آنکه
جمع مسافتی که در میان صفا و مروه است طی باید کردن
و اگر از آن چند قدم بماند که طی نکرده باشد سعیش درست نباشد
دوم ترتیب است واجب بود که ابتدا بصفا کند و بمروه تمام
گرداند و اگر ابتدا بمروه کند تا بصفا آید آمدنش محسوب نباشد
و اگر از صفا بمروه باز گردد هنوز اول سعیش بود سیم کمال
سعی هفت بار بود که رفتن از صفا بمروه یکبار محسوب بود
و باز آمدن از مروه بصفا دو بار چهارم سعی بعد از طواف

درست بود خواه طواف قدوم باشد و خواه طواف افاضه در هر دو
یکسان است و سعی پیاده فاضلتر است از سواره و اگر در عددش
شک آید بکمتر قرار گیرد و زن در سعی بشتاب نرود و سنت است
که در سعی این دعا را بخواند رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا
تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا
فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ و بعد از آن بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ
وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ که چون ما بین صفا و مروه همه بازار است
اگر قرآن خواند فاضلتر است و در سعی دعای بسیار کند که البته
در سعی دعا مستجاب خواهد شد و سنت است که با طهارت
و ستر عورت سعی کند و اگر برهنه عورت یا بی وضو یا جنب یا حایضه
یا بر بدن و جامه وی نجاست باشد سعیش هم درست بود و در مذهب

وهو حی لا یموت بیده الخیر

اصح و چون

اصح و چون از سعی فارغ شود اگر احرام بعمره و حج هر دو بسته باشد
و یا بحج تنها بسته باشد و سعیش هم بعد از طواف قدوم بود
سر تراشیدن و یا موی کوتاه کردن روا نباشد تا روز عید بعد از
سنگ انداختن بجمرة العقبه و اگر احرام بعمره تنها بسته باشد
سر تراشیدن و یا موی کوتاه کردن در مروه حلال گردد بدانکه
ما بین صفا و مروه سیصد و چهل و پنج گز و ربع گزی باشد
بگز شاهی و ما بین جای هروله یعنی جایگه در آن گرگ دو می کنند
پنجاه و هفت گز و نیم است بگز شاهی **فصل** بدانکه در حج چهار
خطبه بود خطبه روز هفتم از ذالحجه و خطبه روز عرفه و خطبه روز
عید و خطبه روز بازگشتن از منا بمکه و سنت است از برای امام
که روز هفتم از ذالحجه در مکه بعد از نماز ظهر یک خطبه بخواند و در آن
خطبه مردم را بفرماید که فردا بعرفات باید رفتن و مناسکی که
در پیش است ایشان را خبر کند و اگر روز هفتم روز جمعه بود خطبه جمعه

بگذارد و بعد از آن خطبهٔ دیگر بخواند پس روز هشتم بعد از طواف
وداع از باب السلام با مردمان بدر رود و بعرفات در روز نهم که روز
عرفه است پیش از آنکه آفتاب طلوع از کوه کند روانه شوند و همه
بعرفات برسند و سنت است از برای همه کس چه سواره و چه
پیاده باشد که از وادی النار بگذرند بشتاب چرا که آن مکان
غضب است که خدای تعالی اصحاب الفیل را در آنجا هلاک
کرده است و آن در میان منا و مزدلفه میباشد نزدیک آب
زبیده خاتون **رکن چهارم** از برای حج فقط ایستادن است
بعرفات و همه عرفات جای ایستادن باشد و وقت ایستادن
بعرفات از زوال روز عرفه است تا بطلوع صبح روز عید در
هر وقتی که باشد از آن اوقات ایستادن روا بود و جمع کردن
میان شب و روز نهم ذالحجه سنت است هرچند امام نووی
در مناسک خود گفته است که واجب بود اما واجب نباشد

وواجب

و واجب در ایستادن بعرفات آنست که مُحرِم بجزوی از زمین
عرفات حاضر شود اگرچه در طلب بنده گریخته یا چهارپای گم گشته
و مانند آن میگردد و میگذرد و اگر حاضر شد بعرفات و ندانست که
از عرفاتست یا بیهوش یا خفته حاضر شد یا پیش از وقت
ایستادن حاضر شد و بخفت تا وقت ایستادن بدر رفت
کفایت بود و علامت زمین عرفات با غیر عرفات دو میل
بزرگست و در حدیث شریف وارد گشته اِنَّ مِنْ
اَعْظَمِ الذُّنُوبِ اَنْ یَحْضُرَ عَرَفَاتٍ وَیَظُنُّ اَنَّ اللهَ
لَمْ یَغْفِرْ لَهُ الذُّنُوبَ یعنی از بزرگترین گناهان آنست که چون
کسی حاضر شود بعرفات و او چنان پندارد که خدای تعالی او را
نمی آمرزد و چنانکه در خبر مسلم آمده مَا مِنْ یَوْمٍ اَکْثَرَ مِنْ اَنْ
یُعْتِقَ اللهُ فِیهِ مِنَ النَّارِ مِنْ یَوْمِ عَرَفَةٍ یعنی که هیچ
روزی نیست که در آن روز خدای تعالی بیشتر از روز عرفه

بندگان را از آتش دوزخ آزاد گرداند و بعضی از قدما گفته اند چون
بعرفات بایستند در روز عرفه روز جمعه باشد خدای تعالی تمام اهل
عرفات را بیامرزد که روز عرفه فاضلترین روزهای دنیا است
روایت میکند علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که از برای آنکه در
عرفات می ایستند فاضلتر آنست که طلب سایه نکند بلکه در
آفتاب باشد مگر از برای عذری چون بیماری و مانند آن که سا
داشته باشد و از برای حاجی روزه گرفتن در روز عرفه کراهت
بود بلکه از برای او سنت است روزه خوردن اگرچه قوی باشد
و ضعیف هم نباشد از جهت تتبع با آنحضرت صلی الله تعالی علیه
وسلم و نیز مکروه است بر بالای کوه عرفات رفتن و واجبست
که زبان خود را از دشنام دادن و لعنت کردن و دواب
و جمیع گفتار ناصواب نگهداشتن و سنت است که شب و روز
با طهارت بودن و اگر زن در حیض و یا در نفاس بود باید همه اعمال

حج را بجا

حج را بجا بیاورد سوای طواف و دو رکعت نماز و از خواندن سوره
حشر و ذکر و تهلیل و دعا و لبیک و خواندن قرآن
کوتاهی نکردن تا بوقت غروب آفتاب و نماز چاشت را در
مسجد ابراهیم علیه السلام بگذارد و نماز ظهر و عصر را در مسجد نبی
صلی الله تعالی علیه وسلم و خانه آدم علیه السلام را زیارت کند
و آن نزدیک مسجد نبی صلی الله تعالی علیه وسلم میباشد حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه وسلم فرموده است که فاضلترین دعاها
دعای روز عرفه است و فاضلترین آنچه من و پیغمبران پیش از من
گفته اند این دعاست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَ
فِي بَصَرِي نُورًا اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي
اَمْرِي اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي نَقُولُ وَخَيْرًا

مما تقول • اللهم لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي و
واليك مآبي ولك تراثي • اللهم اني اعوذ بك
من عذاب القبر ووسوسة الصدر وشتات
الامر • اللهم اني اعوذ بك من شر ما تجيء
به الريح • اللهم ربنا آتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار • اللهم
انقلني من ذل معصية الى عز الطاعة واكفني بحلالك
عن حرامك واغنني بفضلك عمن سواك
ونور قلبي وبصري واهدني واعذني من شر
كله واجمع لي الخير كله اللهم اني اسئلك
الهدى والتقى والعفاف والغنى اللهم اني اعوذ
بك من شر ما يلج في الليل وشر ما يلج في النهار
وشر ما تهب به الرياح وبا این دعا بسیار گریه کند

دران روز

ودرین روز از دعا کردن کوتاهی نکند که این روز بزرگترین روزهاست
از ایستاده ونشسته وبر پهلو خفته دعا بسیار کند وچون نماز
عصر بگذارد بر پای ایستاده دستها را برداشته سه بار بگوید الله
اکبر ولله الحمد پس بگوید لا اله الا الله وحده لا
شریک له له الملک وله الحمد اللهم اهدني
بالهدى ونقني بالتقوى واغفر لي في الآخرة
والاولى بعد از آن دستها را فرود آورده وبقدر خواندن
یکفاتحه خاموش گردد پس عود نموده باز دستها را بردارد
وهمچنان دعا بگوید وسنت است که نماز شام را تاخیر کنند
تا بنماز خفتن بمزدلفه جمع بگذارند اگرچه حنفی مذهب باشند
وچون آفتاب غروب کند امام بخطبه بخواند از عرفات باز
گردند ومتوجه مزدلفه شوند ودر اثنای راه لبیک را باواز
بلند بسیار بگویند ودرمیان دو کوه میان عرفات ومزدلفه

بیشتر بگویند و چون بمشعر الحرام رسند و آن کوهی کوچک است
در آخر مزدلفه نزدوی بایستند برابر قبله و دعا کنند از برای
نفس خود و از برای هر که خواهند از مسلمانان زیرا که دعا در
آنجایگاه مستجاب خواهد شد و بسیار بگویند از قوله تعالی
اللهم ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار و چون بمزدلفه رسند
بگویند اللهم ان هذه مزدلفة جمعت فیها
السنة مختلفة نسئلك حوائج مؤتنفة فا
جعلنی ممن دعاك فاستجبت له وتوكل
علیك فكفیته اللهم كما اوقفتنا فیه و
اریتنا ایاه فوفقنا لذكرك كما هدیتنا
واغفرلنا وارحمنا كما وعدتنا وقولك الحق
فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند

المشعر

المشعر الحرام واذكروه كما هديكم وان كنتم من
قبله لمن الضالين ثم افيضوا من حيث افاض
الناس واستغفروا الله ان الله غفور رحيم
و تکرار نمایند از قوله تعالی ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
الآیة و دعا کند از برای نفس خود و از برای هر که خواهند از مسلمانان
زیرا که دعا در آنجایگاه مستجاب خواهد شد و از مزدلفه مکث
کردن واجب بود و یک لحظه که در آنجا مکث نمایند کفایتست
و وقت مکث کردن بمزدلفه بعد از نیمشب بود و چون پیش
از نیمشب بآنجا رسد و مکث نکرده برود و اگر پیش از طلوع صبح
باز نگردد و مکث نکند گوسفندی بروی واجب شود که فدیه
کند و حد مزدلفه از راه عرفاتست تا بوادی محشر و غسل کردن
شب از برای مبیت بمزدلفه سنت نیست بلکه نزدیکی او
بغسل عرفه و سنت است سنگهائی که بجمره اندازند از مزدلفه

بشب بردارند از برای انداختن روز عید و هر یک هفت سنک
بردارد فقط و اگر از برای احتیاط از هفت بیشتر بردارند هم شاید
زیراکه بسا باشد که سنکها بیفتند و سنت است که چون
شب نیمه شود زنان و ضعیفان را از مزدلفه بمنا روانه سازند
و دیکران بمانند تا بنماز صبح و نماز صبح را بمزدلفه چنان بکذارند
که تاریکی آخر شب باقی بود بعد از آن روانه شوند بمنا و چون
بمنا رسند بکویند اَللّٰهُمَّ اِیّاكَ اَرْجُوا وَ اِلَیْكَ
اَدْعُوا وَ اِلَیْكَ اَرْغَبُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنِی صَالِحَ
عَمَلِی وَ اَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ
مِنًا وَ هٰذَا مَا دَلَلْتَنَا عَلَیْهِ مِنَ الْمَنَاسِكِ
اَسْئَلُكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَیْنَا بِجَوَامِعِ الْخَیْرِ وَ بِمَا
مَنَنْتَ بِهِ عَلٰی اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِكَ وَ مُحَمَّدٍ
نَبِیِّكَ عَلَیْهِمَا الصَّلٰوةُ وَ السَّلَامُ وَ بِمَا
مننت

مَنَنْتَ بِهِ عَلٰی اَوْلِیَائِكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِنِّی
عَبْدُكَ وَ فِی قَبْضَتِكَ بِیَدِكَ تَفْعَلُ مَا
اَرَدْتَ جِئْتُ طَالِبًا لِمَرْضَاتِكَ پس در روز عید
بعد از آنکه آفتاب بقدر نیزه بلند شود سنکها را بجمرة العقبه
بیندازند و سنک انداختن و سر تراشیدن و طواف افاضه
کردن بشب هم روا باشد لیکن بدعت حسنه است و کیفیت
انداختن سنکها بجمرة العقبه آنست که در برابر قبله بایستد
و اگر برابر جمره بود هم شاید و دست را بر داشته هفت سنک را
بیندازد و هفت بار بزیر آن میل معلوم بر زمین به کز دور یکز شرعی
پس لبیک را به تکبیر بدل کند و با هر سنکی که بیندازد سه بار
بکوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ بعد از آن یکبار بکوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ
اللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ و چون سنکها را
انداخت لبیک را قطع کند پس سر را بتراشد و یا موی را

بمقراض کوتاه کند و کمتر آنچه روا بود سه تار موییست و برکندن
همچون تراشیدنست رکن پنجم از برای حج رکن
چهارم از برای عمره سر تراشیدن و یا موی کوتاه
کردنست و مرد را سر تراشیدن فاضلتر است از موی کوتاه
کردن و زنان را موی کوتاه کردن فاضلتر است از تراشیدن
و خنثی همچون زن بود چنانکه در خبر آمده و وارد گشته
که بر زنان سر تراشیدن لازم نباشد بلکه برای ایشان موی
کوتاه کردن لازم بود و ایشان را موی تراشیدن کراهت است
بلکه حرام بود در بیان قربان کردن فاضلتر آنست که
قربانی را پیش از سر تراشیدن و طواف افاضه کنند
و بعکس هم روا باشد و قربان کردن سنت است که حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه و سلم فرموده است عَظِّمُوا
ضَحَایَاکُمْ فَاِنَّهَا عَلَی الصِّرَاطِ مَطَایَاکُمْ یعنی بزرگ
دارید قربانها

دارید قربانهای خود را که هر آینه آنها بر پل صراط مرکبهای شما
باشند و هم حضرت رسول صلی الله تعالی علیه و سلم
فرموده اند خَیْرُ الْاُضْحِیَةِ الْکَبْشُ الْاَقْرَنُ وَالْبَیْضَاءُ
اَفْضَلُ یعنی بهترین قربانی قوچ شاخدار است و آنچه سفید
باشد فاضلتر بود و در وقت قربان کردن بگوید وَجَّهْتُ
وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفًا
مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی
وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیكَ
لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِینَ و چون
خواهد که قربانی را بکشد سنت است از برای صاحب قربان
که بنفس خود بکشد یا با آن حاضر شود و نیت قربان کند و سرمه
در چشمش کشد و شکر یا نبات در دهانش نهد و بر زنش
بخواباند و پای خود را بر پهنای رویش نهد و کارد بر حلقش

بالده و بگوید بسم الله اللهم تقبل منی و من امة
محمد صلی الله تعالی علیه و سلم کما تقبلت من
خلیلک ابراهیم علیه السلام بعد از آن در روز عید
متوجه مکه گشته بآنجا بروند و در اثنا راه بسیار بگویند الله
اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله
اکبر الله اکبر و لله الحمد پس طواف افاضه کنند
اینجا که مذکور شد و هم سعی کنند اگر بعد از طواف قدوم
نکرده باشند و الا سعی کردن لازم نیست بعد از آن پیش از
نماز ظهر از مکه بازگشته بمنا آیند از برای مبیت و سنگ انداختن
ایام التشریق که آنجا واجب اند و مبیت بشب در جای منزل
کردنست و ایام التشریق سه روز بعد از عید است پس نماز ظهر را
در مسجد خیف بگذارند و فاضلتر آنست که فرود آیند بمنزل حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه و سلم و آن مابین مسجد الکوثر و مسجد
خیف است

خیف است و سه روز از ایام التشریق یا دو روز بحسب تعجیل
و تاخیر سنگ بیندازند کقوله تعالی و اذکروا الله فی ایام
معدودات فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه
و من تأخر فلا اثم علیه لیکن تاخیر فاضلتر بود از تعجیل
و سنگهای انداختن را از منا بردارند در هر روز بیست و یک
سنگ که از برای هر جمره هفت سنگ باشد و جمله سنگهای
انداختن هفتاد بود اگر بتاخیر باشد و اگر بتعجیل بود جمیع آن چهل و
نه سنگ است و در سنگ انداختن جمرات ترتیب شرط است
که اول باید بدان جمره اندازند که در کنار مسجد خیف است پس
بجمره میانین پس بجمرة العقبه و موالات میان سنگ انداختن
جمرات مستحب است و هم سنت است که مرد در انداختن سنگها
دست را چندان بردارد که بیاض زیر بغل او ظاهر شود و اما برای
زن و خنثی سنت نیست و نیز مستحب است که تا آخر

ایام التشریق با زنان مقاربت نکنند و در منا ده موضع است
که باید آنجا را زیارت کنند و دعا کنند از برای خود و هر که
خواهند از مسلمانان که در آنجا دعا مستجاب شوند ان شاء الله تعالی
و آن جمره اول است و جمره ثانی و مسجد الکوثر است که سوره
انا اعطینا در آنجا نازل شده و آن نزدیک جمره ثانی است
و مسجد خیف است و آن مسجد در پشت بازار واقع شده و در حوش
مسجد الخیف قبه ایست که مکان خیمه حضرت رسول الله است صلی الله
تعالی علیه و سلم و در وسط آن حوش چاهی است که اندکی آب دارد
و او را دو بابست و هم غاریست که سوره والمرسلات در آنجا
نازل شده و آن در نزدیک مسجد الخیف است در پایان جبل و هم
مکان سر مبارک حضرت رسول الله است صلی الله علیه و سلم
در سقف همین غار است که بقدر رستن موی سر مبارک حضرت
رسول صلی الله تعالی علیه و سلم کود و عمیق شده و دیگر موضع ذبح
حضرت اسمعیل

حضرت اسمعیل علیه السلام است و دیگر غاریست که خانه حضرت
هاجره خاتونست که قریب موضع ذبح اسمعیل علیه السلام است و
موضع ذبح کبش حضرت ابراهیم علیه الصلوة و السلام است
و آن موضع الآن قبر هاجره خاتون است در جنب غار و نزدیک
جمرة العقبه پس از آن بسوی مکه مکرمه مراجعت کند بعد از نفر
و نفر باز آمدنست از منا بجمرة العقبه و از آنجا برگشتن بخط مستقیم
بسوی مکه مکرمه و سنت است که نماز ظهر را در مسجد المحصب بگذارد
و آن قریب جنة المعلاست و شروط صحت نفر هشت است
اول نفر شدن یعنی مفارقت کردن است از زمین منا
در روز دویم ایام التشریق بعد از زوال ظهر دویم لازم است که
نفر بعد از رمی جمیع جمرات باشد سیم آنکه باید هر شب در منا
مبیت کرده باشد چهارم نیت است از برای نفر پنجم
مقارنه نیت نفر است با فعل نفر ششم آنکه نفر او باید

پیش از غروب آفتاب باشد **هفتم** آنکه برای بیت دوباره قصد
معاودت منا نکند **هشتم** نیت نفر باید در زمان منا باشد نه
نزدیک جمرة العقبه زیرا که جمرة العقبه داخل ارض مقدسه مکه مکرمه است
و بعد از رمی جمرة العقبه باید جهة نفر بسوی خانهای منا برگشته
برای نفر نیت کند اگر نیت را بسهو یا عمدا ترک نمود یا در جمرة العقبه
نیت نفر آورد فدیه بروی واجب شود **رکن ششم** برای حج
ترتیب است در اکثر ارکان حج چنانکه اول احرام کند بعد از آن
وقوف عرفات و بعد از آن طواف و حلق و قبل از طواف
افاضه هم حلق و قصر درست است و بعد از وهم رواست ولیکن
حلق و قصر بعد از طواف افاضه بدعت است و نیز تقدیم سعی
بر وقوف بعد از طواف قدوم جایز است چنانکه ذکر شد ولیکن
اگر سعی را تاخیر کرد بر وقوف یعنی سعی را از وقوف عرفات
تاخیر و عقب انداخت لازم است در این وقت سعی را بعد از طواف

افاضه نکنند

افاضه نکنند **رکن پنجم** برای عمره ترتیب و موالات است در
جمیع ارکان عمره چنانکه بعد از احرام آمده طواف کند و
بعد از طواف سعی کند و بعد از سعی سر تراشد و یا موی را
کوتاه کند **تعریف** مسجد میقات عمره که در وادی التنعیم است
و آن جای میقات حضرت عایشه است رضی الله تعالی عنها
و دوری آن از مکه مکرمه یکساعت است طول مسجد مذکور دوازده
گز و نیم و ربع گزی بگز شاهی و عرضش چهار گز و نیم و ربع گزی بود
و آن دو باب دارد یکی از طرف مغرب و یکی از طرف مشرق
و آن مسجد مانند ایوانست و از طرف شمال آن حوضی بزرگ است
که آبش از باران میباشد و کیفیت عمره چنانست که باید بمسجد
میقات برود و آن دو میل معلوم را بدست راست بگذارد
و از باب مغرب بمسجد در آید و لباس احرام بپوشد و از محرمات
احرام اجتناب نماید پس دو رکعت نماز در میان مسجد بگذارد

جامه

وبگوید اللّهمّ انّی ارید العمرة فیسّرها لی وتقبّلها منّی
فنویتُ العمرةَ واحرمتُ بها للّه تعالی و چون احرام
بست بگوید لبّیک اللّهمّ لبّیک الخ و از باب مشرق
بیرون رود و بمیان آید و میل روی بمکه کرده برود و در اثنا راه
لبّیک را بسیار بگوید و از باب عمره بمسجد الحرام در آید پس لبّیک را
ترک نموده و دستها را برداشته ایستاده بگوید اللّهمّ زد هذا
البیت تشریفاً و تعظیماً الخ همچنانکه مذکور شد پس از باب بنی
شیبه داخل شده هفت بار طواف کند همچنانکه ذکر کردیم و دو
رکعت نماز از پس مقام ابراهیم علیه السّلام بگذارد پس از باب
صفا بیرون رود از برای سعی و سعی هفت بار بود چنانکه گذشت
و چون از سعی فارغ شود تمام سر یا بعضی از سر را تراشد که
عمره اش تمام شد لیکن عمرهٔ حج در ماه ذی الحجه بود و عمرهٔ جعرانه سنّت است
از روی اقتدا با آنحضرت صلّی الله تعالی علیه وسلّم و دوری آن
از مکه

مکه مکرمه شش ساعت است و سنّت است که خانه کعبه را
زادها الله تشریفاً و تکریماً در همه اوقات بسیار بار طواف کنند
و در حرم شریف ختم قرآن و ختم دلایل الخیرات نمایند و در مسجد الحرام
نماز فریضه را بجماعت نباید فوت کرد و همه زیارتگاهها را که در
مکه مکرمه است زیارت نمایند اگر ممکن شود با رعایت حرمت
که اجری عظیم دارد و روا باشد که آب زمزم و پرده کعبه معظمه را
از مکه مکرمه بجایی دیگر بیرون برند لیکن حرام است برگرفتن چیزی
در حرم مکه از خاک یا سنگ یا چوب یا گیاه آن از برای تبرک
یا غیر تبرک و هر که چیزی برگیرد بروی لازم بود که باز آنرا بمکه رد
سازد و اگر اراده برگرفتن تبرک داشته باشد باید چیزی
از آن خود آورده و بر کعبه معظمه بمالد پس آنرا از برای تبرک بردارد
و چون اراده بیرون آمدن کند از مکه بسوی وطن خود یا بجای دیگر
از برای وداع طواف باید کرد و طواف وداع از مناسک

وداع

حج بلکه عبادتی خود سرست پس هر که اراده بیرون آمدن کند
از مکه تا بمسافهٔ قصر یا کمتر از مسافهٔ قصر هفت بار طواف باید کرد
همچنانکه پیش ازین مذکور شد ولیکن رمل و اضطباع نکند خواه مکی
باشد و خواه غیر مکی و زن که در حیض و یا نفاس بود لازم نیست
که طواف وداع کند خواه از بیرون مکه پاک شده باشد و خواه
در حرم مکه و فدیه نیز بروی لازم نبود و هر که بعد از بیرون آمدن از
مکه اگر مکث کند و طواف نکند بفراموشی یا بنادانی یا از
برای بیمار پرستی یا زیارت دوستی بروی واجب بود که باز
گردد و طواف را اعاده نماید و طواف وداع بعد از فارغ شدن
از همه کارهای خود بود از عقب آن بدون مکث و درنگ بیرون
باید آمدن و هر که از مکه بیرون آید و طواف وداع نکند عاصی گردد
بروی واجب بود که باز گردد و طواف کند و اگر نکند حجش درست
آید ولیکن گوسفندی واجب شود که فدیه کند و هرگاه پیش از مسافه

قصر باز گردد

قصر باز گردد فدیه از وی بیفتد و چون از طواف وداع فارغ
شود دو رکعت نماز از پس مقام ابراهیم علیه السلام بگذارد
و آب زمزم را بیاشامد بعد از آن بملتزم بیاید چنانکه شکم
و سینه را بدیوار کعبه چسپانیده روی راست خود را بر آن
نهد پس دست راست را بطرف باب کعبه و دست چپ را
بطرف حجر الاسود دراز کند چنانکه مذکور شد بعد از آن دعا
کند از برای هر چه خواهد از مهمات دنیا و دین و اولیتر آنست
که بعد از فارغ شدن از دعا یکبار دیگر آب زمزم را بیاشامد
پس بسوی حجر الاسود باز گشته دست را بر وی زند و آن را
بوسه دهد و پیشانی را بر وی نهد همچنانکه گذشت پس هرگاه
خواهد از باب الوداع بیرون آید و بسوی وطن خود یا بجای دیگر
مراجعت نماید چون پای بر آستانه در نهد بگوید اللّهمّ
اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ و بعد از

بیرون آمدن بگوید بسم الله طریقنا الله رفیقنا الرحمن

یلکینا الرحیم لحربسنا بنهایت رسید وبغایت انجامید تألیف

این کتاب مستطاب بی بدل و تحریر این نسخه بمشهد ورود العلم مکه

مکرمه از ۱۲ شهر ربیع الاول ورب غنی تاریخ تألیف او است

چنانکه حقیر این دو بیت را برشته نظم کشیده **شعر** امید از سراج

شناسک خدا • کند راه تاریک ما روشنی • خرد کهف رو

۱۲۶۲

سال تاریخ او • بخواه از حروفات رب غنی • استدعا آنکه

هر سعادتمندی که این رساله را بخواند یا مرقوم گرداند روان مؤلف

وکاتب از از دعای خیر برساند واگر سهو ونسیانی باشد

که آن لازم طبع انسانی است به چند بذیل کرم بپوشد و بقدر

وسع در اصلاح آن بکوشد والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

تم تحریره وتسویده بید الاقل اسمعیل ابن طاها ابن ملا حسن غفر الله لهم وستر

عیوبهم لاجل الاکرم الله کرم قبله بکرم لا تیر از سقطه فی ملتقم حرم حاجی عبد القادر نفعه الله تعالی بلقاه

## در بیان منازل راه دریا

از مکه مکرمه تا شهر جدا هجده ساعت است باین ترتیب قهوه خانه سلطان

یکساعت و نیم است قهوه خانه تکلکه دو ساعت است قهوه خانه سالیم

یکساعت و نیم است قهوه خانه شمیث یکساعت و نیم است قریه حدا

دو ساعت است قهوه خانه بحره دو ساعت است قهوه خانه

عبد دو ساعت است قهوه خانه جراده ساعت است قهوه خانه

ترکی یک ساعت و نیم است شهر جدا ده ساعت است از شهر جدا

تا شهر مصر همه دریا است هر سی ساعت که خشکی باشد از شهر جدا

تا بندر سویس اگر در کشتی تنشینند شش روز است واگر در کشتی

بادی نشینند در علم خدا است اقلش هشت روز است واگر کشتی

دو ماه از سویس تا مصر سی ساعت است باین ترتیب بیر

عجرود دو ساعت است قلعه اجرود دو ساعت است

جبل المنتسع دو ساعت است سطا خانه بلعیم دو ساعت است

و بطاخانه جابی

اسپهان چهار خانه را گویند شیخ [illegible]

بطاخانه لقاخانه چهار ساعت است شیخ [illegible]

دو ساعت است بحره دار الحمره دو ساعت است بطاخانه

دیم چهار ساعت است بطاخانه افصوری چهار ساعت است بطاخانه اظهر

ساعت است شهر مصر سه ساعت است از مصر تا [illegible] یکشنبه اگر در کشتی

بادبانی نشینند شش روز راه است و اگر در کشتی آتشی نشینند [illegible] در علم

استنبول اگر در کشتی [illegible] نشینند [illegible] روز راه است و اگر در [illegible] استنبول تا طرابزان اگر در

مدت آتش چهار روز راه است و اگر در کشتی چهار ماه [illegible] قاشره ده روز

کشتی آتشی نشینند سه روز راه است و اگر در کشتی [illegible] در علم مدت [illegible]

و اگر در [illegible] ماه در طرابزان تا ارزروم شصت و شش ساعت است از ارض

روم تا دربند اصفهای خوی [illegible] است و از خوی تا ارومی

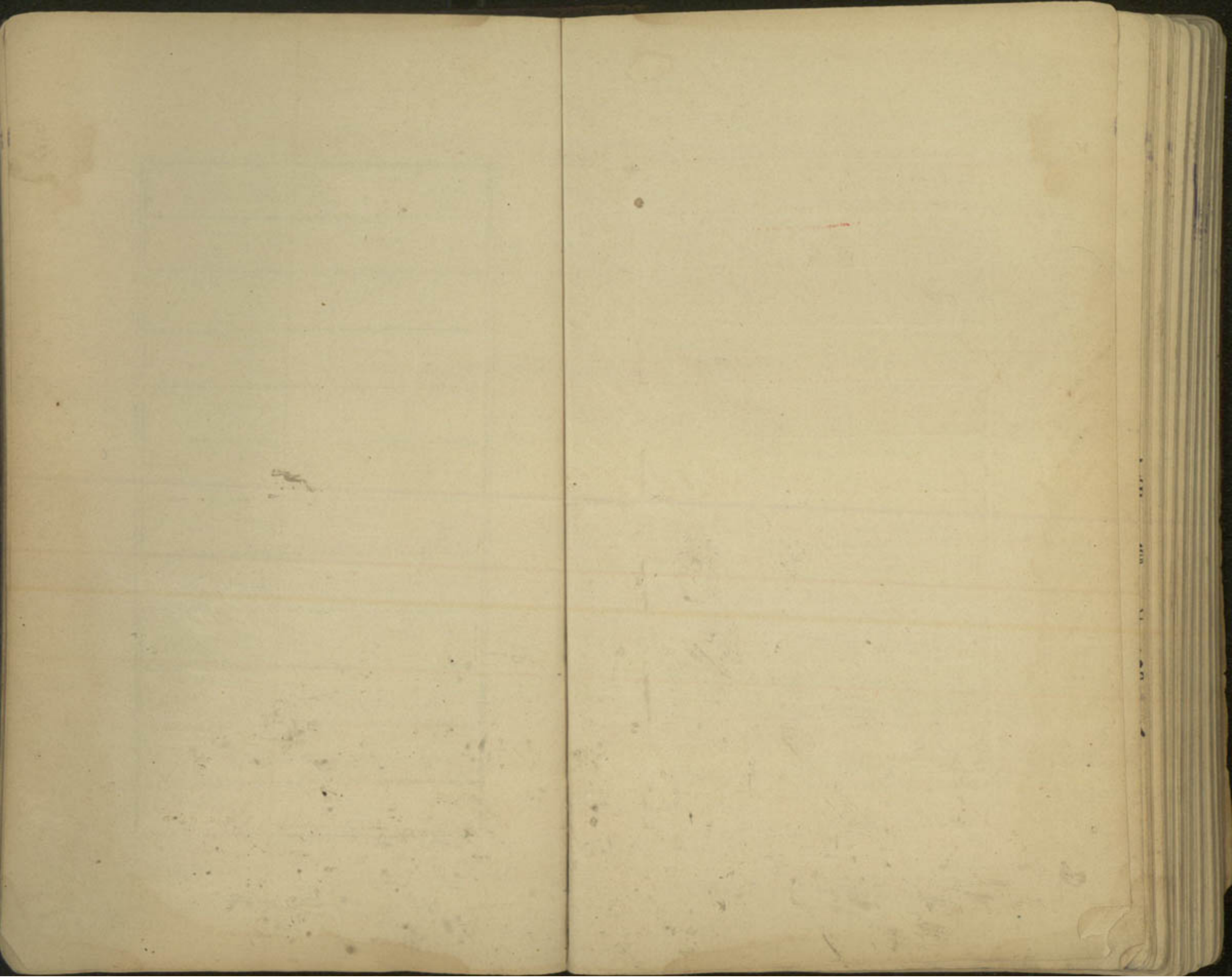
[illegible] شش ساعت است و از ارومی تا [illegible]

[illegible] شانزده ساعت است

والله اعلم بالصواب

تکیه و شش گز طول علی که در زمان سلطان [illegible] واقع است هفتصد و [illegible] افتاده

[illegible] گرفت [illegible] والسلام [illegible] ربیع الاول ۱۲۹۶



العزیز
هو الله تعالی شانه

نعت بنده مولانای جامی قدس سره کرار
شوق جمال با کمال حضرت خواجه کائنات و
خلاصه موجودات شفیع روز عرصات محمد المصطفی
صلی الله تعالی علیه وعلی آله واصحابه وسلم گفته

محمل جانان ببند ای ساربان از شوق یار
میکشد هر دم بر رویم اشکهای خون قطار
روز و شب از ناله گه کن کار روی او مرا
بعد ازین ای دیده خواب از غم صبر از دل قرار
قطع این وادی بترک اختیار خود توان
منعم در قبضه قدرت زمام اختیار
از تنم تا گه بخود میبرد دم در راه او
بسته در بینی مرا چون مهره مهر عشق مهار
پای کوبان میرود شوق جمال او مرا
زیر پایم چون حریر و گل بود خار و فار
هر کسی بر نامه هر لحظه باری می نهد
بار من جامی است و من زین لحظه هم زیر بار
هزار بار

هر نفس از گرمی سیرم ناقه در رهش
می نماید چهره مقصود را آینه وار
محمل آن سرور بپیچید حدی آغاز کن
بینوا یارا نوای دیگر از نو ساز کن
بلطف نالک حدی تا جانب آواز درا
در کرانگاهی بود از انکه ماند دل بجای
ناقه چون نزدیک حبیب و منزل او شود
کیم باشد از گرانی کوه گردد پای
سنبلی اندر چمن چو گل بکشود گوئی پیرهن
از نسیم نجد بیاید بو شمیم جانفزای
حال وجد من ز فیض بوی جان او ای بگذر
بوی نجدم ای صبا بهر خدارا ای نمای
منزل جانان و کان لطف و احسان است بکد
آب او جوش فنا کرد و نکشی بهر تن نی و نکاهی
لاله صحرای او بر چهره گل داغ نه
سبزه اطلال او بر جعد سنبل شانه ای

وا به اندر حرم که بینم سجده را ماوای خویش
وا به جود دوای آن صد باره وای

گر نه بینم بس وا به جود زمین بر برت
سجده بسکو هم وزان قصد من زین برت

بر نشیدی کم زانعوب زینت
کافیاست چو دو خورشید کم

جسم از این یثرب که کرد لبیکم سکن آنجا وطن
جان ازین رفت درون وطن کردن توان

عمرها باید که آن اینجای
... صحبت آن اشیان

از برای مرغ جان را اشیان
در سما مرغ را روزی سوی آن آشیان

بند سیوم

به کنار دجله ام افتاده و دور از خانمان
وز دو دیده دجله خون در کنار من روان

ای برون کی کردی در خاک بغداد از ازل
سر نه پیچیدی هوای یثربم اینجا عنان

خوابگاه حضرتی آمد که گر بودی بفرض
مرقد پاکش چو مهد علی اندر آسمان

فرض بودی بر همه بهر زیارت گردش
صرف کردن عمر ادراک جستجوی زبان

مرقد او

مرقد او در زمین بیدار زین چرخ کهن
بار سر باز کرده منتهیم ز طوفش بر زبان

کی بود یارب که دل از فکر عالم کرده صاف
گرد آن نخرم حرم گردم بگویم در طواف

بند چهارم

السلام ای قبه‌ای کز سرکوبیم دریای جود
السلام ای تازه شد از کلک ایشان صحرای وجود

السلام ای آنکه تا از جمیع آدم شد نعت
نور پاکت کس نبرد از عدن شایان بر دی بجود

السلام ای آنکه زاید ظلمت کفر و نفاق
صیقل تیغ تو از آینه گیتی زدود

السلام ای آنکه باید در جمیع کون و مکان
تیغ پنهان را بجز نور در چشم شهود

السلام ای آنکه بهر فروغ رایت تا ابد
اطلس ارض ... بر نظر از در روز نود

السلام ای آنکه ابواب شفاعت تر زدود
حشر بکلید لطف تو بر خلق شواند گشود

السلام ای آنکه تا بودم در این مجلس مرا

پیش سودا و درد جانم بتمنای تو بود

آن تبهکارم که بودم سالها در راه تو

این منم آن گمره که اکنون رو براه آورده‌ام

صد سلامت میفرستم هردم از کرام

بو که آید یک علیکم در جواب صد سلام

عمر ضایع کرده در خودبینی و درویشی ای وای درد

ای همه بر دعوی عشقت گواه آورده‌ام

بند پنجم

یا شفیع المذنبین با بار گناه آورده‌ام

بر درت این بار با پشت دوتا آورده‌ام

دیو بر سر من در کمین نفس و هوا اعدای من

از همه بر باب لطفت پناه آورده‌ام

چشم رحمت برگشا سوی سفید مو ببین

گرچه از شرمندگی روی سیاه آورده‌ام

نیست ما را بر سر سر گستاخی مرا

سرکه صد روی بعذرت گستاخی زبان عذرخواه آورده‌ام

بسته‌ام

شرمسارم از بس که از خجلی رخسار نشان صبح

پیش فردوس برین بی گناه آورده‌ام

گردنم بر طوق فرمان توام

کردنم از ... ای بلبل بر این گلبن

دولتم این بس که بعد از محنت و رنج دراز

بر حریم آستانت می‌نهم روی نیاز

مستند غربت بهر صد ایوان قبر

... دربان توام

بند ششم

یا رسول الله مسکینم که مهمان توام

یا فقیری لقمه‌جو از ریزه خوان توام

گر نیابی ... از خوی ... خار

... گلستان توام

بلبل افتاده زبان بر گلبن سبکی ام تشنه جان

از رو بندی از جنبه احسان توام

من بسوی ... طعمه ... کرمن

داریان از ... زاغ ... خوان توام

غنچه ... گو ... خوان توام

دفتری در رسم سیاه از تعصب چاره من

گر شفاعت نامه باید ز دیوان لوا مر

حق زنانی که در ره ضلالات خلق را

جز بصوب شرع شرع نوره بنموده اند

سر کیدای بنوا حامی عنایت وا بکیر

بر کف نفس و هوا از بوده اند

چون بود غیر از شفاعت چاره من بس شفیع

آل و اصحاب ترا پیش تو می آرم شفیع

بند ششم

حق زنانی که رای را ز نخود بنموده اند

پای از سر ساخته ایشان بیان بنموده اند

حق زنانی که عمری از روفا [illegible] سوده اند

پای از سر ساخته ایشان بیان بوده اند

سر غان دل ز کف [illegible] شیمی بریز

از سحاب فیض لطف عام خود در شیمی بریز

بر دل و جان کسانی که ز آلودگان آلوده اند

بر دل و جان [illegible] که عمری از زبان بیل

سمل [illegible] ز خون جگر پالوده اند

کن قبول او طفیل دیگران گر جستجوی

باشد این قبولت فارغ از نار جحیم

هم تن و هم جان بر اهت سوده و دلسوده اند

بر صراط سنت شرع تو ماند مستقیم

تمت ۱۲۹۷

هفت بند حضرت شیخ الاجل مولانا [illegible]

[illegible] در ردیف مولانای جامی [illegible]

ای دل بی کس [illegible] که از درد [illegible] نزار

بند بند [illegible] آن بند بندان زار

س ربا از جسم [illegible] بر دل و [illegible]

وعده شد از [illegible] و نبود بعد از آن جای قرار

کن جدا انحالی کردن و از زرق [illegible]

پیچ [illegible] و علف کار از رای و در ابواب

بی تا [illegible] بند عقال از [illegible] بنشین

زیره و ز ماندگان را این گره و اکن بکار

بهر [illegible] زوبین از امر و اس حرام

[illegible] خورد و خوار [illegible]

تا [illegible] درد و دست

کرده و [illegible] منزل [illegible]

[illegible] در دیده خاک [illegible]

یا [illegible] در دیده ام صد جوی خون

باد [illegible] شد از [illegible] گفتار

سوی جانان دیده [illegible]

[illegible] جالی

[illegible] جان [illegible]

حاویا چتر بلند آهنگ کن آوازه را
باز ده در قفس از نوای جان فزا جازه را
برنده دو عالم ای
چون منش بخود کن از ذوق حدی ابر هوا
دل ز جا شد تا بکی محمل بمنحصد ز جای
گوش بر بانگ حدی کاشوب جان راه نورد
ای بیا و دل بابرت در هوای
تن بخاک شام و دل بامداد
مهبط نور خدا و مشرق نور هدا
منزل ... و صفای
آنچه خواهد بنی گوی حاصلش زیناب
بر بسیم کافور بر خستگان عنوای
گرد کاراخستگان را مرهم کافور بخش
تشنگان را سوی آب ابد بگشای تنگنای
نشر الطاف الهی بالی از باد صبا
بوی فردوس برین آید از او بستر ناپای
مرده صد ساله با صد ارتعشه بخرد ز جای
سیده از جانب ببراز نسیم جانفزای
این بس
اینها بس
این زمین و فقش که برابر زخشم مقصد است
بر دلش فخر جهان الا رال او دست
بنیبر
سکه زر گردان جان ما بانجم پاکش ز خاکمان
مایه آگهی در دل آمد زبان سود و زیان
دردل بسکنم حان سودای ... از علم
جای کنارش کجا دارد درو باد خیان
خیز آن خاکست بیغ را بدام آورده دل
زاهدان اندر زمام بودی دست ان
بر ... کست جو ... صد باز
اکنون ... فرش لذبان از آسمان
آمده کوهر طوطی فرش ... بود
از جان آنکه خواهد ... جای ... بدهان
بحر طوقش آمد ... رزدهان
بر آن خاکست بیش ... ادم سالها
بیتر از آن ... پیش و جان
بیتر از ... گاه ... سرمین
هست اکنون ... جان پس ...
... از ... طوفان

خالد ازناکسی نشینی در جهان منفعل
خیره کرد در مرقدش ایریش نغان از نور دل

السلام ای آنکه از بوی گریبان چشم پیر بردران
گرد نعلینت جواهر ابراهیم خلیل محمود

السلام ای چهره‌ات شمع شبستان وجود
نیم جهارم

السلام ای قامتت سرو بهارستان جود
السلام ای آنکه از طلعت زیب شبستان عدم

ازنو شد کعبه نور غنابت آن گشود
السلام ای آنکه از مکاهت شد زمین

السلام ای آنکه تا ز صد بار برج کبود
السلام ای آنکه اعجازت یکی از صد هزار

است خاک تیره را صد بار برتری
السلام ای آنکه فصحکه گفت و شنود

السلام ای آنکه زیر پایه‌ات پر برتری
بند ارکهی بیش از طلق ادیم سها

صد هزاران سال ره در ساحت قربت فزود
السلام ای آنکه بیش از ملایک در سجود

روی در محراب ابرویت
من کجا

من کجا و صد زبان تیمبر بود با خیر الانام
از خداوند جهانت باد بر هر دم صد سلام

تو طبیب عالمی من دردمند دل فکار
رو بدرگاهت بامید دوا آورده‌ام

نیم چه چیم
ای پناه عاصیان پشت پناه آورده‌ام

ای پناه جد خطا وا ابتحا آورده‌ام
راوره بردان بدرگاه کریمان با سرات

کرده‌ام بیحد خطا و ابتجا آورده‌ام
شادم از درد و بروردن مراد آورده‌ام

سرشته بنه ضلالت سالها
کوه بر دوش از کناه و رنج زخلت ابحکاه

بوده‌ام سر رشته بید بد آورده‌ام
کوه بر دوش ازکناه کوه وکاه آورده‌ام

زنبرمان بی سوی خورشید جهان
وارمر استبد زدل کوه وکاه لطف بس بود

است با زاد رجهان خالی و از سیحان جهان
شستش را یکی ز دریای لطف بس بود

وان هم از تو چون توان کفتن فدا آورده‌ام
گرچه دیوانی چو روی خود سیاه آورده‌ام

سر بخاک درگهت بنهم جز حسن یکان پاک
آنچه خضر از آب حیوان یافت با من هم ز خاکت
بند ششم
جز ... ان نتوانم
سر در عالم من دلداده جبران نتوانم
واله و سرگشته سودای ابجران نتوانم
... نوبین نوبین بیکر گدا
شاه بخت قانع نوبین ... که مهمان نتوانم
کی بود یارای آن کو ... که مهمان نتوانم
رحمت عالم تو آب زندگی من تشنه لب
مرده بحر قطره از آب حیوان نتوانم

دیگران بر طوف کعبه می‌آیند و من
سو بسو افتاده بر کوه و بیابان نتوانم
دوش در خوابم بخطا دیدم فرشتا ... ابجا بیم
... بر ذوق در ایوان نتوانم
گویا با می ... سرای نغمه دوست
جا بیاری ای بلبل در بستان سرای ... نتوانم
این سخن بس جسب حال آمد ز دیوان نتوانم
بر لب افتاده زبان گر کنی بکامی ام تشنه لب
ارزد و نشد نمی از ابر بحر احسان نتوانم
نفر د

نفس و شیطان عالم ز بهشت آمد بتکلیف نشنند
فرزانگانی ز وصلت کام دل ببرد از نشنند
بند پنجم
فرزانگانی که نادر قید هستی بوده اند
جستجوی خواهش بهشت افزوده اند
هوشیارانی که در اثر خرد در وجه خیره اند
لب بتصدیق تو از زرد و بشندی ابکشوده اند
شهریاران برقع پوش یا شخت و کلاه
کافر شاهی ز شاهان جهان بربوده اند

عملکارانی نهاده گردن اندر زیر تیغ
در سر و کار وفایت بذل جان بنموده اند
روزه دارانی ... صبح تا شام
پاکبازانی و در راه خدا بخشوده اند
خالد و دلداده را ... دل ... جلا
نفس و شیطانش ز بانک معصیت آلوده اند
در شمار ... آتش ... باز
سالها راه و مسالک را بجان پیموده اند

بو که از لطف تو ای سرچشمهٔ انعام عام
کارش آرایش پذیر آید بحسن اختتام
تمت شد بتاریخ چهارم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۷

هو الباقی

تاریخ مرحوم شدن و ... [illegible] ... که حضرت ... [illegible]
... [illegible] ... ۱۲۰۲ ... [illegible]

[illegible]

تاریخ تولد فرزندی فاطمه خاتون یوم سه‌شنبه
چهارم شهر ذیقعده الحرام یک ساعت بعد از
طلوع آفتاب سنه ۱۳۰۷

تاریخ وفات مرحوم سیف الدین خان
که یک هفته قبل ... [illegible]
شده بود در شب جمعه هشتم شهر ربیع الثانی
که شش ساعت از شب ... گذشته بود
سنه ۱۳۰۸

تولد نور چشمی محمد ... عبدالرحیم در شب سه‌شنبه ... [illegible]
شهر شوال المکرم که هشت ساعت از شب ... گذشته بود
مطابق سنه ۱۳۱۱

مرحوم شدن فرزندی فاطمه خاتون شب ... [illegible]
... رجب المرجب ... ساعت از شب
گذشته مطابق ۱۳۱۲

تولد فرزندی رقیه خاتون در روز ... شنبه که چهار ساعت از دسته
گذشته بود مطابق سنه ۱۳۱۲

مرحوم شدن رقیه خاتون ... سه‌شنبه ۱۳۱۲
سه ساعت و یک چارک از شب گذشته دوم شهر شعبان المعظم

تاریخ تولد فرزندی محمد حسن یوم دوشنبه ۲۹ شهر رجب المرجب
سه ساعت و یک چارک از دسته گذشته مطابق یکهزار و سیصد و
چهاردهم هجری علیه ... آلاف الصلوة والسلام ۱۳۱۴
هو الباقی

تاریخ تولد فرزندی محمد صالح در شب چهارشنبه
۱۴ شهر ربیع الاول ... ساعت و نیم از شب
گذشته مطابق یکهزار و سیصد و شانزدهم
هجری ... آلاف الصلوة ... ۱۳۱۶

تاریخ مرحوم شدن شرف خاتون والده فرزندی محمد حسن که در سر وضع حمل او برحمت خدای
پیوست که حضرت پاک جل جلاله احدیت تعالی و تقدس ذات او را برحمت خود مغفور و سرافراز
روز نشور فرماید یوم دوشنبه ۲۹ شهر رجب المرجب پنج ساعت و نیم از دسته گذشته ... ساعت
بعد از تولد فرزندی محمد حسن مطابق ۱۳۱۴ ... [illegible]
هو الباقی

مرحوم شدن همره ام ... خاتون در شب جمعه ۲۵ شهر محرم الحرام پنج ساعت و یک چارک ... [illegible]
... مغفرت ... [illegible] ... مطابق ۱۳۱۴

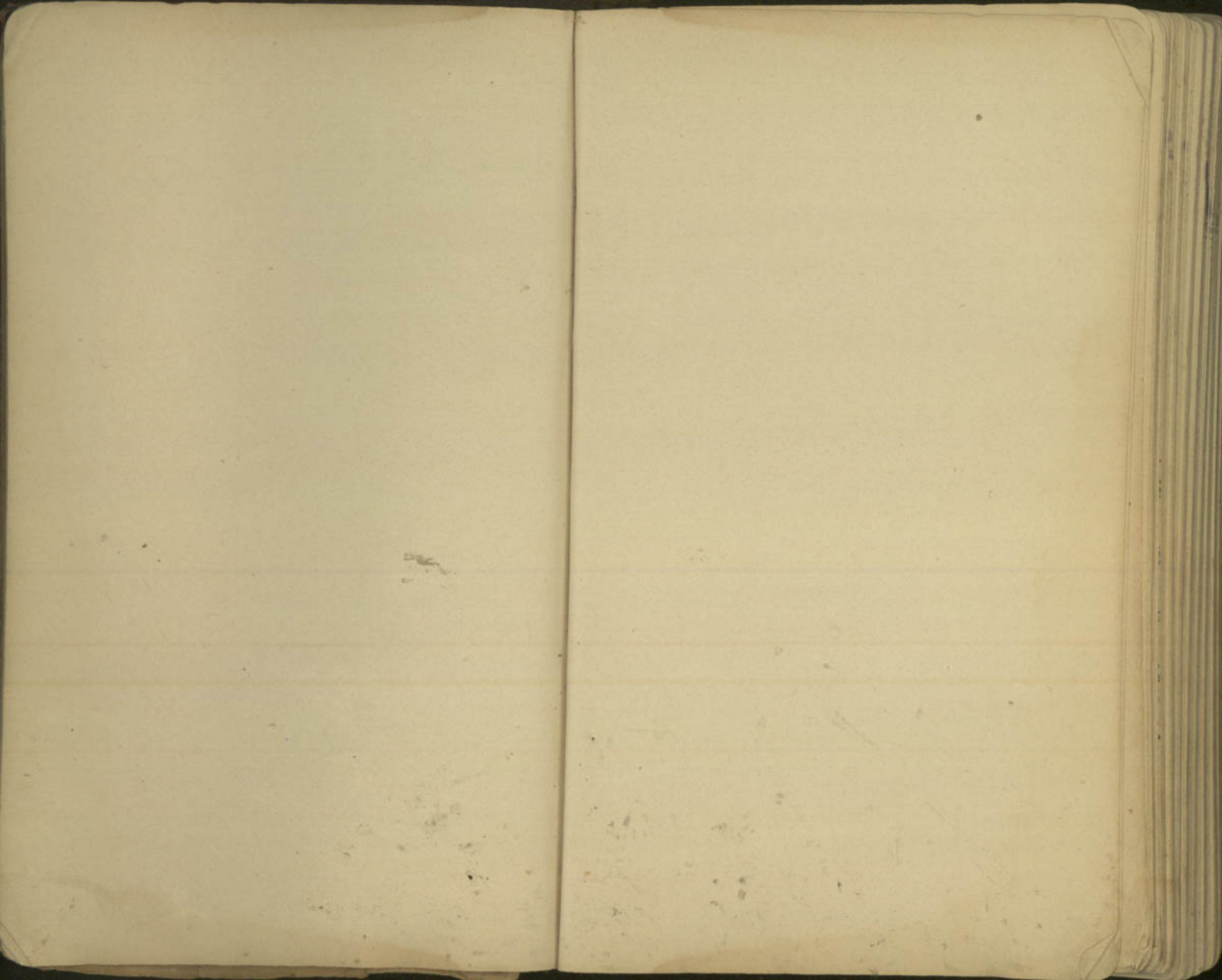
نسخه درد چشم که مجرب و خیلی نافع است

| | | | |
|---|---|---|---|
| روح توتیای اعلی | سرپاک | مامیران | نبات |
| ۲ مثقال | یک مثقال | یک مثقال | یک مثقال |

سرپاک و مامیران و نبات را کوبیده با روح توتیا در آب غوره خمیر نموده
تا هفت دفعه خشک کنند باز کوبیده با آب غوره خمیر تازه زده دفعه هفتم در خشک کرده
در کتان و حریر صاف نماید روح خوبی در آب غوره حل نموده ...

هو الباقی

تاریخ ولادت مرحوم شاد فرزندی محمدحسن که خداوند انشاءالله عمرش طولانی
نماید ... در شب چهارشنبه
بیست و سیم شهر رجب المرجب ... ساعت و بیست دقیقه
از شب مزبور گذشته توشقان ئیل هزار و سیصد و شانزده هجری ۱۳۱۶
علی ید اجرها الاحقر ... والسلام



صورت آنچه باید انشاء الله تعالی در کلکته خریده بجهت بیاید

قرآن چاپ رسم
یک جلد

دلائل الخیرات چاپ
یک جلد

کتاب احیاء العلوم امام غزالی
یک جلد

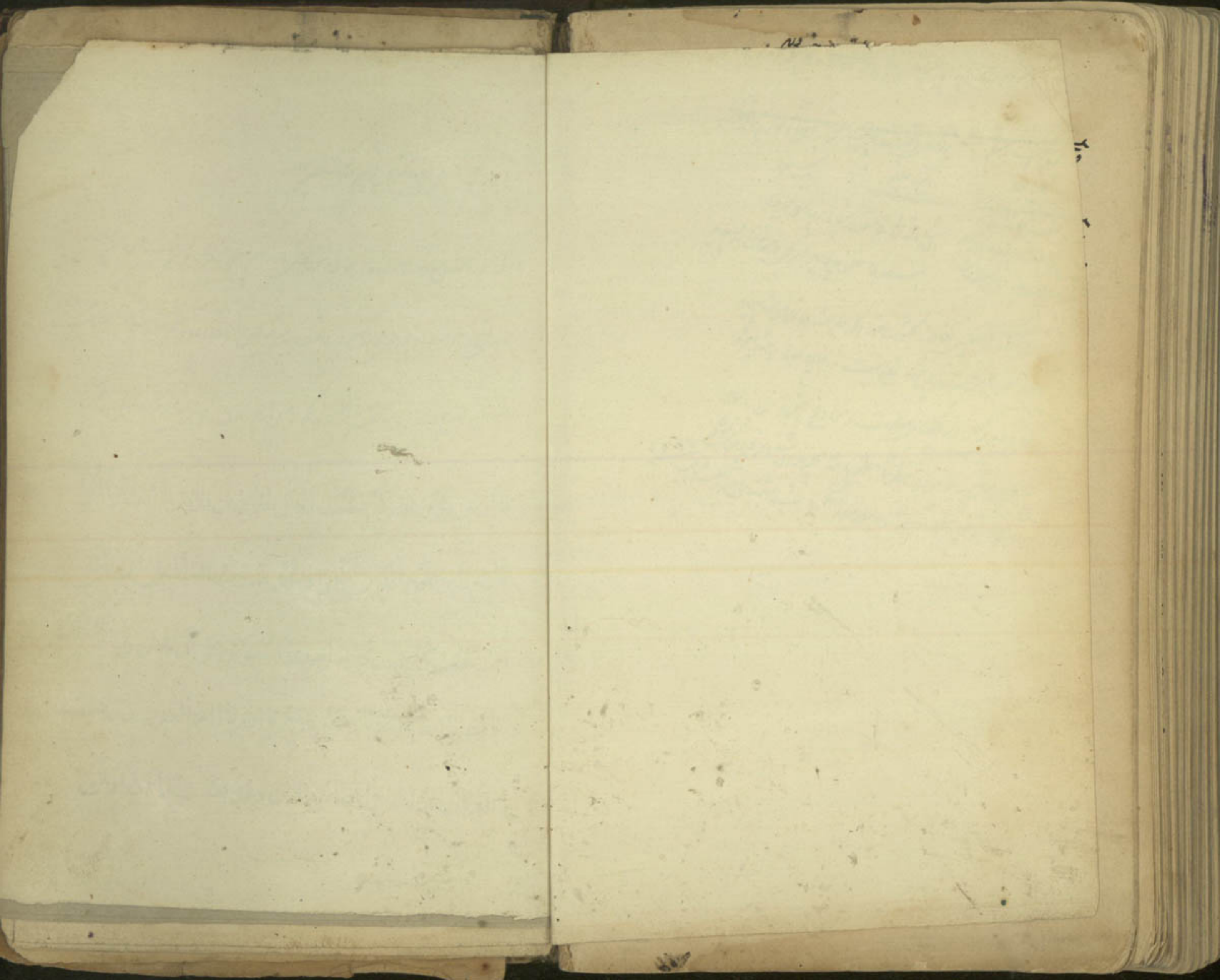
جواهر التفسیر کاغذ زرد
چاپ مصر یا غیره ۴ جلد
در یک جلد خوش خط باشد

انشاء الله تعالی یا معتمد شوند آنها را خوب خریده
[illegible] خوب باشد

ماهوت بانات انگلیسی کفاف یک سور [illegible] اگر ممکن شود [illegible]
و [illegible] ماهوت هم [illegible] در [illegible]

کتابهای دیگر از کیمیای سعادت و معارج النبوة مولانا معین
یا هر چه غریبه و خوب بنظرتان مطبوع شده بخرند انشاء الله فراموش نشود ۱۲۹۷
شب شنبه ۱۱ ماه رجب المرجب

جواهر التفسیر چهار مجلد تمام است ۳ جلد [illegible]



بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین بالله

اول سوره یس مبارکه را خوانده تا بقول عز و جل فاذا هم معطلون هر از یمینت قهر دشمن معینه

دعای قطع را خوانده اما بشرطی را با وضو و رو بقبله و به نیت خالص و اعتقاد تمام بخواند و شک در دعای شریف نیاورد

وان والله اسرع از برق خاطف تاثیر خواهد کرد و پیش از خواندن دعای مبارکه بگوید ضربت عنق

فلان بن فلان الله اکبر قطعت رأس فلان بن فلانة بسیف الله القهار

فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین هو دعای قطع است

انت المحیط بکل غیب کل شاهد والمستولی علی کل باطن وظاهر اسئلک

یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا راحم العبرات و یا کاشف

الکربات انت الله تنزل سحاب المزن وقد امست ثقالا و تجلوا ضبابات

الدجن وقد سحت اذيالا وتجعل زرعه هشيما وعظامه
رميما وترد المغلوب غالبا والمطلوب طالبا الهي كم من عبد
دعاك اني مغلوب فانتصر ففتحت له ابواب السماء بماء منهمر
وفجرت الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر وحملته من
كفايتك على ذات الواح ودسر يا رب يا رب اني مغلوب فانتصر
الله اكبر كرته بار هو هر الله اكبر رت زبر نفر اللهم يا من قدرته قاهرة واياته
باهرة ونقماته قاطعة ولكل جبار دامغة اسئلك بالقدرة
التي انت مالك بها نفوسهم لو نطقتها جمدوا فما يمنعك يارب

ان تكف

ان تكف باسهم وتنزع عنهم من خصفك لباسهم وتعريهم من
سلامتهم منك في الاصل يفرحون وفي ميدان البغي على عبادك
يمرحون اللهم صل على محمد وال محمد وبارك وسلم اين اين كفايتك
في من ظلمني يا من قصم الجبابرة والمتكبرين فقطع دابر الفراعنة و
والمستهزئين ما اسرع نزول بطشك الشديد وما اسرع حلول
قهرك المجيد بكل جبار عنيد وشيطان مريد بغى على العباد وطغى
في البلاد وسعى فيها بالفساد بك استغيث الهي ممن ظلمني وتقول
مولاي ان تنصرني على من حاربني وان تهزم لي من بارزني

وَانْ تُقْهِرَ لِی مَنْ قَاتَلَنی وَانْ تخذُلَ اَعْدَائِی وَتهزِمَهُم مَآءَ غَدَقًا وَاجعَلهُم

لِجَهَنَّمَ حَطَبًا وَارْسِل عَلی جَنَّاتِهِم حُسْبَانًا مِنَ السَّمَآءِ فَتُصبِحَ صَعِیدًا زَلَقًا

اَوْ یُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِیعَ لَهُ طَلَبًا اَنْتَ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ وَالْقَابِضُ

اَلْبَاسِطُ وَالنَّاصِرُ الْقَوِیُّ وَالْغَالِبُ وَالْقَهَّارُ وَالْمُذِلُّ وَالْمُنْتَقِمُ وَالْمُهْلِکُ

وَالشَّدِیدُ وَالْمُخْذِلُ وَالْمُؤَخِّرُ وَالْمَانِعُ وَالْقَابِضُ وَالْخَافِضُ وَالضَّارُّ وَالْقَاصِمُ

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِینِ بعد ازین دست بر زمین نهد و بگوید الله اکبر سه بار فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِینَ

ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ انْصُرْ لِی عَلی مَنْ ظَلَمَنِی فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ

وَمَا کَانَ لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَاقٍ فَاَصْبَحُوا فِی دِیَارِهِمْ جَاثِمِینَ خُذْهُ وَاخْذُلْهُ

ودمّره اللّٰهُ اکبر اَتی اَمْرُ اللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ تم دعاء القطع بحسن توفیقه والسلم

بسم الله الرحمن الرحیم

هرکس هر بامداد این آیه را پیش از آنکه بکسی متکلم شود ده بار با وضو رو بقبله بخواند البته در امان خدا

خواهد بود و آیه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ

وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ و از برای

عقد اللسان این حروفات را بنویسند و در وقت سخن گفتن با مطلوب در زیر زبان نهاده صحبت بانگشت

ﻣ ااا کمه ||| ﻣ مرم اااااا

ل م ق ف ن ج ل

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله تحمد

فلان بن فلانة لفلان بن فلانة طاعةً لله تعالى ولفاتحة الكتاب

الشريفة الرحمن الرحيم ترحم فلان بن فلانة لفلان بن فلانة طاعةً لله

ولفاتحة الكتاب الشريفة ملك يوم الدين تملك فلان بن فلانة لفلان

بن فلانة طاعةً لله ولفاتحة الكتاب الشريفة وعبودية ورافةً ورحمةً و

شفقة اياك نعبد نعبد فلان بن فلانة لفلان بن فلانة طاعة لله ولفاتحة

الكتاب الشريفة واياك نستعين استعان م بن م بالله تعالى وبفاتحة الكتاب

الشريفة على فلان بن م ان يكون مطاوعاً له وتحت ارادته باقبال ومحبة

اهدنا الصراط المستقيم استقام م بن م لم بن م طاعةً لله ولفاتحة الكتاب

الشريفة صراط الذين انعمت عليهم انعم م بن م لم بن فلانة بجميع ما يطلب منه وتودد

طاعة لله تعالى ولفاتحة الكتاب الشريفة محبة وشفقة ورحمة

باستقامة امره طاعةً لله وببركة الفاتحة غير المغضوب عليهم ولا الضالين

والحمد لله ونزعنا ما في صدورهم من غلٍّ اخوانا على سررٍ متقابلين

ولو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه

عزيز حكيم فرازي سوره نوزی سوراخ دار ودر وسط همان ورقه فرو کنند ودر مکانی منصب نمایند

مطلوب بی آویزان که بروش باد باد بر سد بسیار مجرب ومؤثرات

تحبه محبت مجرب وآزموده بمشک وزعفران در هفته ماه اول نوشته مطلوب را بخوراند واگر

نتواند بدست راست خود ببندد فرمان بردار شود بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب

العالمين بستم سر او را با سر خویش الرحمن الرحیم بستم پشت او با پشت خویش

ملك يوم الدين بستم روی او با روی خویش اياك نعبد واياك نستعين

بسم چشم او با چشم خویش اهدنا الصراط المستقیم بستم زبان او

با زبان خویش صراط الذین انعمت علیهم بستم دهن او با دهن خویش

غیر المغضوب علیهم بستم دل و جان او با دل و جان خویش و

لا الضالین بستم شکم او با شکم خویش لحب فلان بن فلانه علی حب فلان

بن فلان یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولو

یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان العزة لله جمیعا

وان الله شدید العقاب جهة محبت فاطر شنبه هزار مرتبه الف را خوانده

رو بقبله و با وضو در نصف شب دوم شب ۲ هزار مرتبه سیم شب ۳ هزار و یکه ایات ب

هفتم هفت هزار مرتبه الف را خوانده اخر هر شب بعد از تمامی ختم بگوید اللهم کما سخرت البحر لموسی ع

و کما سخرت الریح لسلیمان ع و کما سخرت جمیع الاشیاء لمحمد ص سخر لی فلان بن فلانه بعد از ان بطرف مطلوب کند محبت

شعر د مرغ از الرکبه لا الی الکره شدن خط القلم الممدود وکان رسول الله ص علی القدمین ای

سته لطیفه قدیمه

سوره اقرا را بوقت رفتن پیش پادشاهان سه بار بخواند سوره والفجر جهة دفع کل بلاها

۷ بار بخواند سوره والعادیات جهت دفع چشم و زخم سه بار بخواند سوره قریش جهة ایمن بودن

از بلاها هر روز ۷ بار بخواند سوره سبح اسم بوقت بغور رفتن سه بار بخواند سوره انا فتحنا جهة فتح

و نصرت تا ۴ یکبار و اگر بنویسد و بر خود بندد در وقت حرب ایمن گردد والسلام

اسماء عشره شریفه در حالت وضو جهة امان از بلاها و دفع هم و غم و ازاله جمیع امراض و علل مجرب

انوحی اذونای الهوخا اشانهو صیثیخا ما ارض مضرائم مبات

عبودیم لویهبا نحا الوهیم اخادیم انا الله ربک الذی اخرجک

من بلاد العبودیة لا یکون لک الها غیری تم

بسم الله الرحمن الرحیم

این شمائل رسول خداست صلعم پیغمبر فرموده است هرکس بنویسد شمائل مرا و با خود دارد فرح و سرور بسیاری از خدا

بود و گناهان مرا دهید است و دلتنگ نیست کسی مرا ببیند تن او از آتش حرام خواهد بود و هر نوع سلاطین عزیز و مکرم

باشد و اگر بسوزد هر دو باخود دارد صحیح و سالم باز گردد و بهشت و ملک می فرماید او خواهند کرد که در قبر مونس و رفیق

او خواهد بود تا در بهشت میرود و شمائل اینست کان رسول الله صلعم ازهر اللون یعنی سفید روی و چهره او سرخ

بجره بود یعنی گندم گون شعله سیه لو شبی بدر و کان رسول الله صلعم علیه وسلم اسود العینین مکحل طویل الاهداب

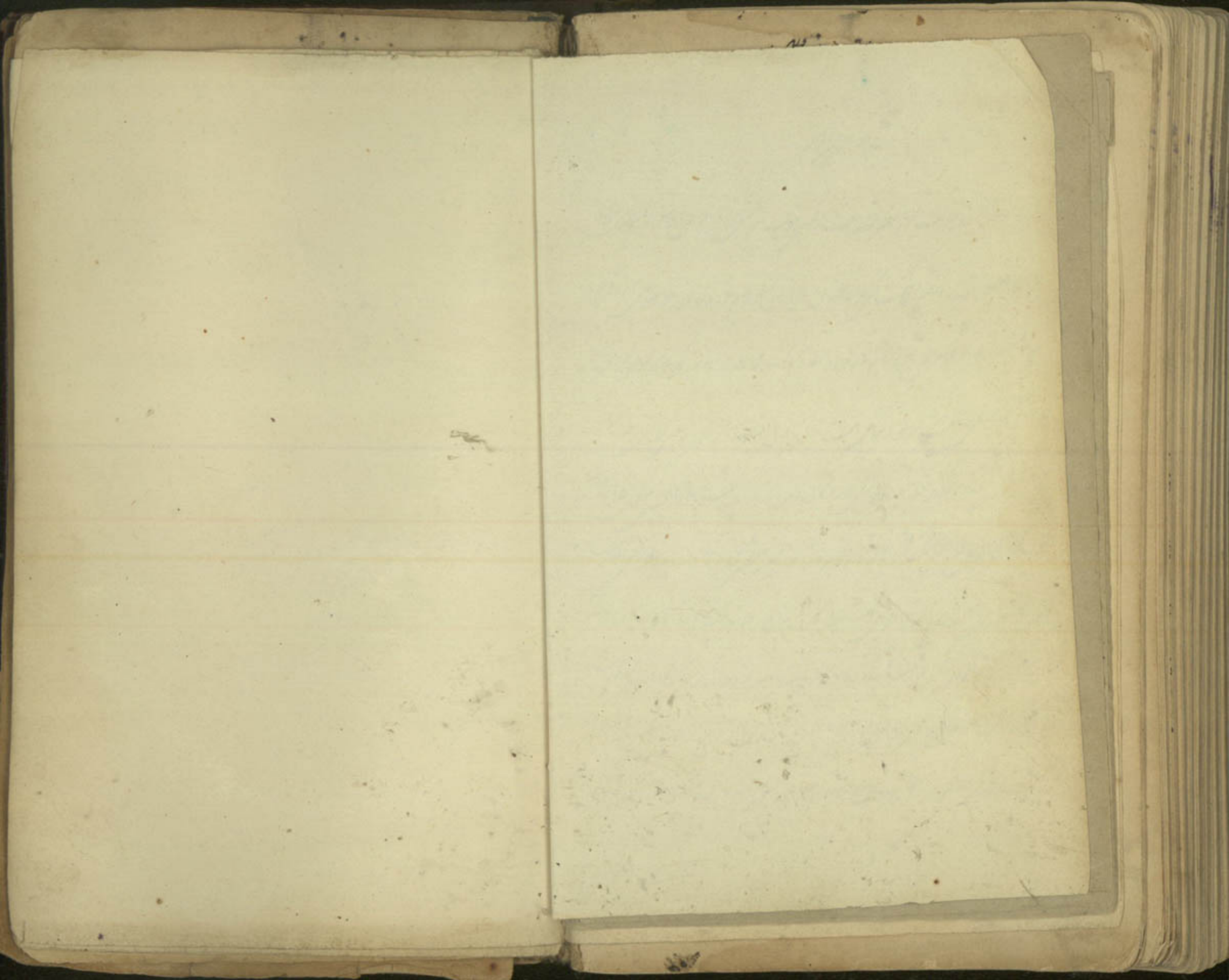
و کان رسول الله صلعم مجتمع اللحیة کثیفة لا طویلة و لا قصیرة راحة الجبهة یعنی کشاده پیشانی که تا ماه بدر بود اقنی الانف

یعنی باریک بینی و کان رسول الله صلعم طویل الیدین بحیث ینال راحتاه رکبتیه بادنی الانحنا و کان رسول الله

صلعم ابلج ای مشرق الوجه شق القمر لیلة البدر و کان رسول الله صلعم مفلج یعنی دندانهای متفرق داشت در غایت

خوب و کان رسول الله صلعم ازج یعنی ذی المعوج المؤخر حاجبه و کان رسول الله صلعم ربع الخلق ولا [illegible] [illegible] الناظر

تام القامة لا طویل و لا قصیر عذب [illegible] [illegible] الصدر [illegible] البطن بعید ما بین منکبیه و کان رسول الله صلعم



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حَسْبِيَ اللّٰهُ لِدِيْنِيْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لِدُنْيَايَ

حَسْبِيَ اللّٰهُ الْكَرِيْمُ لِمَا اَهَمَّنِيْ حَسْبِيَ اللّٰهُ

الْحَلِيْمُ الْقَوِيُّ لِمَنْ بَغٰى عَلَيَّ حَسْبِيَ اللّٰهُ

الشَّدِيْدُ لِمَنْ كَادَنِيْ بِسُوْءٍ حَسْبِيَ اللّٰهُ

الرَّحِيْمُ عِنْدَ الْمَوْتِ حَسْبِيَ اللّٰهُ الرَّؤُفُ

عِنْدَ الْمُسَائَلَةِ فِي الْقَبْرِ حَسْبِيَ اللّٰهُ

الْكَرِيْمُ عِنْدَ الْحِسَابِ حَسْبِيَ اللّٰهُ

اللَّطِيفُ عِنْدَ الْمِيزَانِ حَسْبِيَ اللّٰهُ

الْقَوِيُّ عِنْدَ الصِّرَاطِ حَسْبِيَ اللّٰهُ

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

در وقت خواب هر بامداد خواندن این دعا

جهت دفع اعداء و رفع درجات اخری و عقبی

و نفع دنیا بسیار نافع و به تجربه رسیده است

باید در خواندن تقصیر ننمای و به تقصیر از

خود راضی نشوی

والسلام

صاحبا داعیان نوازا

معلوم رای جناب شریف باشد که اهداء بلا اشتباه این ادعیه را
از کتب معتبره جمع کرده است و صحابه صحیح القول رضی الله عنهم
از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بروایت صحیح روایت
کرده اند که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از دختر که غمی و مهمی
از عدو وغیره بآنحضرت برسیدند این ادعیه را میخواندند
و آن غم و مهم فی الحال دفع میشود بناءً علی هذا باید ای صاحب
مداومت تمام بر این ادعیه را بفرمایید که ان شاء الله رجا
دارم ببرکت این ادعیه کامت بکام باشد و هم
اینجا ان شاء الله از دعای خیر در اوقات استجابت دعا
غافل نمیشود چون از زمان سابق تا الا الآن بجا
آورده ایم ان شاء الله من بعد زیاده تر بجا میگذاریم ادعیه مذکوره
این است بادمبارکباد هر که خواهد بقای تو

سلام

بسم الله الرحمن الرحيم

لا اله الا الله العظيم الحليم لا اله
الا هو رب العرش العظيم لا اله
الا الله رب السموات ورب
الارض ورب العرش الكريم
يا حي يا قيوم برحمتك استغيث
سبحان الله العظيم يا حي يا قيوم
اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي
الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
لا اله الا الله الكريم العظيم
سبحانه تبارك الله رب العرش العظيم

الحمد لله رب العالمين اللهم
رحمتك ارجو فلا تكلني الى نفسي
طرفة عين واصلح لي شاني كله
لا اله الا انت الله اكبر الله اكبر
الله ربي لا اشرك به شيئا
فنادى في الظلمات ان لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الظالمين
هو الله ربي لا شريك له اعوذ
بكلمات الله التامات من غضبه
وشر عباده ومن همزات الشياطين
وان يحضرون اللهم اني عبدك

ابن عبدك ابن امتك في قبضتك
ناصيتي بيدك ماض في حكمك
عدل في قضاؤك اسئلك بكل
اسم هو لك سميت به نفسك
او انزلته في كتابك او علمته
احدا من خلقك او استاثرت
به في علم الغيب عندك ان تجعل
القران نور صدري وربيع
قلبي وجلاء حزني وذهاب
همي وغمي بسم الله الرحمن الرحيم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

اَللّٰهُمَّ اِنّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ
بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ
السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ
يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اٰمِينَ وَالْحَمْدُ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللهم [illegible] على محمد وعلى آله

وصحبه وسلم لا إله إلا الله

الحليم الكريم سبحان الله رب السموات

السبع ورب العرش العظيم لا إله

إلا أنت عز جارك وجل ثناؤك

[illegible]

[illegible]

رب العالمين

و طریق ختم اینست که روز جمعه ابتدا نماید

یا دوشنبه یا پنجشنبه چهل روز بخواند و افضل اینست که بعد از

نماز بامداد بخواند و هر روز یکصد نه ، نو مرتبه بخواند روز

چهلم نوزده بار افزوده که یک هفتاد و هشت مرتبه بخواند

در چهل روز شش هزار سیصد هفتاد و نو مرتبه که عدد مجموع

آیه کریمه است خوانده شود باید پیش از شروع غسل کند دو

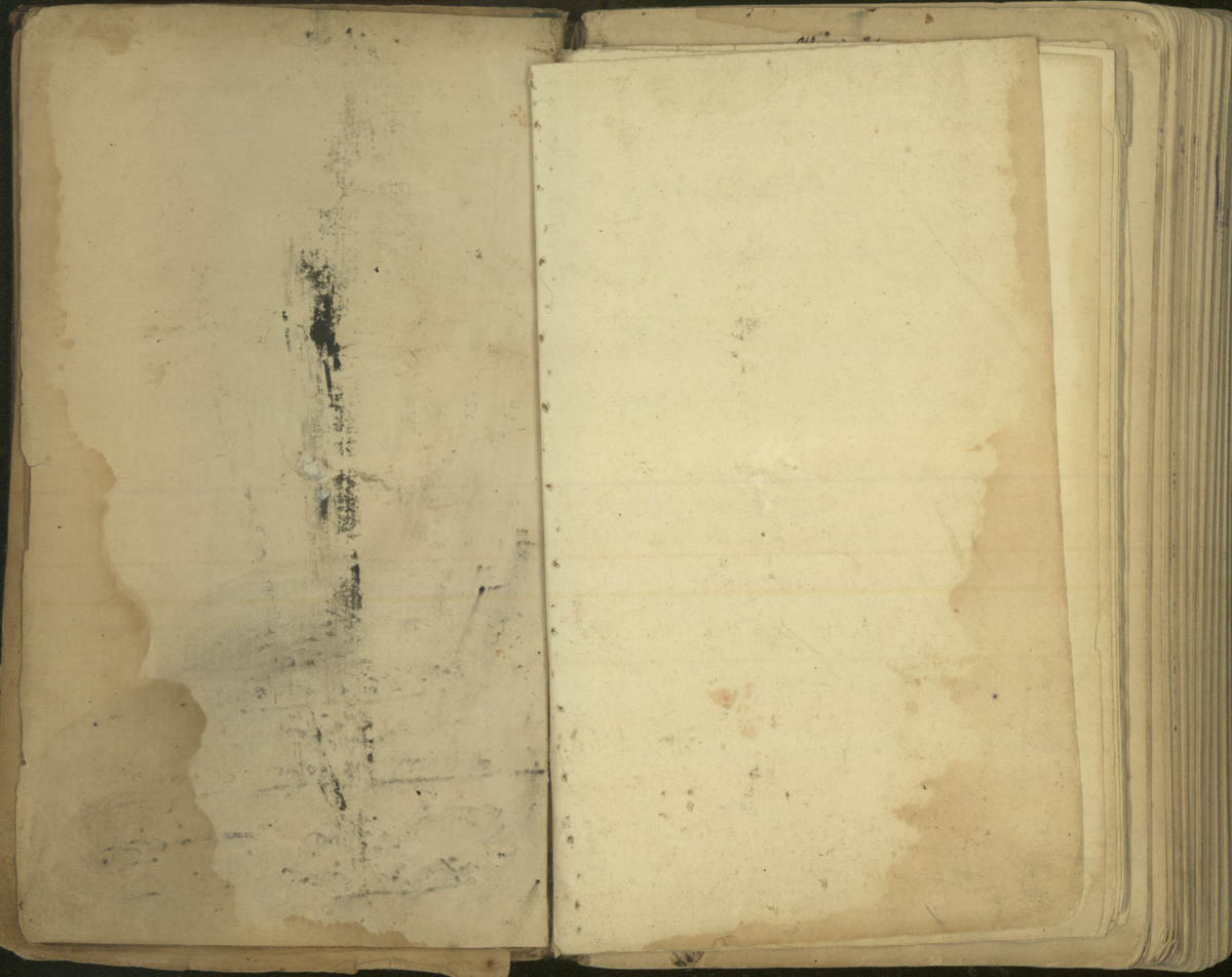
رکعت نماز حاجت بگذارد و یکصد مرتبه صلوات بر محمد صلی

الله علیه وسلم بفرستد ختم اینست وَمَنْ یَتَّقِ اللهَ

یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ

وَمَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ

بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا



بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا تقبل منا انك انت السميع
العليم ربنا واجعلنا مسلمين
لك ومن ذريتنا امة مسلمة
لك وارنا مناسكنا وتب
علينا انك انت التواب الرحيم
ربنا وابعث فيهم رسولا

منهم

منهم يتلوا عليهم اياتك و
يعلمهم الكتب والحكمة
ويزكيهم انك انت العزيز
الحكيم ربنا اتنا في الدنيا
وما له في الاخرة من خلاق
ربنا اتنا في الدنيا حسنة
وفي الاخرة حسنة وقنا
عذاب النار ربنا افرغ علينا
صبرا وثبت اقدامنا و

انصرنا على القوم الكفرين
ربنا واليك المصير ربنا لا تؤاخذنا
إن نسينا أو أخطأنا ربنا
ولا تحمل علينا إصرا كما
حملته على الذين من قبلنا ربنا
ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به
واعف عنا واغفر لنا و
ارحمنا أنت مولىنا فانصرنا
على القوم الكفرين ربنا

لا تزغ

لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا
وهب لنا من لدنك رحمة إنك
أنت الوهاب ربنا إنك جامع
الناس ليوم لا ريب فيه إن
الله لا يخلف الميعاد ربنا
إننا آمنا فاغفر لنا ذنوبنا
وقنا عذاب النار ربنا آمنا
بما أنزلت واتبعنا الرسول
فاكتبنا مع الشهدين

ربنا اغفر لنا ذنوبنا وإسرافنا
في أمرنا وثبت أقدامنا وانصرنا
على القوم الكافرين ربنا
ما خلقت هذا باطلا سبحانك
فقنا عذاب النار ربنا إنك من
تدخل النار فقد أخزيته وما
للظالمين من أنصار ربنا إننا
سمعنا مناديا ينادي للإيمان
أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا

فاغفر

فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار ربنا
وآتنا ما وعدتنا على رسلك
ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا
تخلف الميعاد ربنا أخرجنا
من هذه القرية الظالم أ
هلها واجعل لنا من لدنك
وليا واجعل لنا من لدنك
نصيرا ربنا لم كتبت علينا

الْقِتَالَ لَوْلَآ اَخَّرْتَنَآ اِلٰٓى اَجَلٍ
قَرِيْبٍ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاكْتُبْنَا
مَعَ الشّٰهِدِيْنَ رَبَّنَآ اَنْزِلْ عَلَيْنَا
مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ تَكُوْنُ لَنَا
عِيْدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَاٰيَةً مِّنْكَ
وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ
رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ
وَّبَلَغْنَآ اَجَلَنَا الَّذِيْٓ اَجَّلْتَ
لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوٰىكُمْ خٰلِدِيْنَ

فِيْهَا

فِيْهَآ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ اِنَّ رَبَّكَ
حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ رَبَّنَا ظَلَمْنَآ اَنْفُسَنَا
وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُوْنَنَّ
مِنَ الْخٰسِرِيْنَ رَبَّنَا هٰٓؤُلَآءِ اَضَلُّوْنَا
فَاٰتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ
قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَّلٰكِنْ
لَّا تَعْلَمُوْنَ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ
الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ رَبَّنَا افْتَحْ
بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ

وانت خير الفاتحين ربنا افرغ
علينا صبرا وتوفنا مسلمين
ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم
الظلمين ربنا انك اتيت فرعون
وملاه زينة واموالا في الحيوة
الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك
ربنا اطمس على اموالهم و
اشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا
حتى يروا العذاب الاليم ربنا

انك

انى اسكنت من ذريتى بواد
غير ذى زرع عند بيتك المحرم
ربنا ليقيموا الصلوة فاجعل
افئدة من الناس تهوى
اليهم وارزقهم من الثمرات
لعلهم يشكرون ربنا انك
تعلم ما نخفى وما نعلن وما
يخفى على الله من شىء في
الارض ولا في السماء ربنا

وتقبل دعاء ربنا اغفر لي و
لوالدي وللمؤمنين يوم
يقوم الحساب ربنا اخرنا
الى اجل قريب ربنا هؤلاء
شركاؤنا الذين كنا ندعوا
من دونك فالقوا اليهم القول
انكم لكاذبون ربنا اتنا
من لدنك رحمة وهيئ لنا
من امرنا رشدا ربنا اننا نخاف

ان

ان يفرط علينا او ان يطغى ربنا
لولا ارسلت الينا رسولا
فنتبع اياتك من قبل ان نذل
ونخزى ربنا غلبت علينا
شقوتنا وكنا قوما ضالين
ربنا اخرجنا منها فان عدنا
فانا ظالمون ربنا امنا فاغفر
لنا وارحمنا وانت خير الراحمين
ربنا لقد استكبروا في انفسهم

وعتوا عتوا كبيرا ربنا اصرف
عنا عذاب جهنم ان عذابها
كان غراما ربنا هب لنا من
ازواجنا وذريتنا قرة ا
عين واجعلنا للمتقين
اماما ربنا لولا ارسلت
الينا رسولا فنتبع اياتك و
نكون من المؤمنين
ربنا هؤلاء الذين اغوينا



اغويناهم كما غوينا تبرأنا اليك
ما كانوا ايانا يعبدون
ربنا ابصرنا وسمعنا فار
جعنا نعمل صالحا انا موقنون
ربنا انا اطعنا سادتنا
وكبراءنا فاضلونا
السبيلا ربنا اتهم ضعفين
من العذاب والعنهم لعنا
كبيرا ربنا باعد بين

أسفارنا وظلموا أنفسهم فجعلناهم
أحاديث ومزقناهم كل ممزق
إن في ذلك لآيات لكل
صبار شكور ربنا لغفور شكور
ربنا أخرجنا نعمل صالحا غير
الذي كنا نعمل أولم نعمركم
ما يتذكر فيه من تذكر و
جاءكم النذير ربنا عجل لنا
قطنا قبل يوم الحساب



ربنا من قدم لنا هذا فزده
عذابا ضعفا في النار ربنا و
سعت كل شيء رحمة وعلما
فاغفر للذين تابوا واتبعوا
سبيلك وقهم عذاب الجحيم
ربنا وادخلهم جنات عدن
التي وعدتهم ومن صلح من
آبائهم وأزواجهم وذرياتهم
إنك أنت العزيز الحكيم ربنا

امتنا اثنتين واحييتنا
اثنتين فاعترفنا بذنوبنا
فهل الى خروج من سبيل ربنا
ارنا اللذين اضلانا من الجن
والانس نجعلهما تحت ا
قدامنا ليكونا من الا
سفلين ربنا اكشف عنا
العذاب انا مؤمنون ربنا
ما اطغيته ولكن كان في



ضلال بعيد ربنا اغفر لنا ولا
خواننا الذين سبقونا بالايمان
ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين
امنوا ربنا انك رؤف رحيم ربنا
عليك توكلنا واليك ا
نبنا واليك المصير ربنا لا تجعلنا
فتنة للذين كفروا واغفر
لنا ربنا انك انت العزيز الحكيم
ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

تمام شد ربانی کلام الله شریف

العظیم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ



يَا نَبِيَّ الْهَاشِمِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

الْقُرَيْشِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ

الْمَدَنِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْأُمِّيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الزَّكِيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْأَبْطَحِيِّ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّفَاعَةِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ النَّبِيِّ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

الْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

سَيِّدِ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
سَيِّدِ الزَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ سَيِّدِ التَّائِبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَائِفِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الصَّا
بِرِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
سَيِّدِ الرَّاكِعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ

على

عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْقَانِتِينَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْحَافِظِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ النَّا
ضِرِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
النَّاظِرِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
الْحَامِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
سَيِّدِ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْشِدِينَ اللَّهُمَّ

صلّ على محمد سيّد المجلّين. اللهم
صلّ على محمد سيّد المقربين
اللهم صلّ على محمد سيّد الصالحين
اللهم صلّ على محمد سيّد الآخرين
اللهم صلّ على محمد سيّد المحمودين
اللهم صلّ على محمد سيّد النا
فعين اللهم صلّ على محمد سيّد
وخاتم النبيين اللهم صلّ على
محمد سيّد رسل ربّ العالمين

اللهم

اللهم صلّ على محمد سيّد المصطفى
اللهم صلّ على محمد سيّد المجتبى
اللهم صلّ على محمد سيّد البشير
والنذير اللهم صلّ على محمد سيّد
المكّي المدني اللهم صلّ على
محمد سيّد الأزهرين اللهم
صلّ على محمد سيّد الأولين
اللهم صلّ على محمد سيّد النبي
الخاتمي اللهم صلّ على محمد سيّد

النقي اللهم صل على محمد سيد النقي
اللهم صل على محمد سيد مع الشمس
اذا طلعت اللهم صل على محمد مع
الشمس اذا غربت اللهم صل على
محمد مع الشمس اذا زلزلت
اللهم صل على محمد مع الشمس اذا
نصبت اللهم صل على محمد مع
الشمس اذا كورت اللهم
صل على محمد مع الشمس اذا



نفطرت اللهم صل على محمد مع
الشمس اذا انفجرت اللهم صل على
محمد مع الشمس اذا سيرت
اللهم صل على محمد مع الشمس اذا
ضائت اللهم صل على محمد مع
الليل اذا ادبر اللهم صل على
محمد مع الوحوش اذا حشرت
اللهم صل على محمد مع الكواكب
اذا انتثرت اللهم صل على

محمد مع السماء إذا انفطرت
اللهم صل على محمد مع السماء
إذا تراجبت اللهم صل على محمد
مع العشار إذا عطلت
اللهم صل على محمد مع الجبال
إذا فجرت اللهم صل على محمد
مع الدرجات إذا رفعت
اللهم صل على محمد مع القبور
إذا بعثرت اللهم صل على محمد

بعدد

بعدد كل من أمن وهفدى
اللهم صل على محمد مع الآخرة
والأولى اللهم صل على محمد
سيد الرؤفين اللهم صل على
محمد سيد الراحمين اللهم صل
على محمد سيد المحسنين اللهم
صل على محمد سيد الزاكين
اللهم صل على محمد سيد المطهرين
اللهم صل على محمد سيد الصائمين

اللهم صل على محمد سيد الشاكرين
اللهم صل على محمد سيد النبي
العربي اللهم صل على محمد سيد
النبي النقضي اللهم صل على
محمد سيد النبي الحرمي
اللهم صل على محمد سيد النبي
الحجازي اللهم صل على محمد
بعدد الرمل والثرى اللهم
صل على محمد بعدد الأوراق

والحصى

والحصى اللهم صل على محمد بعدد
المطر والقطر اللهم صل على محمد
بعدد الجن والانس اللهم صل
على محمد بعدد منازل القمر و
الشمس اللهم صل على محمد بعدد
الليل اذا يغشى اللهم صل على
محمد سيد الشاهدين اللهم
صل على محمد سيد النجوم اللهم
صل على محمد وعلى آل محمد وبارك

على محمد وعلى آل محمد كما صليت
على ابراهيم وعلى آل ابراهيم في
العالمين انك حميد مجيد اللهم
نتوسل اليك بمحمد وبهذه
الصلوة بحرمة محمد ان
تغفر لنا برحمتك يا ارحم الرا
حمين اللهم صل على روح محمد
في الارواح اللهم صل على جسد
محمد في الاجساد اللهم صل على

قبر

قبر محمد في القبور اللهم صل على
محمد صاحب الكوثر والشفاعة
وصل على محمد خاتم الانبياء
وقائد الغر الجماعة وعلى آل محمد
وسلم تسليما والحمد لله رب
العالمين

تمام شد



